

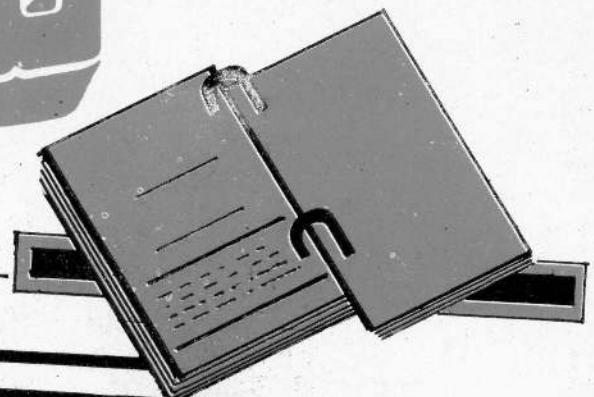
# كتابتون

الطبعة الخامسة - العدد ٢٧ - سوق المعرفة - ١٤٩٢ هـ  
العدد ١١١ - مشاركة مسلسل (٤) - إلبي - ٣

Ketabton.com

# لندن و پاریس

شماره پنجم ماه اسد ۱۳۷۰ سال چهارم شماره مسلسل ۵۹



بنای سیاهی کنیتام - راغع جانه میوند

مصاحبه اوراد رشماره آنند بخوانند

روی جلد: گلزار هنرمندان تاجیک



## رویدادهادر سباؤن

صفر ۱۴-۱۷



## حرامات خان جاوزک

صفر ۲۱-۲۲



## آج ای دارشنه؟



## گل زمان دستار زمان

صفر ۴۷-۴۶

سباؤن

صفو ۵۰



نهضت روشنگران در سالها آزادی

صفو ۷-۶

صفو ۲۱-۲۰

صفو ۴۱-۴۰

صفو ۷۵-۷۴

صداق محترع و آخر اعات باید

احتیاط کنید!

قلب در بهم چاوش در بهم پیش

هیئت تحریر  
در رهبری مشاور  
پیامبر دست  
بازدارد.

اندیشه و عقاید  
ضامون به  
نویسنده این  
تعلق دارد.

### SABAWOON

Monthly Magazine of  
Journalists Union of

Afghanistan

Editor-in-Chief

Dr. Z. Tamin

Assistant

M. A. Maroof

Add:

Block 106, 3rd Microrian  
Kabul — Afghanistan

مدیر مسولی: دکتور ظاهر طبلن  
ایمبلون: ۲۴۰۱۰

مسئول: محمد اشرف مراد

ایمبلون: ۲۲۷۵۲

سکریپتوسول: ضیاء مسعودی

نشریه انتشاریه: قور نالستان

خطاب: گیوئیرو و محمد شفیع

نیکزاد

گسر ایک: نور محمد و رفعت

اعلیم: شفیع گل

نایاب: محمد جعہہ، طوایس

مرزا محمد و ذلیل بولی

همکاران جاپ: محمد ظاهر

(فلوری) - میدالله و میبدالله

آدرس: مکسروپیان سرمه

بلدک (۱۰۱) - داغستان

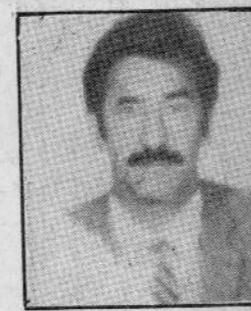
بانک: داغستان

پال - داغستان



بمناسبت بمقادیر و میں سالگرد استقلال کشور

# مدونه افغانستان



طبق پلان طرح شده قبلی  
عملی گردید و شاهزاده امان  
الله در راس جنپش جدید  
قوار گرفت، حکومت جدید  
برهیلی امیر امان اللخان  
در همان لحظات نخستین  
اعلامه راهنمای بر جلب حما  
یت مردم و تامین و تحکم وحدت  
و همیستگی افغان روابط  
مختلف مردم افغانستان به  
نشر رسانید. درین ایام  
اعلامه کوت مردم برای تحقق  
اندیشه ها و آرمانها دیر  
ینه شان مبنی بر استقلال  
کامل سیاست افغانستان که  
یک از وظایف نخستین ملت  
افغانستان را تشییل می‌داد.  
این اندیشه که با خواست  
و آرمانها مردم مطابقت  
داشت مردم استقباً و شیوه‌ای  
مردم فرازگفت و در نتیجه قیام  
سلحانه ملی و جنگ روایی  
با استعماریون غارتگر و مستکر  
انگلیور آغاز گردید که مبارزی  
ملی و رهبران قیام علی مردم  
یا شمارهای اتحاد و همیستگی  
چون مشت واحد در برادر  
تجازگران انگلیور قیام نمودند  
و مردم را به اتحاد، همیستگی  
و درجه و تحکم و حدت ملی  
فرآخواندند که این پرسنل  
جیمه فندهار تحت رهبری  
بقیه دصفحه (۸۲)

ستهم دامورد اخلى و خارجى  
کشور مامد اخله نموده بسر  
حکومت هماسی اثروا در  
مکردن، که این وضع اسیاب  
نکران و ناراضی مودم مارا  
هرچه پیشتر فراهم مساخت.  
نکران ملتم همی ساکن  
درکشور غرض مقابله با یگانه کان  
حساب مکردن؟  
از روشنگران کشور بنام شر  
و طه خواهان غله استعمار  
کران خارجى و استبداد  
خلی، دست بیواره زندگ  
و کام های درجهت تپه افکار  
عame وروشن ساختن اذهان  
مرد پرورد اشتند تاجیکه عده  
زیاد این هزارین را ماستغل  
و عن جان های شهرين خود را  
از دست دادند، اما همچنان  
هرگوشه و کنار ملکت دین اشار  
طبیعت و گروه های مختلف اعم  
از ملیق "نه هی و منفی" و  
دست به انداماتی زندگ که  
زمهنه را برای حضون استقلال  
کشور و طرد استعمار کران  
از کشور ماساعد می‌شود هم.  
پنان در رابطه به بیواره نمرو  
های ملی پیویزه رهبران قیام  
های ملی و طرق عملکرد ایشان  
باید خاطر نشان ساخت  
که از آغاز سلطنت او امیر  
د وست محمد خان در رسال  
۱۸۳۴ میلادی تا قتل امیر  
حوب الله خان در آل ۱۸۱۹  
انگلیور بودند در صدقه قتل  
لوی بر آمدند و این برنا

سند سخت عبدالمهر بن  
لها" توضیح بفرمایید که:  
رهبران قیام همی سردم  
در سالهای حصول استقلال روی  
کدام منازعه با اطراف شکل  
سازن ملتم همی ساکن  
درکشور غرض مقابله با یگانه کان  
حساب مکردن؟  
در رابطه به نقش رهبر

-

ان قیام های مردم در سالهای

-

حصول استقلال و عنصری که

-

ایشان در پیم نمروهای ملی

-

از آنها علیه اشغال کران خا-

-

رچ استفاده می‌شوند با -

-

ید گفت که در طول تاریخ با -

-

مدت زمان نفوذ استعمال

-

کران، مناسع و طبیعت در

-

هرگوشه و کنار ملکت دین اشار

-

طبعات و گروه های مختلف اعم

-

از ملیق "نه هی و منفی" و

-

دست به انداماتی زندگ که

-

زمهنه را برای حضون استقلال

-

دارای حس سلحشوری و غرور

-

افغانی اندوه رگاه غور افغانی

-

وحشیت آن از طرف کسی مورد

-

تو همین تحقیر قرار گیرد، آنرا

-

نمی‌خشنند و تا پای جان

-

از شرف و حیثیت و وقار افغانی

-

افغانستان است.

-

سومین درس این رخداده

-

قطع مداخله بگانگان در امور

-

کشور چن قطع مداخله در

-

سیاست داخلي و خارجي

-

افغانستان است.

-

از این روحیه و خصلت آزادی

-

د وست و استقلال طبیعی

-

افغانستان بحثیت یک کشور

-

نامدار رهبری نیز توصیف و

-

تعریف کرده اند.

-

فهای آسمای جنو ب غرض است

-

محاذده صلح را وینهندی بیسن

نایابند مکان مختار و کشور در  
هشتم آگسٹ ۱۸۱۹ میلادی  
به اینه رسود، ظایز شاه  
امان الله با آنکه پایپرخ میاد  
استقلال طلبی و میاره درهیان  
این معاہد موافق نداشت  
سایر مستعمرات انگلیس باز  
حبله هند برخانوی بد ارشاد وار  
آنچه به جزا برخیزه شهند نهیز  
مطابق ۲۸ اسد توپخ نمود و  
از آن تاریخ به بعد هر سال در  
های منطقه به آزادی استقلال  
خوبیت پایل آمدند.

پنجمین درس تاریخی  
میگیرد.

این است که به مردمان جهان  
واستعمارگران ثابت ماخت که  
مردم افغانستان مردم مانی  
آزادی دوست اند و این مردم  
به هر فیض که باشد آزادی  
و هیئت خود را حفظ کرده  
و میکند و از همچکونه قدرت  
بیکانه بهم ویکی ندارند.

ششمین درس هم این  
است که مردم افغانستان  
دارای حس سلحشوری و غرور  
افغانی اندوه رگاه غور افغانی  
وحشیت آن از طرف کسی مورد

قطع مداخله بگانگان در امور  
کشور چن قطع مداخله در  
سیاست داخلي و خارجي  
افغانستان است.

چهارمین درس این رخداده  
جنکه با استعمار انگلیس اعلام  
داغستند و در اوایل ماه می  
جنکه مقدس مهنه برای استر-  
داد استقلال کشور رسیده  
هرچه عجوب ب، وجنب غرب  
آغاز یافت ویس از کناء دشمن  
مجده و رهی مذاکره و قبول است-  
داد استقلال کشور گردیدند.

محاذده صلح را وینهندی بیسن

دانشند کاندیدا کاد موسی  
محمد اعظم سمتانی

لطفاء د ویوره بزرگترین درس  
های تاریخی نهاد استرداد  
استقلال کشور در سال ۱۸۱۹  
به خوانده کان مجله نظرخود  
را ابراز دارند.

سال ۱۸۱۹ میلادی یکی  
از سالهای پر خاطره و افتخار  
بوانگزد رتایخ کشور ماست.

د واین سال است که ملت غور  
پاشهام افغانستان به قیام  
د ظایز مردم دلوره ایان -

الله خان برای استرداد  
استقلال کشور مردم را بایه  
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد  
و با استقلال پر شور تمام افهار  
و طبقات واقعه و قبائل ساکن  
کشور قیار گرفت. بزودی ممکن  
دسته های مجاهد ویکار  
جوی در شهرها و مراکز عده  
کشور آماده گی خود را برای  
جنکه با استعمار انگلیس اعلام  
داغستند و در اوایل ماه می  
جنکه مقدس مهنه برای استر-  
داد استقلال کشور رسیده  
هرچه عجوب ب، وجنب غرب  
آغاز یافت ویس از کناء دشمن  
مجده و رهی مذاکره و قبول است-  
داد استقلال کشور گردیدند.

محاذده صلح را وینهندی بیسن

دانشند کاندیدا کاد موسی  
محمد اعظم سمتانی

لطفاء د ویوره بزرگترین درس  
های تاریخی نهاد استرداد  
استقلال کشور در سال ۱۸۱۹  
به خوانده کان مجله نظرخود  
را ابراز دارند.

سال ۱۸۱۹ میلادی یکی  
از سالهای پر خاطره و افتخار  
بوانگزد رتایخ کشور ماست.

د واین سال است که ملت غور  
پاشهام افغانستان به قیام  
د ظایز مردم دلوره ایان -

الله خان برای استرداد  
استقلال کشور مردم را بایه  
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد  
و با استقلال پر شور تمام افهار  
و طبقات واقعه و قبائل ساکن  
کشور قیار گرفت. بزودی ممکن  
دسته های مجاهد ویکار  
جوی در شهرها و مراکز عده  
کشور آماده گی خود را برای  
جنکه با استعمار انگلیس اعلام  
داغستند و در اوایل ماه می  
جنکه مقدس مهنه برای استر-  
داد استقلال کشور گردیدند.

محاذده صلح را وینهندی بیسن

دانشند کاندیدا کاد موسی  
محمد اعظم سمتانی

لطفاء د ویوره بزرگترین درس  
های تاریخی نهاد استرداد  
استقلال کشور در سال ۱۸۱۹  
به خوانده کان مجله نظرخود  
را ابراز دارند.

سال ۱۸۱۹ میلادی یکی  
از سالهای پر خاطره و افتخار  
بوانگزد رتایخ کشور ماست.

د واین سال است که ملت غور  
پاشهام افغانستان به قیام  
د ظایز مردم دلوره ایان -

الله خان برای استرداد  
استقلال کشور مردم را بایه  
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد  
و با استقلال پر شور تمام افهار  
و طبقات واقعه و قبائل ساکن  
کشور قیار گرفت. بزودی ممکن  
دسته های مجاهد ویکار  
جوی در شهرها و مراکز عده  
کشور آماده گی خود را برای  
جنکه با استعمار انگلیس اعلام  
داغستند و در اوایل ماه می  
جنکه مقدس مهنه برای استر-  
داد استقلال کشور گردیدند.

محاذده صلح را وینهندی بیسن

دانشند کاندیدا کاد موسی  
محمد اعظم سمتانی

لطفاء د ویوره بزرگترین درس  
های تاریخی نهاد استرداد  
استقلال کشور در سال ۱۸۱۹  
به خوانده کان مجله نظرخود  
را ابراز دارند.

سال ۱۸۱۹ میلادی یکی  
از سالهای پر خاطره و افتخار  
بوانگزد رتایخ کشور ماست.

د واین سال است که ملت غور  
پاشهام افغانستان به قیام  
د ظایز مردم دلوره ایان -

الله خان برای استرداد  
استقلال کشور مردم را بایه  
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد  
و با استقلال پر شور تمام افهار  
و طبقات واقعه و قبائل ساکن  
کشور قیار گرفت. بزودی ممکن  
دسته های مجاهد ویکار  
جوی در شهرها و مراکز عده  
کشور آماده گی خود را برای  
جنکه با استعمار انگلیس اعلام  
داغستند و در اوایل ماه می  
جنکه مقدس مهنه برای استر-  
داد استقلال کشور گردیدند.

محاذده صلح را وینهندی بیسن

دانشند کاندیدا کاد موسی  
محمد اعظم سمتانی

لطفاء د ویوره بزرگترین درس  
های تاریخی نهاد استرداد  
استقلال کشور در سال ۱۸۱۹  
به خوانده کان مجله نظرخود  
را ابراز دارند.

سال ۱۸۱۹ میلادی یکی  
از سالهای پر خاطره و افتخار  
بوانگزد رتایخ کشور ماست.

د واین سال است که ملت غور  
پاشهام افغانستان به قیام  
د ظایز مردم دلوره ایان -

الله خان برای استرداد  
استقلال کشور مردم را بایه  
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد  
و با استقلال پر شور تمام افهار  
و طبقات واقعه و قبائل ساکن  
کشور قیار گرفت. بزودی ممکن  
دسته های مجاهد ویکار  
جوی در شهرها و مراکز عده  
کشور آماده گی خود را برای  
جنکه با استعمار انگلیس اعلام  
داغستند و در اوایل ماه می  
جنکه مقدس مهنه برای استر-  
داد استقلال کشور گردیدند.

محاذده صلح را وینهندی بیسن

دانشند کاندیدا کاد موسی  
محمد اعظم سمتانی

لطفاء د ویوره بزرگترین درس  
های تاریخی نهاد استرداد  
استقلال کشور در سال ۱۸۱۹  
به خوانده کان مجله نظرخود  
را ابراز دارند.

سال ۱۸۱۹ میلادی یکی  
از سالهای پر خاطره و افتخار  
بوانگزد رتایخ کشور ماست.

د واین سال است که ملت غور  
پاشهام افغانستان به قیام  
د ظایز مردم دلوره ایان -

<div data-bbox

نوشتۀ داود سیاوش

# نیشنست

# نیشنست

# دسا نهاد

نصرالله بزرگترین فردخان  
تواده شاه نبود، زیرا وا آنکه  
مورد خدا استخاره خواهان  
استقلال کشون بود ر اداره  
دولت دلستگی به نظام قانون  
و سلطاهن داشت ۰۰۰۰  
یکان شخصی که دروازه خانواده  
موره توجه نیزهالهای دزدار  
قرار گرفت عنان الدولة امان  
الله خان بود ۰۰۰۰ اوتوا  
نت نایب السلطنه را بحیث  
ریسین انجمن سری شامل  
نقشه کوتا نماید که امیر را  
در جان آباد بکشد و جامیش  
نایب السلطنه را پنهانند  
دستور اجرای این عمل را به  
دواره نفر از اعضاي جمیعت  
سری ملی در قرآن تحریر و مصا  
نموده به سردار سهروردی، ولی  
وزیر مهن سردار رازخانه نهیمه  
آمد و باشتن برادر رخا الفکرده  
نسخه قرآن شیف نزد امانت  
امیر حبیب الله کشته شد  
و امان الله خان به حمایت بالقوه  
وال فعل مشروطه خواهان بے  
قدرت رسید، شاه تاج پادشاه  
هی را به شرط اعلان استقلال  
افغانستان برسود کشت و این  
هشان خط او بینا می  
روشنفکران بود روشنفکران  
مشروطه خواه در جهاد  
کیم و ملن علیه انگلیس سهیم  
فعال در فته این افراد با ایمان  
و صاحب اندیشه در خط مقدم  
پیکارضد انگلیس مرد انسه  
زرمیدند و بعد از اعلان مبارکه  
در اشانه سند استرداد استقلال  
وطن، که با خون غازیان و  
مجاهدین سریه که راه وطن  
نوشته شد بیرون، سهم فعال  
گرفتند شاه غازی در ایتدا  
با روشنفکران صمیمانه بزرخورد  
نموده، محبوسین سیاسی  
مشروطه خواهان را ارزیدند.  
ها آزاد ساخت و یک تعداد  
آنان را دستهای میم  
اداره امور شورکا شت و لی  
شاه که حاضر بیود کام در  
جهت تحفظ اهداف برناست  
روشنفکران بوداره، به تبع  
با عکس العمل های روشنفکران  
پیغام داده (۱۹)

منجمله شهرزاده امان الله  
خان بشاره معرفت تعداد  
مشترکین آن در همان زمان  
به (۱۶۰۰) نفر بالغ بودند  
نشرات سراج الاخبار،  
دولت هند بپریانوی و رو سیمه  
تزاری را به لزه آورده انگلیس  
ها در ابتداء تلاش و زیدند  
نشرات آنرا قطع کنندولی بعد از  
صلاح کار را در آن دانستند  
که نوع پاشرات آن عادت  
کنند؛ اما جنرال کورا پاکش  
حکمران رو سیمه تزاری در  
ترکستان تلکرام به ناینند  
رو سیمه توییسکی که در هند بود  
فرستاد، خاطرنشان نمود که  
شماره های سراج الاخبار را  
در بخارا و بلاد دیگرستان  
 منتشر میکرد و از مقالات آن  
احساسات خود روس و پریانوی  
در هند بود که جو شیعیان بیان بران  
دولت هند بپریانوی پایید بسیار  
امیر افغانستان فشا را در دشائی  
جنده خط مشی تبلیغی خود  
را تغیر دهد.

استاد عبدالحق چهیس

در کتاب جنگ مشروطه  
منویسید که حدالدین عینیس  
به اولکه بود آنها سراج  
الا خارج از رشرا بایلی  
نشرت تحت تعقب پولیس رو سیمه  
بود بدست می اوردنده و منغیانه  
مطالعه میکردند.

سراج الاخبار

واعم امیر پیغامبر  
وم استقلال طلبی و مشروطه  
نواهی داغستان بود توان  
ست اثرات بزرگی داشتند  
های روشنفکران منجمله دریا

بکار آمدند.

میر غلام محمد غارمو رخ

شهرکشون را فغانستان  
در مسیر رثایه منویسید، بسیار  
علاوه این جنبش های فکری،  
سری علیش، هسته تحول  
د و نفس درباره خبر افشا

اصلاح طلبان از رو شام امیر  
منزجر بودند، و چون خود  
د ولت انتقاد نموده از استقلال  
اعبد الرؤوف خان کند هاری —

افغانستان سخن میگفت مانع

درسته شاهی و ملای حضور

بود داشت.

اولین شماره سراج الاخبار  
افغانستان در چنور میلادی (۱۹۰۳)  
در پایانه "سلیمان باید بسیار"  
و افتادن لست فعالان جمیعت  
سریسلیم به دست امیر حبیب  
الله اخدا این سازمان —

با افتاده شدن مولوی محمد

سرور خان و دیگر از هم  
لعن حبیب بود آنها سراج  
و توف نشرات سراج الاخبار  
افغانستان شعله نهضت  
استقلال طلبانه و مشروطه  
خواهی ظاهره میگردید که

ولی شریعت مکتب خواهی فراراد —

دیگر به تقاضای مصر و اجها ر

زمان سورفه آورده ام اجازه

ایرانی مصوی اندیمه جاری شد

آن از اعدام نمود و میمکنی زنگی

شده باشد علاوه نموده که در وند

طبزی که با افکار تازه و مشهور

از استقلال طلبی، مشروطه —

خواهی و دارک عالی از رو سیمه

های جهانی به وطن برگشتند

بعد سراج الاخبار را به مدیر

رسه تربیت جوانان با روحیه

استقلال طلبی و مشروطه خوا

هی پیدل ساخته چند ده روزه

که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۱

به نشرات پرداخت با جرقت

ستان در کابل نشر نمایند

در راه سریع و من دستگاه

عبد الرؤوف خان کند هاری —

متخلص به "خاکی" سرمه رس

نشره که میگردید روشنفکران

خان مامور بار چالانی "میر —

پار بیک خان در روزی و خسرو

جوانانی که در داخل در

پار، به مطالعات کتب و جرا

خارجی میگردید اختند و به مسائل

سیاسی و اجتماعی داخلی و

خارجی دلچشمی میگرفتند.

۲- حزب جمیعت مری

ملی که مریز عده آن مکتب

خان طرزی با مذکوره های تحول

طلبانه و پرداخت عیق سلط

سی از وضع جهان دروند —

تحولات و تضییقات دنها

زمن از همان جوانان را آماده

بدز اندیشه های جوان سها

سی نمود ۰ د راین وقت

نشرات جمیعت التین و هیک

تعدد از نشرات دیگر از هند و

ستان و مصر میگردید و میگشتند

را مشتعل میخواستند و در کشور

از مکوره های روشنفکران میگردند

حال الدین افغانی را در رفته

پسندیدن ترقیات عصر آورده

تحولات و پیغام های نهادن —

با آنکه شاپنگکوره های

سها میگردند در راه پیغام

پار را فرستادند و در کشور

ایران و ملکی و دیگر مسلسل

اصلاحات در کشور آغاز گردید

قوه اجراییه شکل شد ۰ د و

مکتب پکی ملکی و دیگر نظایر

نایم کردید، مطبوعه "پا

حصار بیرون آمد" جریده

حیوب الله با رشد نیمی شعور

سیاسی بالا شد و رشد

تحولات معین، یعنی بوجود

آمدن فابریکات، تا میس

مکتب، منجمله مكتب حبیبیه

آمدن پکتعداد معلمین هندی

خارجی دلچشمی میگرفتند

به کابل، پسوند داشتند

او در افغانستان دولت

قوی مریز میخواسته در

ایران و ترکیه که دولت مریزی

موجود بود نعمت دیگر کسرای

سی از وضع جهان دروند —

تحولات و تضییقات دنها

زمن از همان جوانان را آماده

بدز اندیشه های جوان سها

سی نمود ۰ د راین وقت

نشرات جمیعت التین و هیک

تعدد از نشرات دیگر از هند و

ایران و ملکی و دیگر مسلسل

اصلاحات در کشور آغاز گردید

قوه اجراییه شکل شد ۰ د و

مکتب پکی ملکی و دیگر نظایر

نایم کردید، مطبوعه "پا

حصار بیرون آمد" جریده

امیر حبیب الله به دوره

همس النهار در (۱۶) صفحه

پیچ آپ رسید، کارخانه تو پ

"سلیمانیه" دیگر کرد

تفنگ و باروت سازی تا میس

خواهان رفع در جوکات

نیم بودند، مانند محمد ولی

جوهانه اندکیها و فرار امیر

اکریه اوراق پریشان تا

افغانی تمام نظریهای دیگر کرام

های اصلاحی خود را به امیر

اسطوره و پادشاه افغانی

از مفهوم صادی تاریخ نگاه

کشم و در آن جستارهای

از نهضت روشنفکری را در وا

خر قرن (۱۹) مخالفه نمای

بیم به واضح دیده مشهود

که این موج تاریخی از در وان

ایران شهروی خان به تلاطم

آمده است.

اگر در بار امید وست —

محمد خان استعداد استفاده

از مکوره های روشنفکرانه میگردند

حواله ای افغانی را در مقابله

متوجه دیده اند

تعداد نشرات دیگر از هند و

آسیا میگردند اینها میگردند

با آنکه شاپنگکوره های

سها میگردند در راه پیغام

علی خان از لحظه ذهنی —

آماد و پذیرش چنین پیغام

آیه زمان نداشت، اینها میگردند

شده که بیان این شهروی پسند

گاه طرفد ایان محمد اعظم

خان در راه بار مهدل گردید

وروی همین ملاحظه ثواب کار

را در آن دید که سهند بیان

ملاقات با محمد اعظم خان

سیاهی

لایه

وقت "سیاهی کنام" را در بیت بخشنودم، فکر میدردم، که  
تسویر شناس ازین فرزانه مود "تحویل داده باشم" اما پس از هاد را -فقط که نیز نکته های بسیاری رانکته ام و هموشه دو بخشدیگر  
آن را نیز سرویدم.با اینست اغتراب تم ده سیاهی کنام، نام بزرگی که من آن را -  
احساس میشم، از غلوتو جغرافیای شعر فرازتر میروند و برآمده دنای پاییعمره این حاسه همای اسطوره قامت را در رکنام نامی، باید غرباً داشتم.  
"سیاهی کنام" در روان من الها مایه جاودانه دارد.

# سیاهی کنام

آشپز  
مالکت مرگ پدر را -  
بارستاخنی -

جشن گرفتن

آشپز  
بر مردمه لاغر دستان مادر

یک فصل شد و بوسه کاشتی -  
و بزم حرب آغوش

به نیاز بار ترسن سجده

خواهرات داد زند: سرفو کاشتی -  
و توبا خود گفتی: ((لله جان! - لله جان!))

((کاش بیاد ری داشتم!))

آشپز، نخستین شب دیدارت بود - با تفکر  
که از آن پس

برستو های چشمانت هرگز،

جاد ریاغجه را سبز نمیدیدند -  
هان!

پس از آن شب

برای همسر و فرزندان

آسان خدا با تمام و سمعتش

خیمهه تنک کاپوس گشت -

و حق بالداران جهش

جا غورهای آتشهر شان را

به دا من سبز روستا -

خالی کردند،

مهاجران قریه کرد

اندو همار ترین مرتهه زبان را

حس کردند

● ● ●

های مرد سنگرود!

میدانم،

در هزاران شب،

تفکر بالهنت بود -

وقت،

هدوج خاطره هایت را -

برآن منها دی

صاعقه بی بهداد میگرد

ویشتاره خواست را مهد زدید -

خداد میداند!

در فضولی که چنگره بیان عصر

در صحاری قد و مت

آتشنواههای مرگ میر بختند

شعله باد جنکه،

پشمینه کلاهت را،

آهای، سیاهی آزادی!

من بتو

دو همزاد - دوهیا و بوده ایم

که موایی نکاه هایمان

خونت را -

به پایکوس گرفت

وکلا هش را

صدقه سراد،

محلکه کیز حلالش باد

و معجون شکست.

● ● ●

آهای غریبزاده "کنام"

سیاهی آزادی!

کدامهن راه را

به پاد قیض قد و مت

بوسے زنم?

وکدانم درست را

به نام قاتم مودانه و سترت

نیارت کنم?

پادکدانم دره را -

پر رقے خیزم؟

که نردخاک ترا خواهد داشته

وچه کل را -

به دیده بمال؟

که رنکه خون ترا خواهد داشته

● ● ●

آهای سیاهی کنام!

من باوردا نم

ستاره تو هنوز

از مخلل نهایی آسان نیخته است.

اما

شها -

پرمزار ناشناخته است

چ رافسوس و مسوزد.

● ● ●

های عزیز هزار و چند و میں شب من!

گراپایس زده

های، غریبزاده -

مرد رفته در گنام نام!

کدامین آیت سیاهی را

از کتاب دیوانه گان آزادی

به نام هدیه بگیرم؟

ندامن هاینکه در هزار و چند و میں شب تاریخ!

خونت پا خال آن بخت

و باز جمجه هی دیگر

از کلasse محمد

به حلق شیطان بخت.

● ● ●

های، غریبزاده -

مرد رفته دریش دیواری سایه زمان!

من،

اسطوره شهابت مشرق را

د رخط گامهای فراخست -

که پرجاده شهادت -

گل زده است

با زیخوانس.

فهمهات،

در لحظه های مضطرب پر رود

دیواری نهود

و نگرانیافتی

که نامه بیهی مادرت

و ابرای عزیز ناشناخته خود -

پیامی مهنشتی.

فقط آن تاب

سلامت را به من گفت.

● ● ●

های عزیز هزار و چند و میں شب من!

گراپایس زده

در سه واره تمام بود :  
خدا مادر آزادی  
وازنام خوش  
هیچ حرفی به یاد نبود -

اگر هیکام تو بودم  
از اتفای تو  
شعر بلند روزگار را -  
به دیدم میگرفتم .

خوب باشد .  
نامت با زمین .  
نامت با ستاره .  
نامت با خدا .

گو خورد هست .

های غریب زاده  
مود رفته در عی کنام نام !

نامت - نوروازه بیست -  
در قاموس بس ردیف شبکرد های خرا سان -  
که تجلی حروفش ،

جادو گران شرق و غرب را -  
کوچکشند .

باکی نمیست  
اگر خلیفه های نا خلف .

مفتان بین طهارت را -  
به سود خوش خردمنه .

و سهاد اران ساسیماں  
پیمان پاری - پیمان خوت را

با فرام بس مهر  
بینند .

شمیں بین است -  
که فرزانه کان زمین -

دیدند :  
تو بر مساجده سرخ شرق

عاشقانه شرین نیاز را -  
نمای آزادی را ،

به آذان بروخاست - به تکبیر ایستادی واد آیش کردی .

عزیز شعر من عزیز نزد همیشی من .

شادت را  
با کدامین صدیه خونیں

به آمین بر خیمن ?

نکه نکه به دا من مچید ،  
پادها آنکاه در یافتند ،  
که بهم خونین بپهشتی -  
جه عطی دارد !

● ● ●  
های دیوانه آزادی :  
من نیز آله پایی استم

در سحابی دیوانه گان  
من به زیارت لاله ها میروم .

تا معن سنایت سخن گامهای را  
لعن کنم  
و خنک عقل مسخره نو دد .

من خوبشن را -  
با کل خواهم شکفاند .  
با کوه خواهم رساند .  
با بک خواهم آخت .  
جاری خواهم شد .

همخط رود خانه  
و خواب خواهم رفت -  
همسر کو .

نا یافت کنم  
لا ایش زا

که در شیهای بین مادر  
با آن میخفتی .  
و هایه بیعنی را  
کز کوتاه ترین خواب زمان  
بیدارت میساخت .

● ● ●  
آزاد مود استو ره قائمت !  
مردانه گشت را !

در قلمرو تعریف  
گجاشی نمیست .

کو .  
نامت را پس میدهد .

دشته  
شهاست را تنگ میکند  
ورود خانه -

راهی شدنت راه  
جه آرام است و چه کم امتداد !

و من ،  
جوانهت را -

جه قند روکدم !

● ● ●  
عزیز ملت من - سپاهی آزادی !  
سوادت -

آهای سپاهی کاکلیس !  
دو شب مسافری -

از دیوار پیشانی آمد .  
با پاک مشت نشانی

از گیزان خونین است .  
گفتم :

آهند پنه های جننسی .  
زود است - زود است

کزین پنه های جننسی  
در دشت پاد های دهکده -

جنگلیس بکار .  
که اگر روزی ،

میووه و حش آن را -  
زاغها بخورند - کبوتر کردند .

مسافر نمایند .  
گفتش پاش -

باشتا باری دامن رنگرد هات را  
به دیده بهالم -

آخر غار دشتی دارد -  
و دود گوشه

و هطر خونی .  
مسافر پیغم لب میگزید .

مسافر همیز هیچ نیست .  
باری آبله عصده

در گلیش ترکیب  
و فقط اینقدر گفت :

(( رضای خداست ))  
مسافر برگشت -

به جانب نایدا  
به سوی سرگردانی .

آی مرد خدا !  
مسافر بیو ترا داشت .

کاکل مست ترا میاند .  
لکشها ش پنه بینه بود و کامهایش

کامهای بین نکست ترا میاند .

● ● ●  
هان ه هزیز من !  
وقس عزیز هیچ گزست

گلناره های نیمسوخته پیکرت را -  
برین او فرو بپاشد .

بر فرق کدامین ناک -  
کدامین بوته -

و گریان تک کدامین را -  
لکشها کهنه ات را -

خدای مداداند :

شبایی بس ماهستاب  
وقس در سبد های کوچک چشم ان خود

ستاره میشمودی  
ونگاه های زیست -

سونه آسان را شیار میکرد .  
تسوز عشق کدامین عزیز  
د ریزیزه آن هست

میوه یاد میمخت ?  
خدای مداداند :

وقس صابر شن - هذیان شیاطین  
درب گشتهای را

پارخوت میگرفت ،  
خون در رگهای

با چه لبیوس جوش میزد ؟  
وانگاه :

عاشقانه تکبیر میزد - چنگ را  
تا مهرکش قبح میگردید -

● ● ●  
آهای سپاهی آزادی !  
در کدامین روز بس آفتاب ،

شیاطین -  
از دم مرکب تاریک -

چنان جادو وی میهافت ?  
که آهوی روحست .

بکه از چشم سار آشیان تن  
نم کرد -

و دیگر خشنجره های مژه گانت  
به قیامین بر نخاستند .

دیگر ه  
شبانه هاتمهای  
ومادرت هر گزه

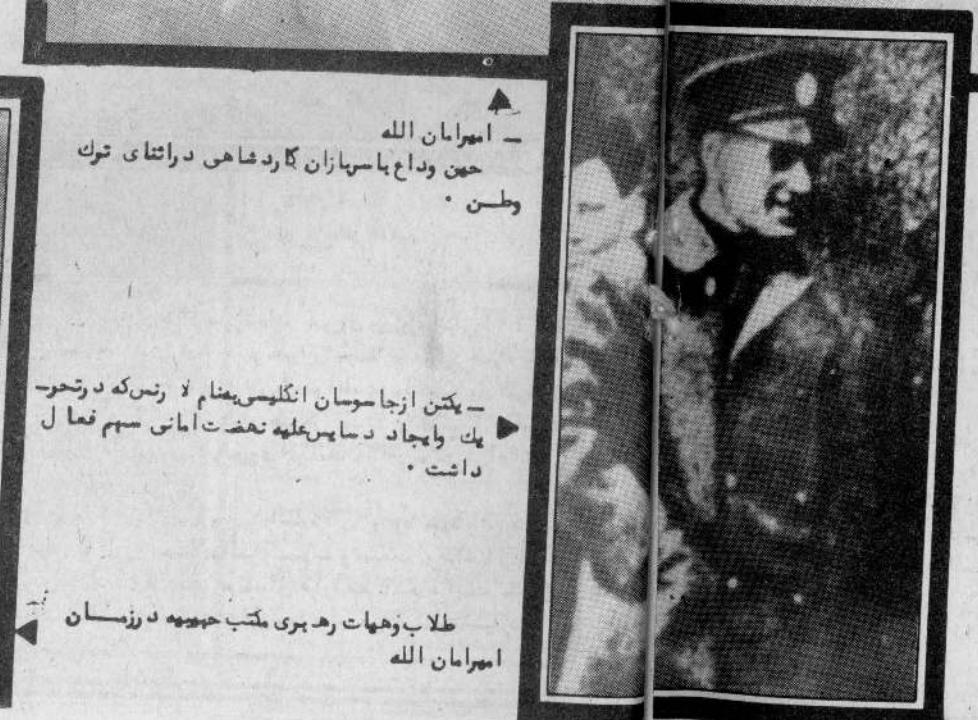
سبد پرکل تسبیه های را  
روی طاقبسم دیدارت نگذاشت .

پوچاره -  
دیگر مسافری نیافت

که جام لبیز چشم ان شریان  
درین او فرو بپاشد .



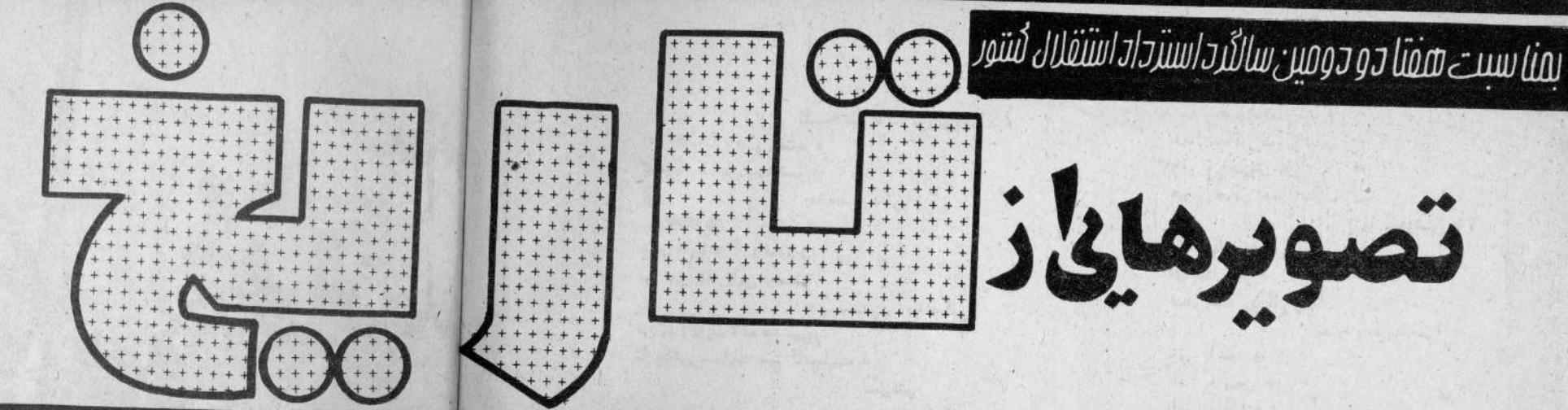
ملعبد الله مشعور به ملای لیک که قیام سنت جنوبی را درسال ۱۱۲  
در زمان زمام داری امان الله خان رهبری میکرد.



▲ امیرامان الله  
حین وداع با سپاهان کارد شاهی در انتای تونک  
وطن.

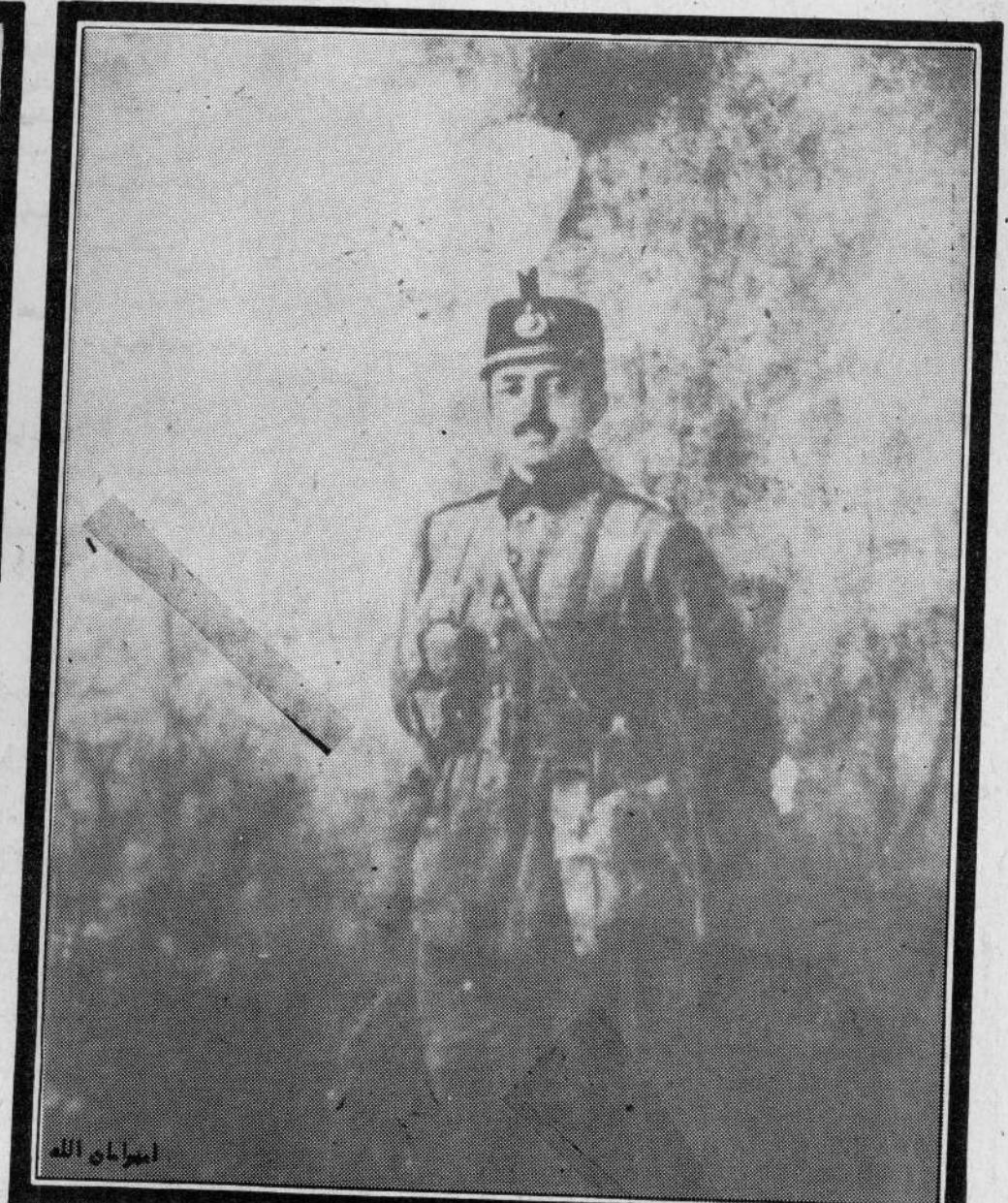
► یکن از جاسوسان انگلیسی بینام لا رنس که در تحریر  
یک واچگاد دسایس علیه تحفظ امانت امانت سهم فعال  
داشت.

▲ امیرامان الله  
طلاب و همای رهبری مکتب حبیبیه در زمان



بهنا سبیت هفتاد و دو هزار سالگر استقلال گشود

## تصویرهایی از



امیرامان الله

# کله جنگل

و کالینین که به عمارت پار لامان روسیه یا قصر سپید روسیه مس انجامد از تازک‌ها «مانین‌های محارسی و موتوهای نفوذ بر نظامی پر شد. دیگر ترافیک شهری اخلال شده بود. مابه بیرون هوتل رفتم. تازک‌ها پار لامان روسیه را محاصره نموده بود. ظاهراء اسپ کودتا چیزیان بد و مانع به پیش‌میاخت. اما صرف چند دقیقه بعد گروه بزرگی از رهبران پار لامان روسیه از عمارت لطفاً سفعه برگرداند.

و ترجمان راه اتفاقیکه را در هتل اوکاین که در پیکی از نقاط مرکزی ماسکو واقع است، در پیش گرفتم. رفت و آمد در جاده‌ها بصورت طبیعی ادامه داشت. چهره‌ها رنگ پروده مردم از شوک خبر مددان که هنوز پایان نیافرید. مردمان نا آشنا از یکدیگر سوال نموده و با ابراز نظر من کردند. در در طرف خط ریل مأبرین ساده مقاومه هایا زیستند. واژ تازک‌ها اثری دیده نمیشد. با جایگاندن در هتل غیر تازک‌ها در جاده ها آرامش و بسی تفاوت مردم را. اخلال کرد. حوالی ساعت ۳۰ بـ ۱۶ دیگر در جاده بزرگ کوشوز فـ

وانها برای انقدر رانگـ دارند به کودتا متول شدند. بسیاری‌ها خلاف مقررات درد هلیز هلبه دود کردند. سگرت‌آغاز نموده بودند. مثل هر حادثه بـ مارینا سور که ترجمان مادرحال که صد ایضی از لزید و خشم از چشمانش غوران می کرد، در کوبیده تون از حادثه اطلاع داد. او و سخنانش را با این جمله ختم کرد که: «خونتا! محافظه کاران و حشیخواهند و موكاوس را بـ کنند!» ساعت ۲۵:۰۰ صبح بود. ترن تا پیک ساعت دیگر بـ ایده ماسکو می رسد. مسافرین ۱۳ ساعت سفر را پشت سرگز آشته بودند. رادیوی سراسری شوروی در اساقه‌های ترن خطاب کیهه فوق العاده را پخته کرد. فکر میشد که زمان به عقب برگشته است. شاید این نه سال ۱۹۱۱ بلکه سال‌های ۱۰ میسوی است که رهبران شوروی نیعنای شماره‌ای مانند «زند بـ باد کونینزه زند بـ باد مردم» بساط یک دیگاتوری جدید را برپا می دارند.

در دهلهی واگون ترن مردم با سهاهای تکده و مضرب بـ یکدیگر صحبت می نمودند. یـ خاتم گریه میکرد. وی غمگینانه به من نگاه نموده و گفت: «فرد اباید قرارداد اتحاد در میان جمهوری‌های شوروی اینها من شد، در آنصورت محافظه کاران و کوئیست ها قدرت را از دست من دادند.



تازک‌ها بـ پیش‌میاختند

«کیهه فوق العاده قدرت را!» دست گرفت. گریا چه به خاطر دلایل صحن برکارشد، یا ناید معاون اول رئیس جمهور رهبری - کشور را به عده گرفتید یکگونه مارینا سور که ترجمان مادرحال که صد ایضی از لزید و خشم از چشمانش غوران می کرد، در کوبیده پلتن جسوس رانه رعبی مقاومت در برابر پوچست ها را به عنوانه گرفت.

## پیرنده اصلی میازره میرلی دموکراسی ملیتی سی

### نوشتۀ دکتر طفیل طین

هزینان کودتای ناکام در اتحاد شوروی و پیروزی بر آن (۱۹۱۱ تا ۲۵ اکتبر - ۱۹۱۱) مدیر سرویس مجله «سیاون همراه با پیش‌عده زورنا لستان افغانی» در ماسکو امانت داشت. وی در بازگشت به وطن، گزاربر و تحمل جریان کودتا و انقلاب ۲۲ اکتبر را که به پیروزی دموکراسی - رشوروی انجامید، کام به نام ازراه اخبار سفته به نشر سپرد.

از آن جا که مجله «سیاون خواننده کان و پیزه خود را در ارد و نیزه به خاطر آن که این مطلب جالب و سهم به و سمت و مردانه بـ مصادر بدست رئیس خواننده کان و علاقه مندان فرازگرفته باشد، اینست متن گزارشی مذکور را بد و هیچ تزیید و تصرفی به نشر می‌پاردد.



# ۷۲ ساعتی که جهان را تکان داد



گریاچ نیز انجام دادند. انها نکری نمودند که گریاچ رای توافق و اداره تسلیم کنند. اما او تسلیم نشد، او طویل خودش در صاحب مطوهات پس از برگشت به کیمی در روز بیانشنه ۲۱ آمد اشنا کرد از اینها هر چون سندی درباره استفاده و با تعویض بدر بهم او شرکه نی توافت نداشت از اینها را درست. مونعمت ناهارا، مانونی فرازه هر آبا و زید.

نام امن عواص، کروپ هشتگانه را در مقیمه دشوار قرارداد. حتی حزب کمونیست که رهبری آن بدون اعلاء و رسخ و خاکشان در ضرب کودتاجهان قرار داشت، حرمت نمود بر اعمال کودتا مهر نامید پذیرد. روزنامه برآورده و پسچ روزنامه دیگری که نهضت کواد نیسته از این راه اشتند گرچه تمام این وصوبات توطه گران را چاپ نموده اند اینزاب به تائیک کودتا گشته نتوانستند.

رهبران کودتا برخلاف جهان ناخواسته کی عمل نموده قائلند. نیت راه خود به آن رای داده بودند نهایی که کشته شدند. از همین جهت هم طی سوری کودتا ما با کسی بی خودنمایی که بتواند از کودتا رفاقت کند. درحالیکه جوانان و مردم خارج اشک خواستند و خانه احمد شانرا به ملتش بسی بودند.

تعجب اور است که در جریان مک صحبت مایا معافون روزنامه برآورده اند ای گاریچ در روز سه کودتا که هنوز کمتر فوت العاده هست. عمل نی کرد، و نی توافت موضع حزب کمونیست را روشن محسوب شد. پیشنهاد معرفت شهرو نموده بودید؟

اعمال کودتا دچار اختلاف هستند. تلویزیون سی آن از کار رفتن کوچکوف و یا زوف نیز خبر من داد.

از سیو دیگر علوی که یک زورنالیست شوروی اظهار نمود کوتای چیان خود را مشک و انتخاب نمودند. انها پلان تحمله را مانتند. سال ۱۹۶۴ که خروش چف برقرار شد طرحیزی نمودند. بدینگونه که درین خود فیصله نمودند که وقت برای آن فرا رسیده که "شف"

را به دلیل اینکه به "مس" مطلوب نمی راند برطرف کرد. انها حتی این زحمت را متفقل شدند که فرمول جدید برگزاری بازاند و با همان فرمول گفته و اشای "معاذ بر صحن" عمل کردند.

پایه اندازی بازی "شگر" و گین گین خواستند مردم را -

بسیارانه بودند که با این حرکات من توانند درست مانند سال ۱۹۶۴

همه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. اما انها نمی توانند این کشورهای غلبه و چند دنیا خشک به مردم در ک

لعن داشتند. در نهضتین برآمد مطبوعات خوش درباره مردم همچ

نمودند. بدینگونه ملتش به مکانه

مقام تاپل اتکا چه در میان ملمن از ادب خواه شوروی - بلکه هجتان نزد رهبران غرب میدل شد.

در تحریره رویدادهای اخیر اهل

و سایر کشورهای غربی نشان دارد که اینها بیور استقرار نیز نهیں در بود.

جهانی و دفاع از دموکراسی در بیان یادگار امتداده اند. کودتا

شما و شنیدن که این امر عادت نموده بودند.

کشتن سلطی برای انتقام مردم که فکر کنند نظر شخص اینها نظر در بود.

هم ملت است، که دموکراسی کشند، هم ملت است، که دموکراسی

کشند. هم کلمه میان نهی ایسته،

که دموکراسی کشند. روز و کودتا پاولوف به بیان فشار لند بسازی را خواستند. به نظر هر سید که

گران تصور نمودند که آنها

میدان مقابل پارلمان روسیه را تراز نگفتند. جوانان شب زریز از سرگردان دفاع من نمودند و با شور

مقامات نمودند. اینها پلان تحمله را مانتند. راه پاسداری از دموکراسی از ارادی که

پارلمان پایین آمد و چیزی های دیگری هر راه خلاب به انها سخن گفتند.

پیاز کودتاجیان آن را درک -

دانزی که اثلاطها فراهم می اوردند. راهیوی روسیه به محل تبارز اراده

خالی درباره مردم ایستاد و پس

هر راه خلاب به انها سخن گفتند.

پیاز کودتاجیان آن را درک -

دانزی که اثلاطها فراهم می اوردند. راهیوی روسیه به محل تبارز اراده

خالی درباره مردم ایستاد و پس

هر راه خلاب به انها سخن گفتند.

پیاز کودتاجیان آن را درک -

دانزی که اثلاطها فراهم می اوردند.

که اینها خواستند تعلیمی مردم خود

کشند. در پیش از این که پیش از

در نهضتین میانی های راهی را

پیش از این که دیگر جامعه شو -

روی دگرگون شده و نیزه هایی

پیش از این که دیگر جامعه شو -



جریان تغرس میانی کودتاجیان

مردم کماینکه قدرت رهبری بوده و در راهی خود هزارنفری را اغاز نمودند. این گرد همایی ها در ظرف ۲۴ ساعت به تظاهرات و میتگ ها مبدل شد.

کودتاجیان اعلامیه های را که متن کامل آن ها (العجب ۱) در روزنامه پیام ما بطور کامل نشده شده از زادیو و تلویزیون پخش می خودند.

اعلامیه ها حرف های زیادی نداشت. جامعه در بیان امته دستورات و بیان می خواستند همان ایام در دستگاری ازادرد کیمیان پیش از این که دیگر جامعه شو -

پارلمان پایین آمد و راه صحبت با تائیک ها را درین گرفتند. هنگام صحبت گروه ها چند صد نفری مردم به دور انها جمع شدند به انبوه جمعیت لحظه به لحظه افزوده میشدند و بدینگونه مقاومت درباره کدت افزاد شد.

"قصر سپید روسیه" یا عمارت پارلمان چهارمیاری روسیه بسیار کواده ای از این که می خواستند مبدل شد. با افزایش جمعیت مردم تائیک ها مجبور شدند از نزد یک پارلمان دور شریوند. مردم عادی که می خواستند تولیداریان یافته و استبداد یا کار سگر بندی ها در اطراف "حربه" قصر سپید افزایش نمودند.

علی الرغم دستور کودتاجیان در مورد من تظاهرات و گرد همایی ها مردم جان درک نه تنها درباره پارلمان بلکه در سایر میدان ها و نقاط عده ماسک گرد همایی های چند هزارنفری را اغاز نمودند.

امن گرد همایی ها در ظرف ۲۴ ساعت به تظاهرات و میتگ ها مبدل شد. کودتاجیان اعلامیه های را که متن کامل آن ها (العجب ۱) در روزنامه پیام ما بطور کامل نشده شده از زادیو و تلویزیون پخش می خودند.

اعلامیه های زیادی نداشت. جامعه در بیان امته دستورات و بیان می خواستند همان ایام در دستگاری ازادرد کیمیان پیش از این که دیگر جامعه شو -

اعلامیه های زیادی نداشت. جامعه در بیان امته دستورات و بیان می خواستند همان ایام در دستگاری ازادرد کیمیان پیش از این که دیگر جامعه شو -

تعداد زنان بیش از ۱۰۰ میلیون در سال ۱۹۷۰  
۵۴۳ میلیون در سال ۱۹۸۰  
۵۹۲ میلیون در سال ۱۹۸۵  
افزایش یافته است.

طول عمر زنان در حال حاضر  
صر به مقایسه مردان طور  
او سط د رکشورهای رشدیها  
فته ۵۶ سال و در آمریقا ۴۴  
سال است. اوسط عمر  
زنان در ایران ۵۴ سال و در  
آمریکا شمالی ۷۲ سال  
است. طبق اطلاع آژانس نو  
وست که این کژاپن را منتشر  
کرده تعداد زنان جهان به  
مقایسه مردان کمتر است.

## آیا عراق عرب است والخواه همه بدهیست

سپاهانکا از جمله کشورهای  
های پیش که در جنگ خلیج  
فارس خسارات زیادی را متحمل  
کردیده است. عودت کارگران و  
متخصصین این کشور به وطن  
که تأثیر از آغاز جنگ خلیج در  
کویت کاری کردند، برای ایام  
ماهی واد و جمع کاریانها  
برای سپاهانکا پدید آورد و به  
این کشور منابع اسعاری خود  
را ازدست داده است.

غوات کشوری سپاهانکا را پاید  
عراق مطابق قطعنامه سازمان  
ملل متحد بهزاد امانته نهیز  
معلوم نیست که عراق برای این  
کار آماده است یا نه و اکنون ق  
برای پرداخت این غرامت  
حاسوس هم گردید ناگفتن عقده  
دارند که پرداخت آن نظریه  
مشدلات جدی اقتصادی این  
کشور سالها بطور خواهست  
انجامید. قبل از آغاز جنگ  
خلیج فارس یکصد هزار سر-  
پلانکایر در کوتیت صروف کار  
بودند که ۲۴ هزار نفر آن به  
سپاهانکا برگشتند.

سه حصه کاهش پایانه که جهان  
خساره فارم داران نزد آن  
در نظر گرفته شده است. ۱۰۰  
جامعة ارقامی هوند از اداده  
که در کشت گدم کاهش پیمیل  
آمد.

## کنفرانس عینک که میزد

دراکتوبر سال ۱۹۹۱ در  
شهر هرگز نخستین کنفرانس  
بین المللی دیراره جنایات  
کوونگم دایر میگردد.  
در این کنفرانس نمایندگان  
کان کشورهای اروپایی،  
آمریکایی و آسیایی اشتراک  
خواهند وزید.

## کنفرانس عینک که میزد

در نیویارک نتایج تحقیقات  
د رمود زنان جهان تحمیلت  
عنوان " زنان جهان بکراش  
و احصائیه سالهای ۱۹۷۰ -  
۱۹۹۰ " به چاپ رسیده  
است.

این نخستین تلاش کار-  
شناسان ملل متحد در زمینه  
ارزیابی وضع حقوق زنان در  
۱۷۸ کشور جهان است. پرس  
اسان این تحقیقات زنان  
در برای بر کار مساوی با مردان  
طور اوسط (۴۰-۳۰) فهم  
کثر مزد بدست می آزند.

پسند و نه هزار واقعه جدید  
سرطان در کانادا ثبت و  
تشخیص خواهد شد. و تعداد  
وقایع جدید سلطان از (۳۰۰۰)  
در (۲۰۰۰) به (۲۰۰۰) در  
سال افزایش خواهد یافت.  
به خر صورت خبر خوش هم  
نشر شده و آن اینکه مرثیه  
ناس از سلطان دوره طفولیت  
نسبت به او ایله دسته هفتاد  
به نصف کاهد یافته است.

## جامعه اروپایی مبارزه با فقر

برای جلوگیری از تو لمد  
محصولات اخاف دیگر یافت-  
های جامعه اروپایی تدبیری  
اضطراری روی دست گرفته  
شده است.

قرار اطلاع آژانس نوومنس  
سال گذشته بست و پنج هیلیون  
تن گندم محصولات جامعه  
اروپایی به فروش نموده و در  
گدام هاذ خمیره مانده است.  
پیشنهاد شود که در سال جاری  
۱۸۰ هیلیون تن گندم جمع اوری  
شود راحله که صارف جامعه  
اروپایی ۱۴۰ هیلیون تن است.  
تصمیم اتخاذ شده تا قیمت  
خرید گندم در حدود هیل.

سال ۱۹۹۱ چهارمین  
سال و هفتاد و پنجم قیمه آدم  
کس درین جان می دهد  
کمیته قضایی سنای امریکا  
حوادث آدم نشی را در ایالات  
متده امریکا در سال گذشته  
عیسیو (۲۲۲۰) حادثه  
پیش کرده بود، در حالیکه  
حوادث قتل در سال گذشته  
د رانکشور به (۲۳۴۴۰) می-  
سید.

## مبایلیه سلطان

## در کانادا

سلبر کزارت یه سازمان -  
حلویت کانادا که به تاریخ  
۲۵ جولای به نشر رسید، از  
رسه نفر کانادایی، یعنی نظر  
در شیوه حیات خود به سلطان  
مبتدا خواهد شد. سازمان -  
موسم به " ستاتیستکن کانادا  
میگوید. در یک سال ۱۹۹۱

# دیگر نیست

بعد از نیم آن دنیا

# قسطنطینیه قطب امپراتوری

۰۰۰» [انسان]

اعضای حركت شورش رنامو  
موجب قتل حداقل ۰۰۰ انفس  
در مرکز تا خیمه لا اتو رایالت  
شان لامه لا شدند .

راد بی موزامه به نقل  
از شاهد آن عین گزارش داد  
که اکثر این فریمانها را کود  
کان تنکیل س دهند .

به گزارش خبرگزاری ایالات  
از مایپلو، این راد بی افزوده  
عوامل "رنامه" قسمت از  
پایخت لا اتو راد را ۲۴ جنوری  
اشغال کردند .

اين راد بی همچون گفت:  
امرايی که تو استه اند  
از این منطقه بگیرند وارد  
منصه ریانو در هسپاکسر  
خودشوند لکنند که فریمانها ن  
قطعه قسمه شده و در قدس  
های فروشکاهها کاره شدند.

# فریانی ریاضی بیت

یک زن و شوهر هندی که  
کودت خود را در پای بت بزرگ  
مریانی کردند و دستگردند.  
این زن روستای که چند  
سال از داشتن فرزند و محروم  
بودند د وسال پیش سا حب  
پسری شدند .

"بیورانگو" و همسرش  
"سوپهتر" نزد رکنند که دو  
میں بودت خود را حق آیین  
بت پرستی در پای بت بزرگ  
مریانی کنند د وسال کودک  
آنها دختر بودکه به هنگام قر-  
باش شد ن د ومه و بازند  
روز عذر اشت به گزارش خبر-  
گزاری جمهوری ملاس ایران این  
نوزاد دختر در پای بت بزرگ  
ماه سپاد ر روستای ساتوارا -  
دای فریانی شد د پولوس  
این زن روستای راهه دلسل  
فریانی از دن فرزند شان  
دستگرد کرد .

# دستگیری یک

## آذخوار

یک مرد امیرکایی که ۵ انفر  
را کشته و کوشیدن آنها را  
خورد بود دستگیر شد و به  
جهنم خود انتراف کرد .  
تلوزیون سی ان ان -  
در بخش خبری خود اعلام کرد:  
در شهر میلواکی راغع در  
ایالت ویسکانسین مرد ۳۱ ساله  
ای به نام جفری دامر به اتهام  
قتل حدائق ۱۰ نفر و مطمئن  
قطعه کردن بدنه اینها واد -  
خواری دستگیر کرده اند  
سی ان ان اند در گزارش خود  
افزود :

- اعضای پولوس میلواکی به هنگام  
جستجوی ایارستان این مرد به  
سر انسان رادر داخل پیچان  
۱۱ جسمه و اجراء قطعه مسمم  
شده چند بدنه و مدار طبل  
ملاظه عی اشخوان را کشید .

- همایان کان دامر کفتنده بیوی  
تمدن کوشید که داده د در وسال  
آخر در فضای اطراف ایارستان  
وی به شدام من رسید و صدای  
کار او برق از ایارستان وی به  
گوش من رسید .

دا ترکانیونی میلواکی ایسین  
کشناوارا بیزکریون و فجیع ترسن  
بوده ادم کش در تابع ایات  
ویسکانسین اعلام کرد .

شبکه راد بیوس سی اس  
با پخش گزارش مشابهی در این  
را بطه گزارش داد :

- احتمال من رود که این مرد  
که قله اه نیز مدی را بخاطر تجاوز  
جنس به جوانان نزد ۱۸ سال -  
اد رزنان بسیارده باشد وی  
در عرض در سان که شده بیش  
از ۱۸ نفر را به قتل رسانده  
باشد .

# ترشی از کال میمیم

## شارع

در منکولیانه هر سال مانند  
سایر کشورهایه اسم حیوانات  
میباشد و آنها سال  
۱۹۹۲ راسال هنگامی  
(میون) دانسته و هوشدار  
داده اند که باید مالداران  
برای زستان ۱۹۹۱-۱۹۹۲  
آماده کنیکرند زیرا شرایط  
اقلمی ناساعد فرا خواهد  
رسیده و امکان تلف شدن خواهد  
انات موجود است .

# ترشی از قتل

بلکشیورهای عجمان  
رسینه [سیمال] باقیان

اخوه را سهونیمیم -  
الملک ایکولوژیک د راستا -  
نهول دایرگردیده بود درین  
سهونیمیم لکتور کرامه ایان کهوری  
طی سخنرانی گفت:

\* درین سال آخر سر  
حدود ۱۶۰ میلیون ن -  
مواد غسله ذریحه شرکت  
صنعتی کشورهای درشد یافت  
به کشورهای جهان سوم \*

انتقال یافت است .  
همزمان با این اعلان  
در ترکیه جمع اوری ایضا ها  
به منظور جلوگیری از ایسین  
عمل اغایی افته و در اسناد  
پیشنهادی ایسین

کشور تصریح شده ت -  
از حفظ محیط زیست کنقول  
صورت گرفته تمدید برات علنه  
متخلفین شدت باید .

قرار گزارش ایان -  
اطلاعاتی نووستی، شاروا ل  
شهر استانبول که پیشتر  
از اسپیر شهرها ازاله کی  
محیط زیست متضرر شده موضوع  
بررسی مجدد د قانون حفظ  
محیط زیست را در ترکیه -  
طرح ساخت .

# شبان در عینیت

## لقطه یاری کال

چهل بایکال از عمق تر -  
بن جهول های جهان است  
که عمق اعظم آن ۱۱۳۲ متر  
است .

در این نازه کی هاولا -  
دیمیر فیالکوف داشمند  
انتیوت جهول شناسی اکا -  
د م علم شروری مخفی شد  
به عینیت نقطعه چهل بایکال -  
بیکال پایین رفته بکاره ای را  
در زمینه قایم نمود . تا حال همچ  
کن نتوانسته بود به عینیت  
چهل بایکال راه پایند .

به اسا زکاری آزا نسی  
نووست موصوف بار و غرد پکر  
به لکت بیک دستگاه به عینیت .

ترین نقطه چهل بایکال  
فروز آمده و چهار ساعت را در  
آنجا سهور کرده به کلت پرور -  
کنور از کف چهل فلمبرداری  
نموده آب و خاک چهل را -  
برای تحلیل و تجزیه با خود انتقال  
داده اند .

# رها

## کرومات

در دویت اعلان شده که  
۲۶ فبروری روز رهایی کویت  
از وجود سریازان عرافی روز  
رخصت د رانکشور خواهد بوده  
این تضمیم را کویهون  
تغییف شورای ملی این  
کشور اتخاذ شده بود که روز دم  
پیشنهاد شده است .  
اکست روز آغاز تجاوز عرب ایران -  
کویت روز رخصت اعلان کردد  
اما دیسون تغییف کویت این  
پیشنهاد را به اتفاق آرا رد  
کرد .

درست بعد از کشتن پسر ش او خواستار برداخت پول بهمه زندگی او شده ادعا کرد که پس از تصادف در آب غرق شده است.

## لِلْتَّعِيشِ لِلْوَرْدِنِ رَأَتْتُهُمْ كَلَمَةً

اداره ملی بحر ناس و انتو سفر شناس امنیکا به این نظرهاست که فعالیت کوه اثر فشار بین تو بود فلیچن که اینها بعد از شتر صد سال خاموش دوباره فعال گردیده هنواند قشت ر اوزن واپر فراز نم که شعالی در سال آینده شدیداً صدمه زند کا مشطح اوزن ماده که زمین را از اشعه "ماوراء" بخش افتاد محافظت میکند از سفر دیو اکسیدناتی میشود که در مواد آن آتش فشار به مقدار نهاد و بجود دارد

## بِنْكَالِهِ طَيْشِ

در طرفان تکرار دیل  
سیف الرحمن و نهر الماء  
بنگلے دین کنگه است که بنگلے دیش در طوفان تباہ کن ماه ابیل ملک اعتنای هفت ملارد ال رخسار دید این رم رانه روی مشترک ضر بخش بنگلے دیش در مول متحدد تخمن کرده است همچنان طوفان مذکور باعث هلاکت (۱۳۹۰۰) نفر گردید سیف الرحمن گئه است کشور ۲۱ میلیون دالر را در کوتاه مدت ۳۶۹ سلفون دالر دیگر را داد ک دوروه متوجه طولانی ضرورت ارد.

## دَيْنِ إِسلام

در آفریقا بیجان

آشت یا سالنورد پرتاب هم امی دل طیور نهاده در لندن نشر تردید ، میلیونها نفر در قرون ای آینده در توجه آزمایش قروی نه در رسما رجھان اجزا میسود ، چنانهای شان را از دست خواهد داد .

این کزار نه تحت عنوان "رادیو ایجاد و زمین" به نشر رسیده بخش از کارگرا ری های طبیعی علیه سلاح نسای نزدیک است که توسط سازمان دوکتوان بین المللی براز جلوگیری از جنگ روزی پسراء انداخته شده است .

این کزار نه تاب نیز است آ زبانهای زمین روزی در فنا و دریز زمین و توسط انتلشان یعنی اتحاد سو روی واپس لات متد "امربنا ا زمال-

د رایزن کزار نه کفته شده که تاب نه این آزمایش به طور یکجا می عادل به پنهان بیزار است که در پیروزیها پرتاب تردیده بود .

کزار میگوید که تاب نه را باقیایی ذریعی این آ زبانهای تاسال (۲۰۰۰) باعث آن میشود که (۴۳۰۰۰) نظر از اثر سلطان سیورن است سازمان که بقرآن در لندن است منتکل از دیکتوان طب هفته پی دانان و گارشنسان نزدی از سراسر جهان میاند .

## لِلْرَأْيِ لِلْمُنْتَهِيِّ حَوْلَ الْكَسْنِ

مردیکه در قوه تمام بوكشم پسر پنجه عالم خود را کشته تایتوانه سه هزار و نجصد دالر بیمه زندگی روی را بدست آورد ، از طرف سکته بسیار گرگ محکم شد .

دانلیل موهدا مردیکه در شرکت بیمه کار میکرد همیش است که پسر خود را تأسیس میگفت و کوب کرده و بعدها جسدی دیگر را در آب انداخت

را پر و نیسا نه و دو ما فیرکرد . دین خادم شه سو جراحت نبرد است ، امام امداد رئیس عزیز د را فر حمله فیض به تعییب این خادم شه درمان نلسو سا یان سپور .

این دختر بیست و پنجم ساله از نلسو دیار نموده و دو مرمس دیز را بین از آنکه تغییج را جانب خود پرخانیده و می مرمون را به سر خالی نه به سوا فیرکرد .

## سَيِّدِنَا

## لِلْسَّعِيدِ لِلْمُرْسَلِ

نارستان ای چهایی به این نهراستند که آتسوسز در راه های نفت نویت و فعال شدن مجدد نه آثار فنا د رفیعین باعث میزیز شدن سویله بهاط چندماده اخیرد رپین شده است .

حقیقین د راکادس علوم -

بعین نقطه اندنه ایسزیای ضخم که از چاه های متصل نفت از زمان جنت خلیج به این سو متصاعد گردیده باعث کا - شر نفوذ اشمه خورمه به زمین کردیده و ریه حرا - رت سطح زمین رائستر ساخته است وین "رسانان ذریعه" -

را ایجاد نموده است .

عدیه بصران آتششان دوه پینتا تو باز قلیعین ابرهای ضخم خانستر را به فاما متصاعد ساخته و در عمارت راد رین منطقه پایان آورد .

سرازیز شدن سهابهای اخیر که شدیدترین سهابهای در فن جاری در چین خوانده شده باعث هلاکت دوهزار نفر گردیده است .

## تَسَالٌ مَّلَأَ

## لِلْقُرْقُبِيِّ مَسْتَرِ

طبق کزار نه که بتاریخ شر

تَعْلِمُ الْأَرْضَ

## از زمین

## لِزَمَانٍ

○○○

## وَهَرْمَنْ دَلَالِ

## لِلْفَرْقِ نَجْوَه

مامورین امیرکایی به تاریخ اکست لقتند که مین زن امری پلکانی هبل از آنکه بله تغییب را به سوی خود پرخانیده و به خود گش دست زند در میامی عروسی درست کلیسا به سوی میور و داماد پنده بار فیسر نمود .

این زن امیرکایی به آن کوراند و نامد اشت جفت شیروں و داماد را از دوره مکتب می شفاخت و گفته من شود که ها - هف داماد بود .

زیانکه جیف فلستکا داماد و پنایشتر شعرو من در پت کلسا ب شهر بزرگ میلس ایالت پستوری امیرکایا سو گشید و گاه اری را به جا میس آور دند که کوراند تغییب و راز دستکل خود کشیده داخل

دزدان پاچوله، اخیراً  
یه د وستاد و د مترانه  
عقدر سینه میتورا قطع  
نموده و بایخود بوده است.  
مسم شده نه به مدت  
زماد را در برگرفته نه دزد ان  
نه نورتوانسته اند لوجه سای  
العنجه سغت سینه میتورا را  
نه درباده شوت ویلسون  
د رضقه بروژنین نیوپار فرار  
دارد برداند امایه احتساب  
زیاد آب این کار را در جری  
یان این اباجاده اند این  
میتوی بسته و بار ساعت بازی  
باشد پوچه تخمین نزد  
نه العونم ها سرفت شده  
بعن فتاد تانود نیازد اسر  
رز دارد.

## سایی امریکا و سری لیست ادکنشی ها

بیت تعبیع نه در میان  
سنار کانتره ایا این امریکا تا  
رته ۱۱ اکست مورت ترقه ه  
در مو زینه لریا نسماه او  
سای جاری عیسی دراده  
جنایات بود داسته باشد  
ناخیرسا لجاوی (۲۳۲۰۰) این  
در ایلات متعدد امریکا ب  
قل خواهند رسید.

بیز این تحقیره که توسط  
کمیته قابعی مادر سنای امریکا  
مورت ترقه، قضاایی آدم کش  
اسون نسبت به سان کند شنه  
دو چند افزایر یافته است.  
(جوز بایدین رفیع کیمیه)  
من سور این ریثار خوش بزی.  
را توجه استعمال مواد مخدود  
تشنجیاند های نوجوانان  
و دست یابی بدون کدام محدود  
دیت به سلاح میاند.

از جمله پنجاه ویت ایالت  
امريکا، تکران شاهد بزرگرین  
حوالات قتل در سالجاري  
خواهند بود. تعداد حوالات  
قل در این ایالت امریکا است.  
عد غرب بستر از سال کند شنه  
است. به هر صورت واشنگتن  
دی ون موز آدم کش  
خراءه بود.

موجود دوende را دیدند که  
کام آنها چهار برابر گام  
انسان بود.

شامل علی یف دیوریت  
وی باکو درما فیبری سال  
۱۹۸۹ دو زندگی استثنی  
مترو بنام دیهو با پویک  
چشم مواجه گردید. امریکا  
کلو پر پدیده های قبر عادی  
پاک از اهالی جزیره نسای  
آمشه رون خواهش نموده تا  
راجح به ملاقات های مشا بهمه  
کلو پسند گو خبر دهد. در  
جهان پدیده های مشابه و  
جود دارد سه در سال -  
۱۹۸۹ ادیکی از جزایر سر  
الائل جمعه دیهویک چشم  
کشف گردید.

## پاریسیاری در ده هکتار لای ای کی ری ریوف

تاریخ ۱۲ اکست در هکده  
آیاکن اکریاچف رئیس جمهور  
شوری روز شکرمند است. در  
دهکده بیرون و لنبوں کلخوزی را  
که بنام پاکوف میورید لسو  
مکن از نعمتین رهبران دو  
لت شوروی میس بود لفکر  
داده.

روز نامه کیسلستکا پراوادا

من نویسید که چنین نصم را خوب  
اهمال ده اشناز نمودند.  
ایوان مخاخیلندو رئیس اسپق  
کلخوزی گفت که اینجمن د هفتم  
که نازه ایستان میگرد و طول  
پنج سال از ایله د و لشی  
معاف خواهد بود و مهره از  
همه اینکه د هفتمان اختهار  
دار زیعن خود خواهند گرد.  
دیده.

اکتون هر عصوا بجنیه  
تیواند ۱۴ ایکر زیعن (یک  
ایکر ساوی است به ۲ جیب)  
بسدت آورد. ناگفته ناشد  
و طندا راهالی این ده مهجان  
تعلیم کریاچف نیز حق دارد  
مالک زیعن مهواتش پرورش گردیده.

## کارکی سیزیر

در یونان جنگ در جهان  
از آن استفاده میکرد دوسرا و  
به موزم مسترد گردید.

## کارکی سیزیر

دزدان ملکه سه قدمی  
نفو راکه از عرض تریعا می  
گذشت و قیمان در مرکز است  
هایین الملل اشیای انتہا  
به ملیونهاد الرهیس دزدی  
ملی بنگه دیه دزدی گردند  
مامونین داکه گفتند که دزدان  
مذکور باقطع میله های اهننه  
وار گالری مونه که در طبقه  
دوم قرار داشت شده و بار سو  
دن مجسه هناتوری شده.

فرار نمودند این مجسه قست  
از تاج صارا جاده میکایانی باشد.  
مامونین داکه گفتند این نخستین  
جاده دزدی در میونه مذکور  
در سیست سال گذشت است

امن مجسه شرکلکرام دزن  
داشته و در رازهای میمن ای  
مللی ملیونهاد الرهیس دزدی ارد.

## کارکی سیزیر

کارکی ریوف

علی حق بزدی یف رویس  
کلو پر پدیده های غیر عادی  
پاکبرای خیرنگار آزانس  
آما - اهرا ۱ اطمیار  
داشت که دین اواخیرو  
آیهورون ملاقات آسانها با  
موجودات عجیب نهت گردیده  
است. پک گرو پ محصله من  
مکتب غالی نظائر کسین د ر  
نیزدیکی پاکو با موجودات عظیم  
الجهن مواجه گردیدند. این  
موجودات با پشم سیاه کفرکه  
پوشیده بوده، پک چشمین  
داشتند. که کس یا ین تراز  
پیشانی قوارد اشت و بزرگس  
چشم آنها به اندازه پک دانه  
انوار کلان بود. در سابق نیز  
د رآیهورون مردم با چنین  
موجودات ملاق شده است.  
دیستان سال ۱۹۸۱ با -  
شندگان قیمه کورد اخانس

تاریخ ۱۲ اکست شرکت  
کندگان کفرانس برس میور  
ده تانون (۱۹۸۱) عالم  
و سازمانهای شعبیه ای اندیار  
داشتند که آنها نا موارد میور  
ده این تانون موافق نهستند  
نه هفدهم آنها در تانون

نه کور اسلام ساید مه نایشه  
نه میور روحی حمده دیست میور  
گردید. در تانون بورت اداره  
روزانهون ساری ای قفاران میور  
تواند حزب سیاسی خود را  
نه سیزیر ناید. شرکت کنندگان  
کان کفرانس همچنان اسرار  
من بزینه نا اموزن دینی در  
مکاری بزینه گردید.  
نه عقیده سایه ناید و میور  
ون اکادمی علوم آذریان  
در سورت اسلام شدن دین  
۱۹۸۱ سلام به سیم، آذر  
ربایان ساید سام عمهوری  
اسلامی میس گردید وینیں  
تصمیم شریه اخذ نیست  
د ای اسکری میگردید. مو منو  
نه کوچه افغانستان سالون  
جلمه را ترک کرد.

## کارکی سیزیر

بیلیس در حمدهوری گیر  
جستان زبان نکان شورود  
که سلقولون منطقه های زور ف  
ستالین در زمی شد.

این قلعون در میونه -  
ستالین در شهر گویی گرجستان  
که دیگان از شوروی در آنها  
تولیدیات به نایاش کذاشتند  
شده بود. این در زمانه  
که توپ قدر دیده ایان طوری  
بود. که یک بولیس گرمه هنکار  
شبیک نز ایهارین راکه  
بلکه نز یله رانقل میدار  
مشراق ساخته و خوش اور ا  
تلاش کرد این در زد چاره  
جز اهتراف به جایشند اشت.  
د زد شدگون در قوارکا بولیس  
گفت که اون چشم داشت -  
سلقولون ستالین را در میان  
شعب نایاد، پهانسلونهای  
سروی قابل اعتماد نیستند.  
این قلعون که ستالین

نام های ناشناخته در بیان  
هواخواهان هنر تاجیک د ر  
افغانستان نمی باشند .  
در هنرها هم زبان صمیمت  
و همیل پوسته زیبا و زیست  
پرداخته ها بوده است .

گاهی از سر زمین پر بردار  
فولکلور افغانی بر جیده اوایسی  
سرداد اندوزماں از  
ترانه های شاد و محت مجمل  
و گاهی نیز اینجا و آن جا  
پارچه هایی را به بازخوانی  
گرفته اند .

البته خود نیز هدایای در  
این زمینه ما شنیده و پاتصارف  
دست کل هایی را نثار شونده  
کان و بیننده کان افغانی خود  
پیش نموده اند .

بهتر خواهد بسود از زبان  
خود آنان بشنید که چن حیر  
فهمای برای شنونده کان افغانی  
خوبیش دارند .

نخست از همه با کرامت الله  
او از خوان جوان و خوش صدای  
این گروه پر شنیده رام طرح  
نمودم که میخواهید :  
\* بار چند است که به افغانی  
نمثان آمدید ؟

- بار سوم است که به افغانی  
ستان دوستداشتمن آمد و ام  
و این یکانه کشور است که خود  
را در آن بیکانه احساس نمی نمایم  
چه تمار و بشه و فرهنگ سما  
یکمیست .

\* تا شیر موسیقی غرب را بالا  
موسیقی تاجیک چگونه یافته اید  
و ایا خود نیز این موسیقی  
چه زی میدانید ؟

- در حالیکه خود را دیدم تقریباً  
سؤال نشان میدهد و گفتن در  
محنة اتحان قرار دارد لیکن  
را یاد نداش کنیده بعد میگوید :  
- شخص موسیقی غرب را تبرین  
نگردد ام و درست مکتب  
ارو یا در رئاست این مکتب  
گفت که تا سال ۱۹۸۰ مکتب  
ارو یا بالای موسیقی ما تا تهر  
مستقیم داشت که پس از همان  
سال چند تن با هم کم را بسته  
کروهی را به نام سعدیان کرد  
پیلو دینهای موسیقی فارسی در  
لطفه اصفهان بزرگ داشتند



## گروه هنرمندان تاجیکی در جشن استقلال به کابل آمدند

محاجمہ از فریبا سرلیزی

باری از نو پس از چهار سال  
باز هم موزیکی هنرمندان تا -  
چیک استم . انان خوب میخوا  
ند و خوب میخوازند و خوب  
هم میگویند . هر چندان میگویند .  
دست و سور سالهای پیشمن  
را گفت داشتند . اما هنرمندان  
خوب شان خود شنیدند و شنیدند  
آنکهای خوب و ظرافتمند  
هنرمندانه خود ، گرمسی آور  
کسرتیهاشان بود .

آواز خوانان خوب دیگران  
کرامت الله واحد اللهم باریحه .

های خوبی تقدیم علا قمه  
مند . آن موسیقی تاجیک نمودند .

بیشتر از همه خود میانقدم  
آنکهای افغانی " اوخدان " .

جان دلم تنگ است " بجه  
جان لوگری " و مشک تازه  
میگزد این بعنی کابل . یکهار  
دیگر علاقه مندانش را تو از فن

بخشید و تو ایست همان میخوا  
بیوت گذشت شنید راد رجیم د و  
ستان افغانیش تازه سازد .

از مدتی به این سو هنر  
موسیقی در تاجیکستان آمیزه  
می بوده است از ظرافت هایی

موسیقی بالند و خاور زمین  
با آلات بیرون و محلی تاجیک  
که کلهای سایه روشن تا نه رات  
و امیاج تازه کرای غرب نیز

در آن حسوس بوده است .

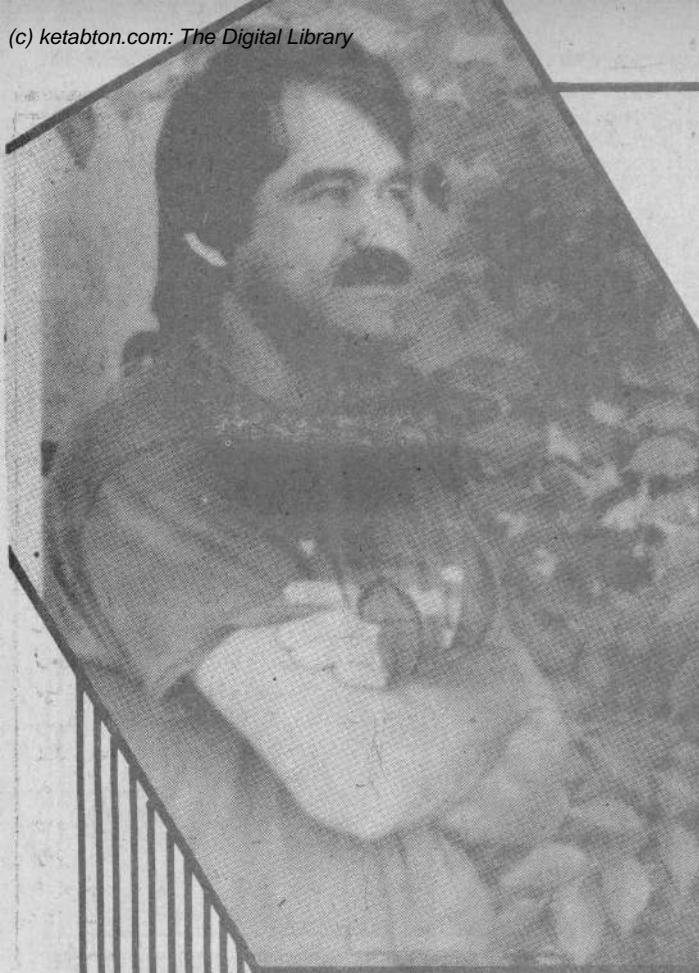
کروهای هنری چون ملے

هدیده هاه گلشن ، زیما . . . .

# دلم تنگ است

## از خنجره دیگر خرمایشین

# او خدابند



که میگنید چه خواهد بود؟  
این هایش را بالا اند اخته  
میگوید:  
— او لاهد اند اند که چنین  
کاری شود اگر باز هم چنین شد  
به دنکده عی موروم گانگه هد.  
ر و از شهر آن مسک پیشتر  
و قیاق تهیه منضم و در صن  
میگوش اولاد های زیاد به دنیا  
بهاون تا بانوی انان غصه ای  
دنیا را فراموش کنم. اما این  
را از یاد نمی بدم که بد و نو—  
میق نم شود زنده گی کرد.  
\* دو سال بعد خود را چگونه  
پیشینی می خاید؟  
— من آن قدر به اینده نم اند—  
بشم آن چه بیام از شد ارد همین  
امروز است. اینده را خد امده.  
ند وس.  
\* کدام ساز را ساز کار حالت  
خوب شافت اید؟  
کویی به جای رفته است از آن  
جا سخن میگوید:  
— تیور را د وست دارم صدای  
پنه د رفعه (۸۲)

خواهی چه چیز بوده است؟  
بالز هم بخندند و گویی خالق  
رایه خاطر من آور و بوسن  
چه نوی میگوید:  
— دو سال قبل نامه عی از بیت  
جوان در یافت نمودم که در آن  
نوشته بود "بیست و سه سال  
دان و به آهنگهای خلیل  
علائمند اگر صاحب ده فرزند  
هم شود خاصمها شاخروش  
نمایم".  
هر دو خندیدم و سپس  
برآمد و به کدام آوار خسما ن  
جهیان علاقه مندی زیاد داشت  
کتون در یافت نامه عی را که تا  
رسید؟  
د ویگن نوی میگوید:  
ست علاوه خاصمن به شام هفت  
مدادان شریعت که نیستان به  
صورت خاص از یک آن ها  
نمایم.  
برای لعنه هم هر دو ساخت  
بیشترم به خاطر آن که بیه  
مان صفت مطلع نشود بیهود.  
\* اگر میگش اواز خوانی  
ستیغ اعلی نمود. اولین کاری

نمیگرد و اید؟  
با تمحب میخندند:  
موسیقی غرب را دوستدارم  
اما چون از عهده اش برآمده  
نس توانم. همچنانی آن را  
نمیگرد ام.  
\* وقت که تسباب شد چس  
میگوید?  
آه کشیده میگوید:  
— هنگام تسبیح آهنگهای را  
زمزم میگیرم. اما آهنگ "من و  
دریا" همچوی موسیقی تسبیح  
بوده است.  
\* جالبترین نامه عی را که تا  
کنون در یافت داشته اید?



## خرماشیین و کرامت الله بار دیگر در ستیزهای افغانی درخشیدند



مشهود، علت را بیهدم؟  
خندیده میگوید فرار است  
امروز روی تربت احمد ظاهر  
بریم و به روح پاکش دعائیم.  
\* قسمیکه معلوم مشهود اکثر است  
بردم تاجیک علاقه زیاد به  
آواز احمد ظاهر دارم زندگشود  
علت را بدانم؟  
— نگاهش را از نقطه عی بر میگند  
و ادامه می دهد:  
— به خاطر آن که احمد ظاهر  
شعرهای خوب را انتخاب نمود  
ده و آواز به ذوق هم تاجیک  
دارد و مرد بتوانند در  
آهنگهایش تصویری از زنده گی  
خوبی را باز یابند.  
\* در قسم انتخاب شعر  
چگونه ذوق دارد؟  
— شعرهای را انتخاب می  
نمایم که بگوییم بازندگی  
و پهلوهای آن در رابطه با—  
شد و اکنیت بتوانند در همان  
شعرها لحناتی از زندگی  
شان را در یابند.  
\* آیا کاهی موسیقی فرب را —

خانه بخوبی نمایم که  
پادشاه مندی و صفت خاص  
آهنگهایش را برای شنوندگان  
آوازی را که هدایت کارهای میگشند  
سبز تاریز شماره ای  
مدادان آوازی افغانی میباشد.  
خوبی شنیدن با جذب این  
میگویم آن را طوری اجراء  
نمایم که نزدیک با همان آهنگ  
باشد. گرچه کای خوانی میگردد  
هل بستند بد و نوشت. چرا  
که با خواندن آهنگهای دیگر—  
آن نمیگرد جایی را گرفت.  
اما کای خوانی نزد من غیرهم  
خاص دارد و آن این که به  
نظر من کای خوانی احترام  
و علاقه مندی زیاد به اصل  
آواز خوان آهنگ میباشد، نه  
تفنید از او.  
باخت سخنان کرامت قربانیوف  
سراغ آواز خوان شهیرین کلام—  
اتاجیکستان را که با ادای  
خاص و دو باره خوانی آهنگ  
های افغانی علاقه مندان بسیار  
زیادی در کشور مان یافته  
است میگویم. بلطف مقدم از

ان راه دارد تشکیل دادیم.  
\* موسیقی تاجیک را با موسیقی  
کدام کشورها در نزد یکسان  
و شایعه فرار میگردید؟  
بعد از اندکی در زنگه میگوید:  
— موسیقی ما نزد یکی خاصی  
با موسیقی افغانی و هندی  
دارد که ماتوانسته ام این  
موسیقی را در دیگر ایالت های  
اتحاد شوروی نیز رایج سازم.  
\* در مورد نویشن و پالیاسی  
شدن موسیقی تاجیک چن نظر  
دارید؟  
خود را تکان داده گویی چیزی  
را از نظر میگرداند بعد از  
مهد هد:

موسیقی باید مسلک و اساس  
اموخته شود. در سورتکه  
موسیقی القبایع شود آن گاه  
مشکلات همه حل خواهد شد  
چه با آماتور بودن نمی شود که  
موسیقی را بگویند اصل آن فرا  
گرفت و آموخت.  
\* به گونه عی که دیده مشهود  
شا آهنگهای افغانی را خوب  
اجرا میگردید؟

برای گوئش این آهنگها چی  
معمار های را در نظر میگیرد؟  
خند معنی داری نموده من  
افزایید:

پیشتر از همه احترام من نسبت  
به آواز خوان آهنگ میباشد.  
زمانی که آهنگ را پسندیدم  
مندان آوازی افغانی میباشد.

— میگویم آن را طوری اجراء  
نمایم که نزدیک با همان آهنگ  
باشد. گرچه کای خوانی میگردد  
هل بستند بد و نوشت. چرا  
که با خواندن آهنگهای دیگر—

ان نمیگرد جایی را گرفت.  
اما کای خوانی نزد من غیرهم  
خاص دارد و آن این که به  
نظر من کای خوانی احترام  
و علاقه مندی زیاد به اصل  
آواز خوان آهنگ میباشد، نه  
تفنید از او.

باخت سخنان کرامت قربانیوف  
سراغ آواز خوان شهیرین کلام—  
اتاجیکستان را که با ادای  
خاص و دو باره خوانی آهنگ  
های افغانی علاقه مندان بسیار  
زیادی در کشور مان یافته

است میگویم. بلطف مقدم از

# د هنر لاله

د هنر لاله

د موسم د گونو د نازکو یانو  
سره بوره بیداده چي ستا  
د بنایم سه گونو مردیل دن —  
برخه دي .  
لالي اته چي دوزمس  
د سهارنه مجو سره اشناه  
ستادي د نازکلله د نازکونه و  
نو همه يه ته ده . همکه  
د بنایم سه گونو د بارزندول تاهه  
هان سیار غواری .  
نه دابا زارند سانه اوسرولوته  
عن د بیزدده . نه بنایم سه  
لالي می ، د نزی درانه لمر  
و رانک سادخ لوری ته گرکي  
راگرکي . سانه د کوشوندوه  
درانه سهار وزی خوله  
و زنودی کوي . د اچن نن  
د پتکانو د چافل لوری تاهه  
خره دي ، يه دي وخت گئ  
دهنی زلدنی یانی لحاظ  
ساه چي د زمان د توند باد  
خیهري وهلی بو ، خیرکه  
د ورسو شیو واکاره بنایم سه  
هنداره مواري سه  
مخهونهه  
لالي ! د تاند ولبتلوری  
له نظروه اجهو !!

پرسه ولیمه دی ، شود ده  
شیخو مرسی بونهونه ده اسنه  
دهنی خواه شه نز تلوره بونه  
پاره کاره دی همه علهه د گلبو  
د سره اتفق هر سره شد و بونه  
د هنر لاله ! بونه دی جسی  
لیزه د پهاره سه دنکله بسی  
صوی شه دهنه پستگاهه  
پشنه اتکه دل او سانه بنایم سه  
يه هن دهنهه سه د ساده بنایم سه  
د همان لذت برداشته سانکه  
کندله . تاکه د زیارت پس  
والوکی همه مانه کریه  
د پهادههه ؟  
د نازکه اوندی . د بنایم سه  
یه دی و نکن هناره کی ، د بنایم سه  
وست دهه د همان گلکه د تانه د اسنه  
لشتره پام کسل اسنه  
د هریش لکن سادههات  
د ایولس .  
د ایشواب د همه د دله  
چونه موسم هر گل د گلخواه  
انته طلاره سه دی دهه  
لوره د زیه مواري د همان  
حولی همانه د راههه  
د هنر لاله !

لا همیر کری دی ، دوامه  
د بنایم سه د بنایم سه  
بازاره کن ساده معامله  
تاهه سه میس ؟  
لالي ! که د بنایم سه  
د حساب د رکولو د حشر  
به ون سانه د بنایم سه  
د همیللو او همیره د سیارو  
حساب و شو ، ساند سپمن  
تندی، شمن خال ، واداغ لمری  
کولاچی شی ؟  
لالي د بنکل هنر لاله  
نم چي سانه لاسونه  
او همیره به هله د حساب  
د پاره و اوپری ، راواری خو  
د دی سرولا سوند حسا ب  
د رکولو باره د توره بنایم سه  
به سرو چونه د رکولوی .  
سواه نه شی د رکولوی .  
د بنایم سه مخربه اویه  
نائزهی !

نم چي ساده  
کلاهه د پر زه و افغانه  
د هدکن اتن جوره اوستا  
متا زهه سه د تاج محل  
د هرمنه نه تیزه مخی ته د وی

خو سه بنایم سه نه ، سه  
د ایولو بیهانه دی ، سه  
لیزه بیهانه کری دی سه  
د تیزه سه کاره دهه د همیره د همیره  
د افونه کنکه دی . سه  
د حسن شده لی پلولی سری  
کول تهه نهه دهه د همیره د همیره  
سره اتکاره و سیارل ای همیره  
هی ساند سه شهه همیره د همیره  
تیزه من خطاهه کر ، سه  
د حیالی هنر لاله دی ، سه  
د رانه دهه شهه شهه دی .  
د بنایم سه همکن لاهه شهه  
نم چي نه بنایم سه نه .  
د همه کلابهه بهه د سرو شوندو  
شیهولی شی سه سانه سه بیس  
تاهه د حسن د رهازار د گردیده  
د هنر لاله دی .  
سکرلاس د بیهانه همیره جهل حسن  
بیهانه نهه کری بیس ، اود شهیل  
بنایم سه سکرلاس دهه دی د  
لام شده دهه دهه دهه ، او هندان  
هم سه دنکله سه دنکله دی د  
نه شریمه خود این د نهیل  
سایه سایه نهه د نهه د نهه د  
بنایم سه نهه د نهه د نهه د

که چگونه همه مردم چنین خواستار مجازات وی میگردید . کامیت من کردنا او بیک لحظه درباره جوانان و جوانات ( انقلاب کلتوری ) نکرد . درین از جمله های ( خونینهای ) اشتراک و ضمن ابراز نظری چنین گفت : « ( اماده برای همه ) شناسنامه من فرستد ۱۰۰۰ واحد نیال این جمله اشتراک کننده گان باشند و همچنان فنادیزدند : » . از نظری مانو باید بیاموزن ۰۰۰ احترام به رفته ق سنهان سن ، تا اخرين قطره خون خود در راه شما استاده ام ۰۰۰ فعلاً شعار کامل تغییر کرده بود . ( سنهان سن را به ده هزار راچه باید بیند )

مکن از بوفیوران پوهنتون نهاد رک بنام ( اوکساناونک ) درسال ۱۹۲۱ چندین هفته را با سنهان سن سپری نموده بود چندین اظهار نظری کرد : بسزمان سنهان را باید به متابعیک فرد باشامت پیغمبر مادی و پیشه های پوشکام انقلاب بیاد کرد ) سنهار سن چندین سال رادرسترن می خس سپری کرد و در مسکونت تداوی قرارداد است داکتران سیکتند که بیوی به مرض سلطان دچار میباشد . اما باشامت زیاد حتی مرض سلطان را به زانو درآورد .

سنهان سن همیشه احسان مقدم اعتماد نسبت به مائو داشت . مائو بعد از طلاق خان اول خود که می دختر عادی از تمیل دهقان بود ابراس اصرار فامیل مائو با دختری ائم فامیل روشن فکر ازدواج کرد ازا نزد عراه باه طلق وی جدا شد . نن سوی مائو بخارا ( اخلاق دماغی ) به بیمارستان عقل و عصب نکهداری میشد . مائو علاوه بران دو هم زن نزدیک را ( بوسنا ) وس و لشنه بیاوا را بقتل رسانید آی سنهان سن متوانست خود را آسوده احسان کد ؟

انقلاب فرهنگی ائم طرف سنهان سن رادرکرسی ببوری ساسی حزب کمو نیست رسانید ، از جانب دیگر چنین رابه عقب راند و جوانان چمن را از لحاظ اخلاقی نیز معموب ساخت .

سنهان سن را ماند ( اونهیها بسرا ) . مردمانی محاکمه نمود که در مقابل ملت خود بی انداد مقصر و گهگوار بودند . ملت چمن باید تحمل داشته باشد که واتما تجدید درباره همسر چهارمی مائو را بداند همچنان این تحمل اباید داشته باشند که واقعه تهادی را که از سال‌های ۱۹۴۹ بدین سود را نشود اتفاق افتاده بدانند .



# بیو مائو

کلکسی

کل

از مجله عصر نوین چاپ اتحاد شوروی

ترجمه احمد سهنا

همسر جهاری و اخri مائو خانم ( سنهان سن ) هنرمند سابق و عضو بوری ساسی حزب کمو . نیست و متابه الامام هنده ( انقلاب کلتوری ) در حدود سال پاییکمی و تلاش نیا د تقدیباً موفق شد تا به تنها بالای بزر . گنون ملت بیان حکم فرمای کند ، وی تصویری کرد که به هدف خود نزدیک است اما بعد از مرگ مائو قرآنی مباری قدرت که خود بیوی نهاد سال صرف آن بود گزیر . دید .

قبل از مرگ خود مائو بوری وی خصی نامه نوشت : « فعلاً ما زده میگردد ا مشتمل هر کدام درجهان خود بس رخواهیم بود . صلح بوری را برای همک ماآزو من - کنم . مکن این چند جمله آخرین پیام من برای تو باشد . تندگی انسان محدود است اما انقلاب سرحدات رانی شناشد امانتو مهترانی به عالمین مقام بوری اگر ر توجه این هدف نایاب نیامدی در آن صورت به صورت گفتم سقوط خواهی کرد ، تن تو پارچه پارچه خواهد شد ، استخوانهای خواهد شکست . )

مائو سعدهن به تاریخ ۹ سپتامبر سال ۱۹۶۲ در گذشت مراسم سوگواری او هشت روز طول کشید . در سبد گلی که برای مائو همسرش سنهان تهیه دیده بود نوشت شده بود : « ( شاگرد و همراه تو ۱۱۰۰ و قصد ا نمی خواست بیوه مرد که بیوه شنید . بدین ترتیب خواست این مطلب را فساد نماید و تضمیم گرفته بود تاجی اورا پر نماید . سنهان همیشه خاطرنشان می ساخت : ( مکا - نه را عن کا زنده میل شدن شخص به همه ) شطرنج جلوگیری می کندیدست آوردن قد - نزدیه این شغل فکری کرد . )

هوکوفن فرمان داد تا سزمان سنهان را از عضویت بیو بوری ساسی حزب کمونیست سه هم اخراج و در زندان اندداخته شود . پلیس کمیته مرکزی حزب کمونیست چمن ن به یعنی " اسم و صو جنیش کمونیستی " جهان داخل اندام کردید . کمیته مرکزی خطاب به مردم چمن چنین اعلام نمود : عضو بوری ساسی خانم سنهان سنهان درسال ۱۹۳۵ توسط سازمان — جاسوسی ( گومیندان ) استخدام شده بود .

و درسال ۱۹۴۷ با پنهان نمودن هویت خوشرواقعیت را که این نموده اصل و نسب قبود آن خود را پنهان و بدین ترتیب در حزب راه پیدا کرد . ۰۰۰ در زندان سنهان سن متوانست ببیند

شهر کابل توسط ۴۰۰ برق و ۳۶۰ برق مریوط به ظایه هاکات و دارندو اش از انرژی برق مستفاد می شوند در بخار برق انرژی حرارتی مشکلات عده م موجود است تسلی وجود دارد و قعله در این مورد مشکلات کاکان پایه جاست وزارت اپرسق با اتفاق و مبتازه بروزه های جدید که میتوانند برق بیشتر را تدارک نمایند به اسماهار و وجوده پولی ناز میشند است که با مساعده شدن املاک نات تسبیلات فراهم من شود و بیشتر اینکه برق به موجود است آبدار و راههای که در شهر پندت های برق جریان دارد - متعلق است.

منبع صحت: انجمن فصل احمد رفیع برق کابل  
منبع صحت: انجمن افغانستان های را که از مسویین امور حواندیش نهاده هدنه این امر است که باید نسبت به این مشکل مدد حکومت تابهیر جدی توجه را با ظرفیت های واقعی که پیش از نهاده های مردم را تکاف نماید اتفاق نمایند ، در حالت موجود مخفی بود که مقدار کافی وجود ندازد تا بد شهید شود و ذغال سگ هنوز به مقدار کافی به کابل نمی رسد و بیشتر دارد اما ممکن است وضع آن بدتر شود و اما مردم چه کند؟

در این حال تقویت برق و ایده کتر است انتظار دایم حکومت که در جلسات غیر ای رهیان به این موضوع اهتمام زیاد تابهیر است واقعه بتواند نهاده های خوب را در عمل تحقق بخشد اید و آنها را که مردم از جریان تدویر جلسات شورای فیروزان به دست آورده اند در عمل مساعده نمایند -

# چگونه خواهد بود؟

نخست داشت  
چنان برازیده از شهریان  
گاز مایع برق امداده فروش ام است  
که انتقال آن در شهر کابل  
برآورده گرفته شده است

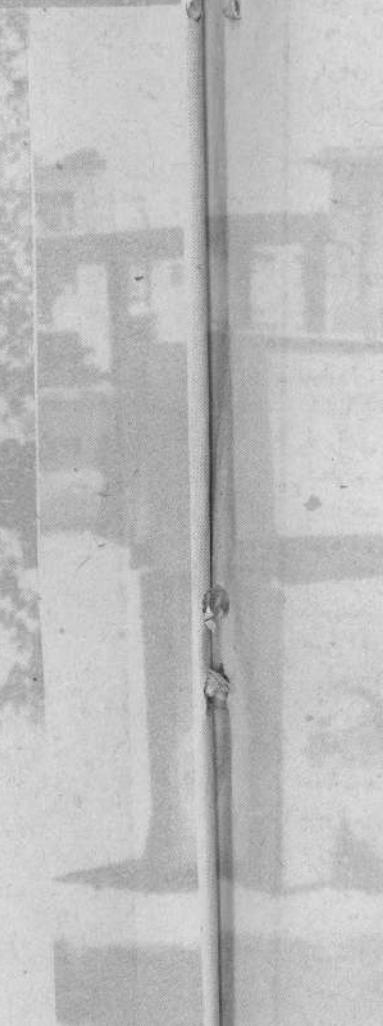
منبع صحت: این اول  
راست چیزی نمی داشت  
سواه لکسوس و کار

۲- ذغال است  
اسال در نظر است آن در  
تو زیج ذغال سگه بی عذر افسوس  
های سال های گذشته تکرار  
نشود ثبیت شده است که  
بنجاه هزار تن ذغال سگه  
به کابل وارد شود و در زمینه  
روایت ترا نهشت سکو -  
خصوصاً تا آخر هفت بهمه  
د از این مسأله له است الیه  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دوازده ناحیه  
شهر تذکیر آن ادا به دارد  
برای سهولت تحرف تجهیزی  
بیل و رشته های خیابانی  
مشکل و در بانک های مختلف  
قابل اجراس - با تذکیر  
فسی ذغال تو زیج آن آغاز خواه  
هد خد - الیه قبل از تجهیز  
لست های بسته شده است هم  
میدهند تا مشکلات را چادر  
سازند -

د رمالهای اخیر بنا بر کمربون  
چوب و ذغال سگه و انرژی برق  
فشار و گفتالهای مواد نگی وارد  
شده است به همین همین تک  
کمیا کم شده است و از سری  
قیمت آن در بازارهای جهان  
افزایش افتد است

منبع صحت: دوکتور گند امیر  
معین معاون وزارت صنعت  
و تجارت که میگوید

۳- انرژی برق  
خوبیه تانه امسال بتایسر  
یاران برق های زیاد سال  
گذشته وضع آب نسبتاً بهتر  
است و از این سبب پرچا وی  
برق در وحه های طولانی تسر  
مهورت میگردد الیه در هفته  
نیز را توین و از طبق پیش  
د امسال مشکلات و بالا اسر  
برچا وی برق به وجود خواهد  
آمد - زیرا در این نسل پیش  
بمشتری مدد از برق تجهیز  
در این زمینه وجود دارد قرار  
بمشتری مردم به معروف برق تجهیز  
دادهای هم سوزت گرفته است  
این برای شهریان کامل کردن  
تکمیل پخت و پز توسط برق صور  
رت میگردد - طرفت های برق  
جد و تولید برق برای شهر  
کابل به تاسب صرف آن نا  
کافیست



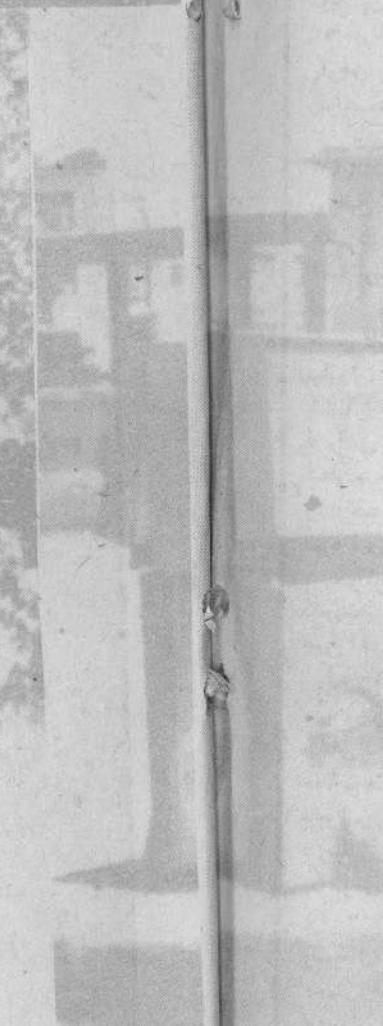
۱- مواد نفس  
جهان سرمه میگویند - زستان همیشه خصل نا مهر باشد  
اما بوی مردمی که آتش و نار ندارند نامیزد است به باده ایم زستان  
سال ۱۳۷۷ راکه کود گان مادم ناتوانی ها ویت پی استیشن  
های تهلی خشک شدند و همانجا داری برقیهاست گذشته میگردید  
که شده را الیه که عات آزاده نمودند دلیل برای این سختی سرمه  
مایه است اینه که در امکانات است مردم از این استفاده  
میباشد - پکنکار مردم تجزیه کیست بی جزو های باشکلات بی  
دست میگیرد - ولی حقیقت اینست که مردم هم شرایط جنگ و راهنمایی  
هم سرماز را درک میگیرند هم مخفی محاصره اقتصادی را یافته  
ولی با این خانه ایکه سرمه است آنکه مخواهد و شکی که گزینه  
است نان مطلیسه و بن برخه را یافته هر داشته -

حکومت دوستهای گذشته با اتخاذ تدابیر توانست با اوی از  
مشکلات را برداشته و چاره سازد همین تدابیر اضافی فرص  
حل میکنند از مشکلات که در اثر از آوردن هوطنان از اولایه  
به شهر کابل به وجود آمده نیز اتخاذ گردید - واقعه اینست  
که کابل شهر چند هزار کوچکتر از نفوذ خود است - بر سرمه توجه و  
تمخین خاتونه های از نفوذ خود است - بروز شیوه توجه و  
هموشه بنا بر این میگویند نقوص و کمودون امکانات بیاند اقل شیوه  
خدمات اجتماعی مشکلات خود را میگردند این اینه که سوال بطریح  
من شدند - آیا قد اینه حکومت به موقع اجرا نموده؟ آیا آنچه دید  
دسترسی است عادلانه تزییع می شود؟

ما برای زستان میگردیم که زستان هم اینست -

زستان خواهد آمد اما هم دایم و چنند نیز مردم میگردند  
ایران اند و وضع اقتصادی خوب مردم برای سزا میگیرند  
هنوز چنکه بیماری هنوز چنکه راه بکرده هنوز چنکه عیت زستان  
خانواده های را جوانان و نان آور و پیشی کاکار را شفول خود  
نگهداشتند - اینکه آنها را از صعنہ نزدیکی دو هزار مساحت  
ستم میگویند این امور به جوانهای سیا وون در این مردم پس از  
بگویند که واقعه چه دایم آیا میگردند

آیا مردم توجه داشته باشند یا نه؟



منبع صحت: این اول  
راست چیزی نمی داشت  
سواه لکسوس و کار

۲- ذغال است  
اسال در نظر است آن در  
تو زیج ذغال سگه بی عذر افسوس  
های سال های گذشته تکرار  
نشود ثبیت شده است که  
بنجاه هزار تن ذغال سگه  
به کابل وارد شود و در زمینه  
روایت ترا نهشت سکو -  
خصوصاً تا آخر هفت بهمه  
د از این مسأله له است الیه  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دوازده ناحیه  
شهر تذکیر آن ادا به دارد  
برای سهولت تحرف تجهیزی  
بیل و رشته های خیابانی  
مشکل و در بانک های مختلف  
قابل اجراس - با تذکیر  
فسی ذغال تو زیج آن آغاز خواه  
هد خد - الیه قبل از تجهیز  
لست های بسته شده است هم  
میدهند تا مشکلات را چادر  
سازند -

د رمالهای اخیر بنا بر کمربون  
چوب و ذغال سگه و انرژی برق  
فشار و گفتالهای مواد نگی وارد  
شده است به همین همین تک  
کمیا کم شده است و از سری  
قیمت آن در بازارهای جهان  
افزایش افتد است

منبع صحت: دوکتور گند امیر  
معین معاون وزارت صنعت  
و تجارت که میگوید

۳- انرژی برق  
خوبیه تانه امسال بتایسر  
یاران برق های زیاد سال  
گذشته وضع آب نسبتاً بهتر  
است و از این سبب پرچا وی  
برق در وحه های طولانی تسر  
مهورت میگردد الیه در هفته  
نیز را توین و از طبق پیش  
د امسال مشکلات و بالا اسر  
برچا وی برق به وجود خواهد  
آمد - زیرا در این نسل پیش  
بمشتری مدد از برق تجهیز  
در این زمینه وجود دارد قرار  
بمشتری مردم به معروف برق تجهیز  
دادهای هم سوزت گرفته است  
این برای شهریان کامل کردن  
تکمیل پخت و پز توسط برق صور  
رت میگردد - طرفت های برق  
جد و تولید برق برای شهر  
کابل به تاسب صرف آن نا  
کافیست

منبع صحت: این اول  
راست چیزی نمی داشت  
سواه لکسوس و کار

۲- ذغال است  
اسال در نظر است آن در  
تو زیج ذغال سگه بی عذر افسوس  
های سال های گذشته تکرار  
نشود ثبیت شده است که  
بنجاه هزار تن ذغال سگه  
به کابل وارد شود و در زمینه  
روایت ترا نهشت سکو -  
خصوصاً تا آخر هفت بهمه  
د از این مسأله له است الیه  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دوازده ناحیه  
شهر تذکیر آن ادا به دارد  
برای سهولت تحرف تجهیزی  
بیل و رشته های خیابانی  
مشکل و در بانک های مختلف  
قابل اجراس - با تذکیر  
فسی ذغال تو زیج آن آغاز خواه  
هد خد - الیه قبل از تجهیز  
لست های بسته شده است هم  
میدهند تا مشکلات را چادر  
سازند -

د رمالهای اخیر بنا بر کمربون  
چوب و ذغال سگه و انرژی برق  
فشار و گفتالهای مواد نگی وارد  
شده است به همین همین تک  
کمیا کم شده است و از سری  
قیمت آن در بازارهای جهان  
افزایش افتد است

منبع صحت: دوکتور گند امیر  
معین معاون وزارت صنعت  
و تجارت که میگوید

۳- انرژی برق  
خوبیه تانه امسال بتایسر  
یاران برق های زیاد سال  
گذشته وضع آب نسبتاً بهتر  
است و از این سبب پرچا وی  
برق در وحه های طولانی تسر  
مهورت میگردد الیه در هفته  
نیز را توین و از طبق پیش  
د امسال مشکلات و بالا اسر  
برچا وی برق به وجود خواهد  
آمد - زیرا در این نسل پیش  
بمشتری مدد از برق تجهیز  
در این زمینه وجود دارد قرار  
بمشتری مردم به معروف برق تجهیز  
دادهای هم سوزت گرفته است  
این برای شهریان کامل کردن  
تکمیل پخت و پز توسط برق صور  
رت میگردد - طرفت های برق  
جد و تولید برق برای شهر  
کابل به تاسب صرف آن نا  
کافیست

منبع صحت: این اول  
راست چیزی نمی داشت  
سواه لکسوس و کار

۲- ذغال است  
اسال در نظر است آن در  
تو زیج ذغال سگه بی عذر افسوس  
های سال های گذشته تکرار  
نشود ثبیت شده است که  
بنجاه هزار تن ذغال سگه  
به کابل وارد شود و در زمینه  
روایت ترا نهشت سکو -  
خصوصاً تا آخر هفت بهمه  
د از این مسأله له است الیه  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دوازده ناحیه  
شهر تذکیر آن ادا به دارد  
برای سهولت تحرف تجهیزی  
بیل و رشته های خیابانی  
مشکل و در بانک های مختلف  
قابل اجراس - با تذکیر  
فسی ذغال تو زیج آن آغاز خواه  
هد خد - الیه قبل از تجهیز  
لست های بسته شده است هم  
میدهند تا مشکلات را چادر  
سازند -

د رمالهای اخیر بنا بر کمربون  
چوب و ذغال سگه و انرژی برق  
فشار و گفتالهای مواد نگی وارد  
شده است به همین همین تک  
کمیا کم شده است و از سری  
قیمت آن در بازارهای جهان  
افزایش افتد است

منبع صحت: دوکتور گند امیر  
معین معاون وزارت صنعت  
و تجارت که میگوید

۳- انرژی برق  
خوبیه تانه امسال بتایسر  
یاران برق های زیاد سال  
گذشته وضع آب نسبتاً بهتر  
است و از این سبب پرچا وی  
برق در وحه های طولانی تسر  
مهورت میگردد الیه در هفته  
نیز را توین و از طبق پیش  
د امسال مشکلات و بالا اسر  
برچا وی برق به وجود خواهد  
آمد - زیرا در این نسل پیش  
بمشتری مدد از برق تجهیز  
در این زمینه وجود دارد قرار  
بمشتری مردم به معروف برق تجهیز  
دادهای هم سوزت گرفته است  
این برای شهریان کامل کردن  
تکمیل پخت و پز توسط برق صور  
رت میگردد - طرفت های برق  
جد و تولید برق برای شهر  
کابل به تاسب صرف آن نا  
کافیست

منبع صحت: این اول  
راست چیزی نمی داشت  
سواه لکسوس و کار

۲- ذغال است  
اسال در نظر است آن در  
تو زیج ذغال سگه بی عذر افسوس  
های سال های گذشته تکرار  
نشود ثبیت شده است که  
بنجاه هزار تن ذغال سگه  
به کابل وارد شود و در زمینه  
روایت ترا نهشت سکو -  
خصوصاً تا آخر هفت بهمه  
د از این مسأله له است الیه  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دوازده ناحیه  
شهر تذکیر آن ادا به دارد  
برای سهولت تحرف تجهیزی  
بیل و رشته های خیابانی  
مشکل و در بانک های مختلف  
قابل اجراس - با تذکیر  
فسی ذغال تو زیج آن آغاز خواه  
هد خد - الیه قبل از تجهیز  
لست های بسته شده است هم  
میدهند تا مشکلات را چادر  
سازند -

د رمالهای اخیر بنا بر کمربون  
چوب و ذغال سگه و انرژی برق  
فشار و گفتالهای مواد نگی وارد  
شده است به همین همین تک  
کمیا کم شده است و از سری  
قیمت آن در بازارهای جهان  
افزایش افتد است

منبع صحت: دوکتور گند امیر  
معین معاون وزارت صنعت  
و تجارت که میگوید

۳- انرژی برق  
خوبیه تانه امسال بتایسر  
یاران برق های زیاد سال  
گذشته وضع آب نسبتاً بهتر  
است و از این سبب پرچا وی  
برق در وحه های طولانی تسر  
مهورت میگردد الیه در هفته  
نیز را توین و از طبق پیش  
د امسال مشکلات و بالا اسر  
برچا وی برق به وجود خواهد  
آمد - زیرا در این نسل پیش  
بمشتری مدد از برق تجهیز  
در این زمینه وجود دارد قرار  
بمشتری مردم به معروف برق تجهیز  
دادهای هم سوزت گرفته است  
این برای شهریان کامل کردن  
تکمیل پخت و پز توسط برق صور  
رت میگردد - طرفت های برق  
جد و تولید برق برای شهر  
کابل به تاسب صرف آن نا  
کافیست

منبع صحت: این اول  
راست چیزی نمی داشت  
سواه لکسوس و کار

۲- ذغال است  
اسال در نظر است آن در  
تو زیج ذغال سگه بی عذر افسوس  
های سال های گذشته تکرار  
نشود ثبیت شده است که  
بنجاه هزار تن ذغال سگه  
به کابل وارد شود و در زمینه  
روایت ترا نهشت سکو -  
خصوصاً تا آخر هفت بهمه  
د از این مسأله له است الیه  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دوازده ناحیه  
شهر تذکیر آن ادا به دارد  
برای سهولت تحرف تجهیزی  
بیل و رشته های خیابانی  
مشکل و در بانک های مختلف  
قابل اجراس - با تذکیر  
فسی ذغال تو زیج آن آغاز خواه  
هد خد - الیه قبل از تجهیز  
لست های بسته شده است هم  
میدهند تا مشکلات را چادر  
سازند -

د رمالهای اخیر بنا بر کمربون  
چوب و ذغال سگه و انرژی برق  
فشار و گفتالهای مواد نگی وارد  
شده است به همین همین تک  
کمیا کم شده است و از سری  
قیمت آن در بازارهای جهان  
افزایش افتد است

منبع صحت: دوکتور گند امیر  
معین معاون وزارت صنعت  
و تجارت که میگوید

۳- انرژی برق  
خوبیه تانه امسال بتایسر  
یاران برق های زیاد سال  
گذشته وضع آب نسبتاً بهتر  
است و از این سبب پرچا وی  
برق در وحه های طولانی تسر  
مهورت میگردد الیه در هفته  
نیز را توین و از طبق پیش  
د امسال مشکلات و بالا اسر  
برچا وی برق به وجود خواهد  
آمد - زیرا در این نسل پیش  
بمشتری مدد از برق تجهیز  
در این زمینه وجود دارد قرار  
بمشتری مردم به معروف برق تجهیز  
دادهای هم سوزت گرفته است  
این برای شهریان کامل کردن  
تکمیل پخت و پز توسط برق صور  
رت میگردد - طرفت های برق  
جد و تولید برق برای شهر  
کابل به تاسب صرف آن نا  
کافیست

منبع صحت: این اول  
راست چیزی نمی داشت  
سواه لکسوس و کار

۲- ذغال است  
اسال در نظر است آن در  
تو زیج ذغال سگه بی عذر افسوس  
های سال های گذشته تکرار  
نشود ثبیت شده است که  
بنجاه هزار تن ذغال سگه  
به کابل وارد شود و در زمینه  
روایت ترا نهشت سکو -  
خصوصاً تا آخر هفت بهمه  
د از این مسأله له است الیه  
انتقال آن از همین اکنون آغاز  
شده است و در دوازده ناحیه  
شهر تذکیر آن ادا به دارد  
برای سهولت تحرف تجهیزی  
بیل و رشته های خیابانی  
مشکل و در بانک های مختلف  
قابل اجراس - با تذکیر  
فسی ذغال تو زیج آن آغاز خواه  
هد خد - الیه قبل از تجهیز  
لست های بسته شده است هم  
میدهند تا مشکلات را چادر  
سازند -

د رمالهای اخیر بنا بر کمربون  
چوب و ذغال سگه و انرژی برق  
فشار و گفتالهای مواد نگی وارد  
شده است به همین همین تک  
کمیا کم شده است و ا

رپورتاژ

# امنیت‌کش!

## در



وتن به شهر صریم و مخواهیم  
چمی بخریم در هر مورد و در غریب  
قلم و سوانس داریم که می‌آید  
تقلیل باشد، بیاد آن باشد  
میاد آفریب بخوبیم و این گونه  
تقلب امروز نه تنها درستگاهای  
غیرضریح بلکه در اجنبانه سولوان  
مشاف، خوارکه ها و همچنان  
اجنبان س موجود دارد. که تقریباً  
کس است که قادر برآید یک  
تلخیخون، رادیو کست  
و پدیوتیک جایانی اصل را با  
ساخت عوض آن که از مالهای  
کوشا و تامهان من آید فرقی بگذارد  
شلاق بسیاری هم نمهد انشد  
که تاریخ سیری شده ادویه  
لیخاخ، کرم دندان، لوازم  
آرامش، رب بادنجان رومس  
کمپرس و هاشمی خشک، پنجه سکه  
ریغن و این شمار را چگونه  
در نظر گیرند وجه موافق  
نهی را این تاریخ سیری شده  
در قبال خواجه داشته؟  
من گزارش خود را از این غریب  
بشكاهنگ افغان اظافر می‌گنم جا  
بیک تقریباً می‌ازنقطه مرکزی

# فقط چادر بخواهید

خود سال میزد .  
در سرای لیامی با بعد پس  
نمونه های از لباس های ساخت  
وطن بر خود رم که بنام لیامی  
نروخته مشود دین با و تبعیه  
نمیکم . دوست را دیدم  
که با قاب دیگر داشت  
بر سرمه چرا ؟  
گفت در روز از او گشت  
خرده بود در رخانه متوجه  
شد که گشت بو مهد هدم ملعو  
شد که وی از مزاوش شف گفت  
گوسفند با پردازی شده میخوا  
هد و در طول راه امن گشت  
ها بوسن گزند اصل در ساره  
تصابی های ساره باشد  
گفت همچنین تضییع وجود ندارد  
که این تصابی ها مطیعن  
باشند مردم به گوشته های  
سرخ و خون دار که معنای  
ذیع نشدن حیوان است  
توجه نمی کند . در دواخانه  
میخواست ادویه خرد را نام  
اما متوجه شدم که اکثر دواها  
هندي است و این راهما رنجیه  
مدادان کا ترد دواها های ساخت  
به عهده در صفحه (۸۴)

کدام جنس نکه اصل و کدام  
بدل است . میک متوجه را باید  
بینجامد افغانی بخواهیم  
اگر پنجماد افغانی را به آب  
انداخت ام هاجیری بدرد بخور  
خرده ام .  
وقت آنها نکه اصل می کنند  
من یعنی که حتی می سانتس  
آنرا به غم خود من بوند شمر  
خشک رانمتوانی فرق بگذاش  
انواع و اقسام شیوه های تائیخ  
تهرشده رامی بینی که به قهقهه  
های مختلف از ۱۲۰۰ تا ۲۶۰۰  
افغانی به فروش مرسد . جالب  
است که مثلا در فروشگاه  
انواع واقع مکررین سو  
ملک کلو شیر خوب ۱۰۰ - افنا  
نی است لاما در شهرین شهر  
به ۲۶۰۰ تا ۲۰۰۰ چرا ؟  
پنهانی که در جای اولی انصاف  
است و در جای دوم نیست  
و آنای کدام مرجعی وجود دارد  
که شهر تاریخ گذشته را ایزار  
جمع آوری کند، چراکه بیشتر  
ازین شهرها بصرف ساختن  
آیینکه میخواهم از نکه فروش  
چهاری را نیز بگیرم نمیدانم

من یعنی متوجه میشوی که آنرا ب  
خرده ام !  
میخواهم بینج و ماش و لوبها  
را تهمت کنم . نزد ها خیلی گران  
است و دگانه ای که میخواهد  
خود را صادق تزلجه دهد  
میگوید برادر بازی خود را تصام  
بازار بینج خوب نیست فیسب  
هد هند ، فقط من خودم از نیلان  
بینج خوب اورده ام به تمام سد  
برایت میدهم . آمایارویی کسی  
سرخ اخانی آمد که خیلی  
من از سودا در دست داشت  
بر سردم :  
سنه و نون که از خشت و  
خواهرا چی خرد هدیده اید ؟

- گفت از من ای کیونی گرفته ام  
محلات گرفتم و نون آنرا دقیق بساز  
زمانیکه ۷ کلو برو راوند کردیم  
۶ - کلو بود و روغن نیز مقدار  
کمتر از اصل بود .  
برای خرد تخم مرغ نیز باید  
آنرا در مقابل نوزانتاب بگیری  
که میاد ای جایی زردی و سفیدی ،  
چوجه من در آنجا باشد  
وزمانیکه میخواهم از نکه فروش  
چهاری را نیز بگیرم نمیدانم

شده است . در اطراف نیکانه ای  
مختلف وجود دارد . و آنسو  
دست فروشان و فروشنده گان  
دروه گرد . گن بالاتر تصابی  
و در کاران و سویانست ، دز  
مقابل ماد و فروشگاه بزرگ افغان  
و اینها ن شغل دار هست  
غرس شمعی بزی ها شو ره  
خود و متنو بعد ای ه سرای  
لیام ؟

میخواهم از تکاری و میوه  
نعل خرد ای کم چسی  
میمین :

سنه و نون که از خشت و  
آهن های علایی تعمیه شده  
معادل و نون حقیق نیست  
ترازوها یانگ داراند واگرمه  
جنیسواد رویه ترازو و سما  
تعوض جاوند کسی من یعنی  
که میک پایا ، یا ونمیست و چهارک  
حتن سه پا و نیست !

بالایی کراچی سیب فروش  
تک سرخترنگ نصب شده که سه  
های سیز و خام را پخته من نسأ  
میاند وقتی در رخانه سبها های  
چهده شده خود را بار دیگر

تار بخت وی ، خوکه جنس  
خبل کار بای نه ورسوی بانسو  
وره لعن ، مگر زد اسوس  
تفیده لر چن دی هلت مر  
وی دی \* .

هلاکنوه کوچقی هے لاسونه  
نکول او کوچقی هم به دسر  
قار سه پر خبل بخای کشنهان  
ست به لند و خدا کی بسواره  
پیتو سترکو دمیش و خواتمه  
دی روای کل . محسن چس  
کس نر تاثیر لاتندی را غلسی  
له کوچن هملک نه و خونسل  
ن له ده سره دمپن دفترته .  
زمش : به لماره کی عی پیون  
نه اخشن و کره چی ؟ (۱) آهسا  
به رفته سره پوهری پیش  
ردی هر شوی دی ؟ )

کوچنی هلک رویل : جسمی  
بلا رار نه دی می شوی . ما  
دی لباره دا خبره و کره چس  
له کمکه بای هه ورسو . که  
س منه وای ولی نوزما  
ده به دینه کله بای هه به  
بدلی . خوشاشن دروسه  
پ راعی او دلمه توود خمه  
ده به سروجوتی کی (۲) کری  
کلی کی به دهدموزن لز  
اویلهه من و کولای شی  
نه همه له خیله سره ایمه  
د اونتی را رویی .

ده دی و خشت کی حمسن او  
نه دوازه دمپن کوئی ته  
حدل . او دوازه ورنتول  
من بدیوی رویل : (۳) زما  
بولکی کن و هوسنار هلت  
د ونه دیلاز کمکه واژمه (۴)

پیلاز کمکه دی خنگدرا (۵)  
زمیلاز بیه کوچن هننس  
لوده اویه خبل کارگی پیار  
روو . بیه وون داده آوازی  
باش خشنن غزو تریسته .

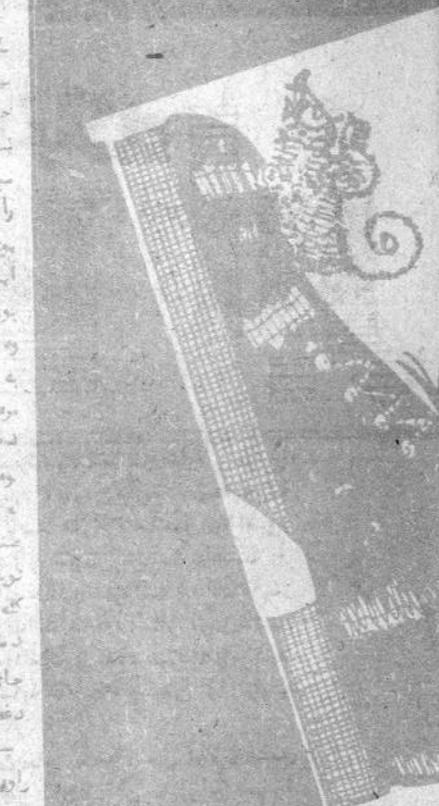
نه خشنن هرخچه جس  
کوبنی دز لودی ، زما  
تے رازی تر توهنه حواب  
کسیری . دمانی خسته ن  
ستگارانو زده و رسی هننسی  
دی کوبنی راولی داسس  
زمیلاز دهمویه منه گی  
ب شوی محکن نوره دکان  
لحادی نه رو . مدیر لز خشم  
مانه فک و کراوی همیشہ  
هاتش به (۸۲) من کی

نول خلک به دی پوهبد ل  
چی دی کولای شی کوئی نوی  
کری " یه دی توکه به ورن به  
ورن خلکو ده شه قوبی کوئی  
را فریز .  
زما پلار به دشیز تر ناخنی  
بورو کاراکاو او سوره " می بسی  
ریل چی :  
۱) لایز زیر به زان بیو -  
نفس نه ولینز ) او سور به  
می ویل چی :  
(( یه زده به هر زر به آمسوده  
او ارامه ش . ))  
خود شه کوچنی هلک نور  
خه ونه ویل او غلی ودن بد  
محسن به لورنگ سره زویل :  
۱) ولی دخبل دوسست  
لباره لاسونه نه نکوی ) ایما  
تا سو له دی کوئی شخه  
حیران نشوی ))  
هـلکانه ویل چی حوز غفار و  
دکس پاش برسه ههوازو .  
محسن کوچنی هلک به منع  
ویزار او چی : ) ستاکمه  
پاش لری ۹ )  
کوچنی خیلو خبره داس  
اد امه ورکه .  
۱) له بی میاشن موشه  
به هر وخت تینده چی دیلار  
به مع کن می ده هر کار اتیمار  
شون ورو . کار دومه به هردو چی  
ده نشو کولای کرمه را سی .  
میز جزیه ویل چی همه می  
له دی چی له متدوق خنده  
او شوش شه او درج کارکوی .  
شنن سری به همته بترنده  
ن کیستا سه او لاول تاول هری  
سی خرل او پرستک به می  
سائی نه کسته راهیو . چی  
دخاره شو . تو غوندوی هد سیو  
برستکو خند ده که و داس  
سی خدا شکارتو به نشوای کوک  
ی چی زما دیلار صندوق دهنو  
ده همه بجد اکری " موسی  
ل چی دی به دومه به شیل  
کی بسماو چی هر هفده ته چی  
د صندوق به سر لزیدل " دی  
پری خبره وو .  
لو بر خلک داس فکر کسوی  
زمایلار عادت لری دصند -  
یه من کی تیمنی اویه خیل

# کیمیا

خود نشنه کوچنی هلت نور  
خ و نه و مل او غلی و دن سد  
حسن یه لورنگ سره قوبل :  
ا) ولی دجلی دوسنست  
پاره لاسونه نه پکو؟ اما  
تا سو له دی کوئی کوئی شخنه  
حیران نشوی؟ )  
هـلکانو وریل چی موز غوار و  
دکس باتی بزرسه همراهید.  
حسن کوچنی هلت یه من  
دوباره چی؟ )  
باتی لری )  
کوچنی خیلو خربویه داس  
اراه و زکره )  
ا) له بی میانتنی موشه  
ن برخشتندیده چی دیلار  
یه من کن من د بر کار اتیمار  
شوبی ورو، کار دزمونه نه بروجی  
نه نشو کولای کرمه راستی .  
می خوبیه ول چی همه بسی  
له دی چی له مندوق خلصه  
او روشن شمه او وو کارکوی .  
شتن سری به همینه بپریلاده  
ن کنیانته او لاول تاول صرفی  
سی خیلی او بستکی به می  
سائی نه کمک راچیول )  
داره شور-تو-غوندوی بندیسو  
بر مستکو خند د که رو داس  
سی خدا شکارانو به نشوای کوب  
ی جی زما دیلار صندوق دهنو  
هـ من بند اکری موسی  
ل چی دی به دومونه یه چیل  
کی بسمازو چی هر هفده هم چی  
د صندوق به سر لزیدل، دی  
بزی خیره )  
ل بر خلک داس فکر کسی  
زمیلار عادت لری دمند -  
یه من کی یکمی اویه خیل

ولایت یو سندوق و چن لکلرگی  
و پس از آن بام کانگزو نسو  
هیچ چیز و می بدم - خدوق  
کی عمر ام یو خود میخواست  
تو ندان - نور - نه لهدل -  
لهدل - که - برا بر - غوتیا تو  
که که ای مریات - چوی واای  
ای ندویمه مه لیاهه هم یکس  
ای نهاده - اما که چیزی ده چو -  
تش چی کوشنه چوره کری - سو  
بیدرور چی له ندویه تخته  
و وضی - زماد بلا راصندوق د -  
ی بیونلاری به نهاده گیلس  
سونوال - دی وو چی تر قمه  
تره دیوه شه من سوی مانس  
که چیزی اکم سوی نمانس  
سوندیدلای بای - هردو -  
عن چی اواخواشیل وای  
خدوق یه موجودیست به نهادی  
شوی - هدته شه چرقی چی  
حکتگیری باریه شوی وو د -  
خدوق شده چی نه بیره نهوله  
دی تو گه زطایلار همین  
به دی هکاهه نکرنه کاروجی  
انه شستن - چی بینا -  
ی پیدا کری او دی به لنه  
جا به وشی - د مانس  
من هنخ گله د مانلوی نه  
ت دده دستگاران همی  
حتو ووچی هر چه دی رو -  
ی علافس و کری - دستنس  
سکارابیو زما له بلار سو دده  
زه ساتلوكی لاسمعو کرید  
و دی به بدل کی زمسا  
د هفتوه کوشی هر باخو -  
زمیلاره به چه جدی تو گه  
کار کارو - اوله چانه نه



لغہ پاستان

اندیشه

عسان کفانی د ۱۹۳۱ کال  
د اپریل په میا شت کس د  
دقیقیتیں په سالی برخشنده  
عکایه سوہ کن زیریند ل د دی  
د هند کو چنوتیوب د یانافاوه  
پارس بیرون او جایو په کمال  
د ۱۹۲۸ کن د فلسطینی د اشغال  
له کبله له خپل کوره خون سره  
سوری ته ولا او ومه د منکس  
میشه شو. کو چنی عمان  
له خیلی کوره تو سوہ په فقرکی  
زیغز کاو او همیدی خبری دله  
هر رو جهه یاندی په زیره اجهمره  
کپری وه ده به د مشق کسی  
خیلی زده دهی پای ته ورسولی  
او یهای حقوق لو ستلوته اد ام



آخری له همین اومن مخخه  
عهاری جمهور سوونکو که دن اسیم  
او ترنسپ دزرس ورگری او وهمه ای  
ریگه دمچانو اختیاره و لولیا  
او جیل جای بی وخته او حیگه  
شونه

به از زیده دهلمز کی ده لکانو  
چهشی او دو غاری هره خواهومی  
محسن جی دورو وروس ندم به  
اخیست، داسی احساس کابو  
جی به همه لاره ندم زدی، کوم  
جی به زنم او شور ختمیزی.  
هوكی، دواره رنه او نبور  
دتوکنی به دروست خوکسی  
کی بو هله، ناست وویه لسور  
زع سرمه وویل:

(( اساتاده، زما بو شکلی  
که سه زده ده ))

حوشها مخکن له دی جیس  
محسن ورسمه موافته وگری، را-  
دنه شو دده دوستانو و-  
امدل جی هلك داسی پی طلون  
اغوشت دی جی به نهان گئی  
پس لوی دی دی لولی توکه عی  
هم دشخوده او دسته سرستا-  
ن بن برو چیلیز ربارکه دی -  
بعد کمیه داسی بیل کوه:

(( زما بلار دنبو کاونسیو  
خاوند یوس سری وو او خر رنگی  
ویستان سی امل ده بوه ستر-  
گه در لوده او بله ستگه قیا  
رنده پنهو وه هنه هم داسی  
جی ده غلو ستل دجا کونسم  
و گشی، گوشه دوسن کلکهون جی  
ده په تول تور سره و نشوابی  
کوای په همه نهه ورنیاسیسی  
تر صدیور شو جی کوئیه به خیله  
سینه باندی کنیزدی ده په  
پیل تول تور سرمه بر هفتمیسی  
نشار واوه خونه شری خا-  
ده او بله مترا گس ورنیسته  
دنساو سر بخه خزروه، زصل  
پلار بوهه سری وو او داسیسی  
نیزهه سی در لوده جی نه او ز-  
ده وه او نه لنده ده نه پسر  
کار کاوه او کانی هم سے وو  
همیشه به لکه ده سره بوهخو-  
ره گونی وی او هنه به میں  
چیزی اوله سره به می توی  
کولی.

خوزما پلار دکان نه در لوده  
او هچجا ب هم له ده ستره  
چه نه کله دده دکان

محسن به همه دهلهز کن  
جنی به بای کی هن دده توکنی  
و و دلخورد گام اخیسته بـ  
نه در سرمه نمی کی داد دهلوـ  
هرش تصریحه به اویه دی سـ  
پوچیده جن به توکنی کی بهـ  
نه خـه ورمهش شـه نـهـوـ  
به دـی دـول مـی هـهـهـ کـوـلـهـ  
جن هـهـهـ وـختـهـ رـاـونـهـ رـسـیـ  
تـیرـهـ تـهـ تـرـکـمـهـ بهـ جـبـلـ  
پـسـتـ زـیـخـوـ اوـ اـخـنـوـارـ الـوـسـتـ  
اوـهـ دـیـ هـکـلـهـ هـنـکـارـ وـجـسـ  
رـخـلـوـهـ سـ کـیـ درـدـلـ قـرـمـهـ  
گـرـانـ کـارـ دـیـ دـخـدـبـارـهـ  
» من له دـیـ نـهـ جـنـ سـرـیـ پـوـ  
شـ کـوـشـ شـهـ اوـ کـوـشـ سـهـ  
دـیـ اـونـدـ تـیرـیـزـ خـوـایـاـ  
سـرـوـخـنـ دـلـزـنـدـ وـرـیـسـنـ سـلـایـ  
دـیـ جـنـ سـرـیـ پـکـ زـدـ کـوـتـ  
کـوـیـ  
ابـاـ تـانـهـ بـحـلـهـ ، لـهـ تـهـوـ  
لـهـ خـهـ دـرـیـهـ بـاـدـ دـیـ ۴۹ اوـ  
بـهـ دـعـوـیـرـتـانـهـ اـفـکـارـمـهـ وـهـدـهـ  
شـوـ  
گـهـیـنـ کـلـهـ جـنـ لهـ خـوـیـهـ رـاـیـاـ  
شـهـدـ بـهـایـیـ شـهـانـ دـمـدـیـ خـبـوـنـیـ  
هـ رـاـوـرـاـوـهـ  
هـلـهـ پـرـکـوـشـ شـیـ بـانـدـیـ شـیـهـ  
رـیـانـ وـیـ وـ خـوـمـحـسـ وـرـتـهـ  
خـمـرـ شـوـ اوـ دـنـرـوـ بـنـوـنـکـوـ خـبـوـبـ  
کـهـ عـزـزـ وـنـوـوـ دـوـیـهـ بـهـ  
هـهـهـ هـکـلـهـ خـرـیـ کـوـلـیـ ، کـنـوـ  
جـنـ دـمـحـسـ فـکـرـیـ دـارـجـسـیـ  
وـوـ خـوـتـرـمـیـ دـارـجـسـیـ  
دـوـیـ لـهـ بـلـهـ نـقـلـهـ نـظـرـهـ پـسـرـ  
مـوـعـ بـانـدـیـ بـعـثـ کـاـوـهـ  
کـهـ چـیـ زـدـ کـوـنـکـیـ هـنـهـ  
کـاتـبـ وـلـیـ خـهـ بـاـدـ وـکـرـوـ  
مـدـبـرـ لـهـ تـنـگـ نـظـرـ خـهـ  
خـوـابـ وـرـکـهـ  
۱) هـوـنـیـارـشـوـنـیـکـیـ هـنـهـ  
دـیـ چـیـ زـدـ کـوـنـکـیـ سـ لـهـ  
کـاتـبـ بـهـ کـارـاـجـوـیـ ۱) )  
اوـ بـهـایـ خـیـاـنـ خـبـیـ بـهـ  
پـیـخـوـنـ سـوـ دـاـسـیـ پـایـ بـهـ وـرـ  
سـوـلـسـ  
۲) کـهـ بـخـلـهـشـ کـوـلـامـ لـهـ  
کـوـمـ هـلـکـ خـنـهـ دـغـهـ مـوـجـتـهـ  
وـغـوارـیـ « مـهـ » )  
محـمـنـ لـهـ خـلـلـ حـاجـهـ سـرـهـ  
وـوـلـیـ ۳) دـاـمـدـرـ لـهـ خـنـگـ  
جـنـ لـهـ زـدـ کـوـنـکـ خـنـهـ فـیـخـ

این بیان مقاومت ننمی‌کند؟ آن‌ها سهل  
آنکه راد برع ناله و تغیر خود پیش  
پای ابراهیم‌روان کرد، نامکر برحال او.  
 طفل عزیزتر رحمت آورد، ولی ابراهیم  
آنچه تصویز و زاری را بهم شمرد، و با  
کمال قدر صراحت کفت: «این فرمان خد لست  
ست! هاجر جون این بشنوید! بجا خود  
بازگشت و در برابر اراده و حتم المی‌تلسم  
شد، و برخ و لطف او تکه زد و گفت: «  
اگر ایندبار بفرمان اوتست پس تردید ندارم  
که اوهر کنارا خوار و زان خواهد گذاشت.  
ابراهیم از آن تپه سرازیر شد و حالی  
که از پیشوتن و دلواهی کامهاش را -  
ست مساخت و از یکسویان و اطمینان  
بخداد اورا به پیش مهراند. جای تردید  
نمی‌گذارد ابراهیم درین لحظه، از فرق  
وکارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسل  
عیل و تحمل مجاور هاجر راند انت.  
درین طوفان روحی و انفاب نفسانی  
سه‌مین که زنده کانی ساره را از هرس فرا  
گرفت بود، جزو درساختن اساعیل وها.  
جر چاره‌ای نمیدید از اینه از ابراهیم  
خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بد و شوین  
نقده ای از آن سرمهن ببرد که دیگر صدا و  
خبری از ایشان شنود و از شنجه دیدار  
درین بماند.

## تجھیز قلم

هاجرد برابر قضایالهی تسلم شد،  
و صیر جمل پیشه ساخت و از طعام و ایس  
که همراه داشت صرف میکرد، هتا توشه اش  
پایان یافته و گرمه و شنه ماند، و شیر  
درست‌شنبخشکشید، دیگر که گرستکش راستکن -  
 طفل خود را داشت که گرستکش راستکن -  
دهد، و نه شرت آین که سوز شنکش را  
فروشاند، طفل از شدت کرستکن و سوز  
تشنک سخت بکریست، و خرید و ناله -  
سرداد، و مادر بیتواد را برابر آن منظره  
همجون سهند براش بهمار و پیشان می‌بود  
و سهل اشتر بدامن می‌بخت و آزو میکرد  
آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترد  
که نایر میتوانست از شیره، جان و خون  
دل و اشک چشم خود برای جکر کوش  
از آن و غذائی فرام سازد، ولی  
هیبات!

هاجرد و عجده و کوش بسوار کرد تا مکر  
از آن گرفتاری و پیشانی راه فرار و نجاتی -  
باید، و جهیزی که از همه بیشتر اورا -  
مضطرب بمند است منظره، فرزند عزیز -  
بود، فضخت بخود من پیچید و پیش چشم -  
مادر تزدیت جان دادن بود.

از اینرو ناچار کودت را بجای خود  
کذاشت و سرکشته و سراسمه، و دیوانه وار  
به رسم وید، و اکرچه که طفل و شوون  
و خرید بث مانند مفناطهون اورا بسوی خود  
می‌شند و مجان داشتند با نمداده  
ادامه دارد.

با از بقسر سلطنت بزند.  
درین هنگام ابراهیم نزد ساره رفت  
وداستان را با اود رهان نهاد و دی را -  
فرمان داد که بیان و اطهار را تا کیارا و  
فرزندی بوجود آید که شیستان زنده -  
کیشان راوشن سازد، و سکوت غم  
ازیزی خانه ایشان را در هم شکد. -  
ابراهیم از راهی ایهروی کرد، و دیری -  
نکشت که پسری پاکیزه از هاچر و لاد ت  
یافت که اورا اساعیل نامیدن، فلب  
ابراهیم لبیز از شادی و خرس و دیده اش  
از دیدار رزایه اند و موتا نیر کوش نشمن  
غیرت د ردل ساره زبانه کشید، و طفا نی  
سخت از حزن و تاه شهرا درا فرازکفت، و از  
خواب و آسایشی بمهره اش ساخت  
وکارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسل  
عیل و تحمل مجاور هاجر راند انت.  
درین طوفان روحی و انفاب نفسانی  
سه‌مین که زنده کانی ساره را از هرس فرا  
گرفت بود، جزو درساختن اساعیل وها.  
جر چاره‌ای نمیدید از اینه از ابراهیم  
خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بد و شوین  
نقده ای از آن سرمهن ببرد که دیگر صدا و  
خبری از ایشان شنود و از شنجه دیدار  
درین بماند.

## تجھیز قلم

ابراهیم با همسر سیمید و از شدت پیشانی  
از ساره بهراسید و از شدت پیشانی  
د رست‌خود بیارید، و چون بخواب رفت  
در عالم رو، یابر حقیقت حال واقع شد و  
دانست که ساره شوهر دارد و باید متعرض  
ویراهنایی خدای تعالی و در پرتو عناست  
او همچنان راه می‌بیند، تا بجای کعبه  
رسید، در آنجا بفرمان الهی هاجر و -  
اساعیل را فرود آورد و در آن سرمهن بس  
آب و علف، بحال ضعف و مستکت، و با  
سرمایه مختصرا از طعام و طرف کوچک  
از آب، ولی با قلیل لبیز از ایمان و امیده  
همجون سهند براش بهمار و پیشان می‌بود  
و سهل اشتر بدامن می‌بخت و آزو میکرد  
آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترد  
که نایر میتوانست از شیره، جان و خون  
دل و اشک چشم خود برای جکر کوش  
از آن و غذائی فرام سازد، ولی  
هیبات!

هاجرد و عجده و کوش بسوار کرد تا مکر  
از آن گرفتاری و پیشانی راه فرار و نجاتی -  
باید، و جهیزی که از همه بیشتر اورا -  
مضطرب بمند است منظره، فرزند عزیز -  
بود، فضخت بخود من پیچید و پیش چشم -  
مادر تزدیت جان دادن بود.

از اینرو ناچار کودت را بجای خود  
کذاشت و سرکشته و سراسمه، و دیوانه وار  
به رسم وید، و اکرچه که طفل و شوون  
و خرید بث مانند مفناطهون اورا بسوی خود  
می‌شند و مجان داشتند با نمداده  
ادامه دارد.

با از بقسر سلطنت بزند.  
درین هنگام ابراهیم نزد ساره رفت  
وداستان را با اود رهان نهاد و دی را -  
فرمان داد که بیان و اطهار را تا کیارا و  
فرزندی بوجود آید که شیستان زنده -  
کیشان راوشن سازد، و سکوت غم  
ازیزی خانه ایشان را در هم شکد. -  
ابراهیم از راهی ایهروی کرد، و دیری -  
نکشت که پسری پاکیزه از هاچر و لاد ت  
یافت که اورا اساعیل نامیدن، فلب  
ابراهیم لبیز از شادی و خرس و دیده اش  
از دیدار رزایه اند و موتا نیر کوش نشمن  
غیرت د ردل ساره زبانه کشید، و طفا نی  
سخت از حزن و تاه شهرا درا فرازکفت، و از  
خواب و آسایشی بمهره اش ساخت  
وکارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسل  
عیل و تحمل مجاور هاجر راند انت.  
درین طوفان روحی و انفاب نفسانی  
سه‌مین که زنده کانی ساره را از هرس فرا  
گرفت بود، جزو درساختن اساعیل وها.  
جر چاره‌ای نمیدید از اینه از ابراهیم  
خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بد و شوین  
نقده ای از آن سرمهن ببرد که دیگر صدا و  
خبری از ایشان شنود و از شنجه دیدار  
درین بماند.

پرآند ساخت تامرد را زیروی ابراهیم  
برجد رساند و از اطراف افراد براکند و -  
ابراهیم از جمیعت سخت کیمی و آزار نمود  
پسزنشت همه مصلحان ام کفرنگی کشت،  
و کم عرصه براستک شد و غیر هجرت افتاد  
لیاس و جواهر آراستند ولی این زرینه  
اعتنای نکرد، و دستگاه جلال شاه را به  
چهزی نکرمت و فکر شوهر عاطفه غاودین،  
او را در رزایه اند و موتا نیر کوش نشمن  
در شهر حران توقف نمود.

## ابراهیم در سر

قطع و خشکالی فوارسید و اسما  
بطور بس سابق ای بالا رفت و کارزند که  
حشتر راستین دهد، ولی در آن حمال  
اضطراب و اشتفتگی شدیدی احساس کرد که  
چار از ساره روی برتابت، و باز چون آن‌هه  
ساره مکرد دستخوش همان پیشانی و -  
اصطرا ب خاطر کشت، و از اینه و سختی

زنده میدارم، و همچنین هرده را بخواهیم  
بغیران خدیش بچنگال مرک مسحایر و جان  
رفت و غیر آن شدای اورا فریشاند.  
اگالینه شد ریماوره -

آتش شد وند های خروشان از هرس و اغوا  
و یاز گرفتند وند های ابراهیم را بسیخت  
و بکاخ داشت و اورا آزاد ساخت و خداه تعالی  
سوز وحدت آشنا را ازا و فریکاست، و آن را  
بر او سود و سلام ساخت.

پس از چند روز که دود و شعله آتش -  
فروشست، قوم مشهور ای عجب دیدند  
مشاهده کردند که ابراهیم سالم و سرخوش  
و آزاد باند موت مشغول است. این  
منظمه ایشان را تمحیر و میهود کرد، به  
طوریه از شدت انفعا و شرمنده کی سر  
هارا بینه افتکند و متواری و متفرق شدند.

## ابراهیم در سر

امن سرگذشت هجرت افزای و معجزه  
عظم، نمود را جز طفیان و دان  
نیزه زد ترا ابراهیم را دشمن دستگامجلل  
و یادم پنهان جهود خود میدیدهایان  
و ابراهیم را بسی خوش خواند، و با او  
بنای مجده و احتجاج گذاشت و وقت پی

امن چه فته است که بیارده، ای دایمن  
چه آتش است که افروخته ای؟ و آن کدام  
خداست که بسی او دعوت مونتی؟ مکر -  
بجز من خداش سراغ دادی؟ و باغه را  
من محمودی را سزا و اعیادت میدانی؟

کمیته د مرتبه ازمن افزون باشد؟ مکر  
نسیمه که تصرف و تدبیر ابورنف و ابرام  
قسا زاده است من ایست؟ فرمان من ناگذ  
و عذم قاطع است و مودم، چشم برجکم  
و گونزی فرمان من، دارند و همه بمن امیدوار  
و از من هر اساند آمیا با وجود اینهادر  
خداش من تودید داری؟ سهیم گفت:

چرا اتفاق و اتحاد مردم را بپرده ای -  
ستهایان را در هم شسته ای؟ پرورد -  
کاری که سویا و دعوت مینش داد است؟  
و خداش که خلت را بمنادت شرخواش  
کمیست؟

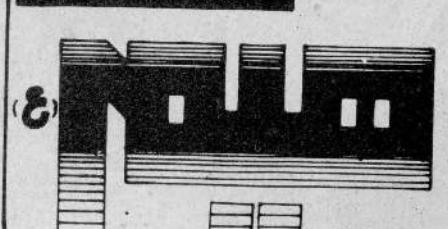
ابراهیم با اعیاد آرام و خاصی -

قطعنی دهان روان در جواب نمود گفت:  
بیورده رمن آند است ده جان من -  
بخته و جان می‌ستاد، و تنهای است که  
خلو را پیجاد مینند و ناید مسازد و موال  
بضم اهانی مینند و آن را تا پیشان عمر فخر  
و اجن مهد ردنها، دارند و روند آشکار  
ستهایان که خلت را بمنادت شنید، ولی در  
او هم نمود، تخت جهاریزد، ریشم شنید،  
و اینه از اینه از اینه از اینه از اینه از

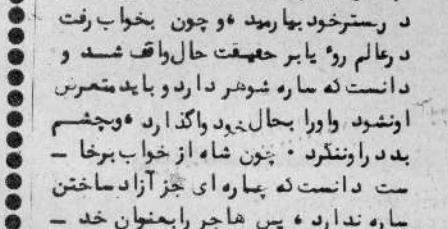
که: نهم هرده را بخواهیم، پس از آن  
دو نیزه مرد را با شودم داشت، ولى نمود  
ابراهیم درام امواج آتش و دود فربو -  
رفت و شعله های خروشان از هرس و اغوا  
و یاز گرفتند وند های ابراهیم را بسیخت  
و بکاخ داشت و اورا آزاد ساخت و خداه تعالی  
سوز وحدت آشنا را ازا و فریکاست، و آن را  
بر او سود و سلام ساخت.

۳۴

## شگفت



## راک



## اساعیل

ابراهیم با همسر سیمید و از شدت پیشانی  
از ساره بهراسید و از شدت پیشانی  
د رست‌خود بیارید، و چون بخواب رفت  
در عالم رو، یابر حقیقت حال واقع شد و  
دانست که ساره شوهر دارد و باید متعرض  
ویراهنایی خدای تعالی و در پرتو عناست  
او همچنان راه می‌بیند، تا بجای کعبه  
رسید، در آنجا بفرمان الهی هاجر و -  
اساعیل را فرود آورد و در آن سرمهن بس  
آب و علف، بحال ضعف و مستکت، و با  
سرمایه مختصرا از طعام و طرف کوچک  
از آب، ولی با قلیل لبیز از ایمان و امیده  
همجون سهند براش بهمار و پیشان می‌بود  
و سهل اشتر بدامن می‌بخت و آزو میکرد  
آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترد  
که نایر میتوانست از شیره، جان و خون  
دل و اشک چشم خود برای جکر کوش  
از آن و غذائی فرام سازد، ولی  
هیبات!

ابراهیم با همسر سیمید و از شدت پیشانی  
از ساره بهراسید و از شدت پیشانی  
د رست‌خود بیارید، و چون بخواب رفت  
در عالم رو، یابر حقیقت حال واقع شد و  
دانست که ساره شوهر دارد و باید متعرض  
ویراهنایی خدای تعالی و در پرتو عناست  
او همچنان راه می‌بیند، تا بجای کعبه  
رسید، در آنجا بفرمان الهی هاجر و -  
اساعیل را فرود آورد و در آن سرمهن بس  
آب و علف، بحال ضعف و مستکت، و با  
سرمایه مختصرا از طعام و طرف کوچک  
از آب، ولی با قلیل لبیز از ایمان و امیده  
همجون سهند براش بهمار و پیشان می‌بود  
و سهل اشتر بدامن می‌بخت و آزو میکرد  
آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترد  
که نایر میتوانست از شیره، جان و خون  
دل و اشک چشم خود برای جکر کوش  
از آن و غذائی فرام سازد، ولی  
هیبات!

آنکه مصربد و همسر خود ساره را زانیزمه  
خود برد، و در آن ناریخ حکومت مصسا  
پیک از پادشاهان عرب عمالیق بود که روز  
کاری در آن سرمهن سلطنت داشتند.  
تسخیر کشیده، پیرای اونظام تهمیرنا پذیر  
پیر مرار ساخته، و هر روز آن را از شرق  
طالع می‌سازد، پس توء اگر چنانکه ادعای  
می‌شی، و قدرت داری، و آن را از مضر ببر آور.  
در اینجا نمود زیر ضریت نمود مند که

استند لال قوی می‌بینند شد، و گمراهی و جمل  
عنادی از پرده بدر افتاد و در روند آشکار  
احصار کرد و از نسبت اوساره جویا شد.  
ابراهیم مقصود شد را دریافت، و ترسید که  
پایه ایانه تخت جهاریزد، ریشم شنید، ولی در  
برابرین حجت با هر پیشان طاهریه

می‌توانست کرد، از اینه اند پیشید که -  
اگر با اوستیزد و آشکارا دشمنی کند رسوا  
و مقصود ابراهیم گفت: او خواهی منست.  
نیزه بیزدایه، پس ناچار اورا بحال خود  
که داشت و در اینتار فرست انتقام پنداشت.  
ساره بدن شوهر را با خاکر داد و زبان

سیم نمود جاسوسان خود را بخواهیم

درین هنگام ابراهیم در جواب او -  
کفت: خدا ای تعالی خورشید را در چنین  
ستهایان را در هم شسته ای؟ پرورد -  
کاری که سویا و دعوت مینش داد است؟  
و خداش که خلت را بمنادت شرخواش  
کمیست؟

ابراهیم با اعیاد آرام و خاصی -  
قطعنی دهان روان در جواب نمود گفت:  
بیورده رمن آند است ده جان من -  
بخته و جان می‌ستاد، و تنهای است که  
خلو را پیجاد مینند و ناید مسازد و موال  
بضم اهانی مینند و آن را تا پیشان عمر فخر

و اجن مهد ردنها، دارند و روند آشکار  
ستهایان که خلت را بمنادت شنید، ولی در  
او هم نمود، تخت جهاریزد، ریشم شنید،  
و اینه از اینه از اینه از اینه از اینه از  
که: نهم هرده را بخواهیم، پس از آن  
دو نیزه مرد را با شودم داشت، ولى نمود  
ابراهیم درام امواج آتش و دود فربو -  
رفت و شعله های خروشان از هرس و اغوا  
و یاز گرفتند وند های ابراهیم را بسیخت  
و بکاخ داشت و اورا آزاد ساخت و خداه تعالی  
سوز وحدت آشنا را ازا و فریکاست، و آن را  
بر او سود و سلام ساخت.

د و نیزه مرد را با شودم در پرتو خوب خوش

## بجسور با «تلای جادرونه»

سوان کار کرد هایم در بخش  
د رام های رادیویی و اجرای -  
پارچه های تمثیل رادیویی و  
تلوزیونی - مروفیت برجمته ۱  
در اوایل بخار اسلام نوشتن  
ستانایی فلم تلویزیونی "ندای  
مادر وطن" بود که تمام کرد  
وعنقریب به کارگردانی عزیزالله  
هدف روی من خواهد آمد .

تمیه کنند مذکوه هاجر

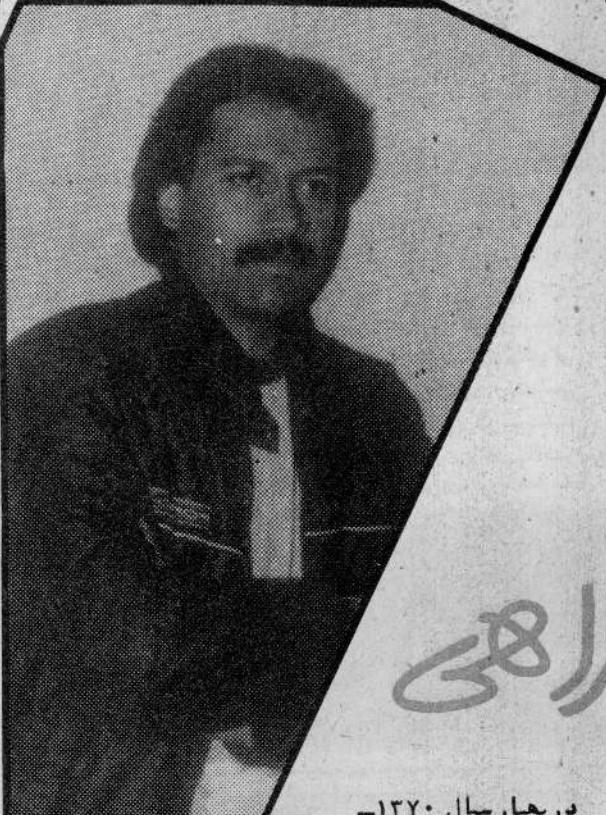


## هدف للخن بی عمل نمیخواهد

داشته باشم که نظر به محدود  
دیت هایی سفرم به تمویق  
انداخته شد ه کارهای کوچک  
و رادیویی ام را آن قدر قابل  
یاد آوری نمیداشم .

نمیخواهم برای علامه مدنان  
هنر و خواننده گان مجله  
"خن بی عمل" داشته با  
شم من در اوایل سال تصمیم  
گرفتم سفری به مراشر - ف  
نمایند .

در بیان سال ۱۳۲۰ -  
کسرت جدید تلویزیونی داد -  
شتم که شامل پنج آهنگ بود .  
به مشکل د و آهنگ شامل  
کسرت را اجرا کرد و بنابر  
نهود و کمود نوازنده گان نتوا -  
شتم سه آهنگ دیگر را شت  
نمایم ه امده رام ریاست رادیو  
تلوزیون گشود که این ریاست رادیو  
اصلاح هست ثبت آهنگ ها با  
وسایل موسیقی را ایجاد نماید  
تا آواز خوانان ماید و سنته کی  
کارهای هنرمندان را در نیال  
نمایند .



## راهی

## یاستیزی با حل: نقشی برای عیر

در طی چارماه اول سال در  
تیاتر آدم هان نقش مرکزی را داد -  
شتم که خوشخانه در فیلم  
تیاتری د رسطل کشور جایز -  
اول را گرفت و افزون بر آن در  
همین گذشته هافلم کوتاه نهاد -  
عن سایه به کارگردانی نصیر -  
القالس به پایان رسید و به نمایانه  
پیشگذشتند شده فیلم مشغول  
تئاتر خواستگاری مشغول شو -  
آنست که به  
امن زندگی ها به نایاب خواهد  
آمد .

هماسخندی:

در

جر

یان

چار

ماه

در

فیلم

تیاتر

آدم

نقشی برای عیر



ف. فضلی:

## دالزدی... که

نويکي مه خپله هم بول لو بوم  
دنوي کال او اخترنويه ناست  
من درادبو له باره انه تشنلي  
بارجي جوري کري او دغه رازه  
هدمدو هنستونو من دلچيز  
بون له باره هم پنهه يارچس

جوري کري چن به دلوکي سبي  
برنه هم در لوره دغمه راز  
دبانوگرهه تهاتر کي من هم  
رول اجره کم او دکونکه روی او  
کجراهه فلمونوکي هم بنتابنه  
او دستانوئه رزی کم او پنهانه-



## مشعن هنر ياره پهچنند لاشمه؟

شام دفته هنر ياره نامه در  
تهاتر نويکي (ادمکه) نتش  
دانشوهه حمه معادر دايرکت  
كارکرد.  
بارجه کوناه راد و عهد  
در سرمهال دکونديه جوري نتش  
داداشت. ودر فلم "اکستن نهار  
رول را دب کردم، بروانه  
ونتش هم دران داشتم حال  
شما بکویدهه چن نکرده ام."

پرسيد. جقدر فعالیت -  
نکرده ام، در رادبو دراهها  
و دستانهای دنیاکه داره  
نتش داشته ام وهم ره کرده ام  
در سرمهال دکونديه جوري نتش  
داداشت. ودر فلم "اکستن نهار  
رول را دب کردم، بروانه  
ونتش هم دران داشتم حال  
شما بکویدهه چن نکرده ام."



## په خير...

نویه ناستونوکي به لند و  
تعجلی بارجو کي هم برنه  
در اوده داله ماشو ماشو سره  
زیاه منه لري و شکه نور  
ما شومانه برو گرامونکي تسل  
کمه وابه او دنه رازد و شوالو  
دبونه بولوه: ایني یتعلمه  
ترمیش سیانونوکي هم برنه  
اخیش ده دزدی د به خبر  
بیشهه رانک هیلهه کو.

فصل کي ما دولس نهی سندري  
به رادیسو او بلو یزیوسه  
سو گرامونوکي اجر اکرپی  
او دندخ شان مود شامحمد و  
مو مند سره دخوشحال دغه هنکي  
پولس عنري دله جوره کهه او  
لو مرنی برو گرام مود گل او غزال  
په ناه د بیشندره و سنه  
و تلخیده او دنوي کال او اختره

## د حاجی محمد کامران

## الوته

د سرا او یون کارهه نهی  
موهه کي زیاد (ادمکه) به تهاتر  
کي دوه دغه نامشناه همی به  
تلخیده کي هم نشر شو د -  
افغانستان د هنرمند اتو اتحاد  
هی لخوا به حورشی فستیوال  
کی هم لومړی هقام او جامهه و ګډه  
د دغه نامشناه. لکنه دقدیر  
جهانپیشیه او دستانه یکدله  
خوا دايرکت شوی و نورخو  
به نوی کال او اخترنويکي اس  
لندي نشلي بارجي احرا کري  
او دیوستن کارهه نهیه انتقا دی  
بارجه و چي له همنی سو مه  
هم الوته و کوهه.



## آيا جي داشت پید؟

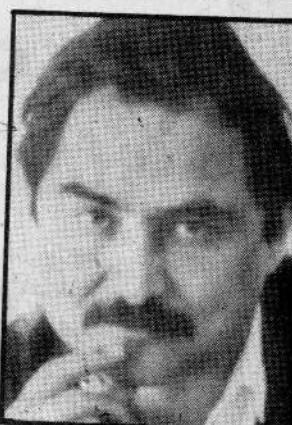
### ویشن محمد هلو من دی

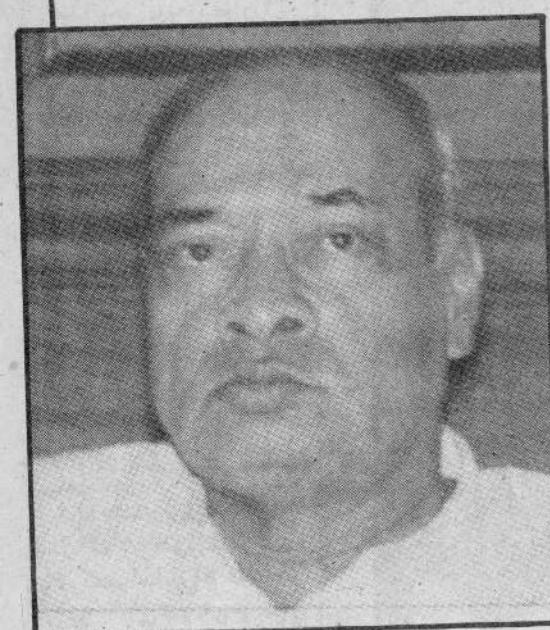
و به دهه منه او شوق کار  
کو د سرتیوري خدمت به پایه ه  
رسولونه موسته ریاسته را -  
غلم نزاوهه من به هنری برخه کي  
د هر کار لدی کري و خوشبیه  
په هره میاشت کي من یو نوی  
سندره پیلس ده. همهه من هم  
دنوي مامونت سره زمانی  
سندری هم زیانی شی.



### جوانشیز حیدری و کفار

در طول چار ماه اول سال  
مقربی داشتم به کشور تاجکستان  
نافلم مشترک افغانی و تاجیکی  
را زیر نام گلنازه کار گردانی نهادم  
اين فلم با هرسونل فن سینمایی  
هر دو جانب رنگمنی سکوب  
تهیه خواهد شد و هنری شیه  
کان هر دو کشور رآن نفس  
های خواهند داشت. کار فلم  
پردازی و شوتینگ آن به زودی  
آغاز خواهد شد.





# ۳۵ مملکت کوفت

بعد از حار و بحال ها آقای ناراسیم  
را به شاهه گاندید سارش سربلند لرد.

میان آقای وست سوتی به پشتیبانی آقای ناراسیما را و سخن زد و از آقای د نیشنمنکه تقاضا به عمل آورد که کمیته کار کانگرس میکند در حقیقت جلسه مذکور توسط ففاداران "داوان" دعوت گردید. باشد هر چه زودتر نام سپریست ریاست را نشانی دهد. بالاخره آقای شزاد پاورتا پایان انتخابات از ناراسیما را پشتیبانی کرد. درین جریان انتشار اتفاق خورانگیزی به وجود آمد. به این معنی که آقای ارجون سنک نوز از ناراسیما را پشتیبانی کرد و آقای تیواری هم به پشتیبانی ناراسیما را و شاهه داد. به این ترتیب آقای ناراسیما را به مثابه گاندید سازش سر بلند کرد. موصوف کوکر طبیعت دا رد و کس از او بکری نکرد. است این مبالغه شاند هنده آن است که چوا او موردندا. پرش تزار گرفته است. به هر حال از همه عی این جا رو جنجالها یک مسأله واضح گردید که رسیدن به پیاست چوب معنی در دست گرفتن همه عی قدرت را ندارد. بسیاری از هواد اوان آقای تیواری فکر مکردن که بعد از انتخابات موصوف به یکی از رقبای سوخت در پارلمان تبدیل خواهد شد. آقای پاول اظهار داشت که ریس کمیته سراسی کانگرس هند خروجیست صدر. اعظم باشد که این مبالغه یک قدم عالی به پیشاست. مگر به نوبه خود یک تلاش مخصوصی سوپها و اصحاب از زیر پوش ریاست شانه خالی کرد اینها بر مسامه له انتخاب کانگرس به قعالوت آغاز کرد. بخش مذکور رهبر جدید فشار آوردند. در این پجه در صفحه (۸۰)

به گونه یعنی عادی توسط رهبران و با در غایب او توسط معاون آن تشکیل جلسه میکند. در حقیقت جلسه مذکور توسط ففاداران "داوان" دعوت گردید. در اجنباء جلسه طرح تصمیم گنجانیده شده بود. در طرح مذکور تقاضا از سوی ترکیب آنها از "عملیات داوان" پشتیبانی کردند. مگر پانزده ساعت تمام پر مونیا غشا ر آوردند ناریاست حزب را بهزید بولس او از پذیرش آن ایمه و زند. هچنان دوست این نزدیک به رهبر آموتابه چن اورا شوردادند تایه خاطر زنده کی خود و پذیرد. هنوز "عملیات داوان" بمه سودی نکراید. بود که کمیته کار کانگرس انتخاب شد تایه خاطر زنده کی خود و داری دند. از پیش از خاطر نشان سازد که آقای پاول حرف خوب راهم ریاست کار کانگرس را از این مبالغه شاند هنده آن است که چوا او موردندا. تر جنجالهای حزب در آن اشتراک کردند. بودند. جلسه به خاطر تنstem ستراتیوی اینده انتخابات دعوت شده بود. مگر آقای کارونکاران پیشنهاد کرد که تسا مسأله رهبری حل نکردد. همچو کاری به پیش نخواهد رفت؛ مگر جلسه صدای او را در کل خود و اطفالش با خطره کدام تضمیم اتخاذ گردد. جلسه با این یافت. ریسم موقف جدی اختیار کند. از آنروه حریات خود و اطفالش با خطره موافق خواهد کرد. در اینجا ایجاد شده با مرک راجهور را پرکند. مکر راهین میان ریس حزب کانگرس در ایالت مدیا پارهادیش آقای ارجون سنک پیشنهاد عجیبی کرد. او به همکارانش گفت: "حزب کانگرس سقوط خواهد کرد وکشور پارچه خواهد شد"؛ برای آنکه هردوی آن به روی صحنه ظاهر شد و خانم سونها را پیش کشید. ریس حزب کانگرس شود. آقای داوان را کیوی از رفقاء راجهور که نیز کرد. پس باید که همه از سونها تقاضا را عمل اویم تا مسولیت را بهزید. مگریک تمداد کنی از آنها جرئت کردند

# ۳۶ مملکت کوفت

سوسنگانی سال نهم احساساتی از  
سیاست رسانه ای از احوالات

ترجمه آسایی

که در برابر پیشنهاد قرار گیرند و از آن

جمله آقای کارونکاران از هواداران سونها پرسید:

"چرا در انتخاب رئیس حزب عجله داری شته باشیم؟" پیکار با لای ایشان که راجهور گاندی

باشد به جای مادر شریعه حیث صد راعظی انتخاب شود. به هر حال پیشمن ها ن

روز که راجهور به قتل رسیده آقای داوان اشخاص چون "ماتاپش شرما" مجدهش

تایلره غلام نیو آزاد، فوتیده رونکن -

همانا انتخاب پیکار بود که بعد از تقدیر راجهور گاندی برای چندین روز حزب مذ

گور نتوانست کس را در ریاست مقام ریاست انتخاب شود. باید گفت که افراد غرق -

الذکر همه همکاران شخص راجهور گاندی در امور میاس بودند. مگر وقایه کمیته

کار چهارده نفری حزب کانگرس در همان

نشسته مصروف زن و پیشتر میعنی جانشمن

گردن شخص به جای راجهور گاندی بودند چنین جار و جنجالی بعد از انشعاب سال

۱۹۱۱ در حزب مذکور بد وجود نیامده بود.

پیکار دیگریک آدم که لیاس آستمن کوتاه

و رهبران سیاسی گهها را هماهنگ سا -

خت با رو خود را خوب بازی میکرد.

وقایه خانم اندرا گاندی کشته شد، همین

در حالیکه اعضا کمیته کار حزب کانگرس

آن را بد رفه مکرر تهدیه الله آباد فرماده

شد. پیکار هر سیش تن توفی میکرد تا

سکواران آن را از نزدیک بینند. در -

حقیقت معرفت کور آغاز گرد و هم مر حیسه

کهایان انتخابات بود.

مگر حرف عده برای حزب کانگرس "اندرا"

همانا انتخاب پیکار بود که بعد از تقدیر راجهور گاندی برای چندین روز حزب مذ

گور نتوانست کس را در ریاست مقام ریاست انتخاب شود. باید گفت که جسای راجهور را بکورد و با اینکه جبهه واحدی

برای انتخاب سونها گاندی به وجود آید.

رهبران حزب کانگرس در عقب در ها

کار چهارده نفری حزب کانگرس در همان

روز با هم جلسه کردند. نتوانست که

بات مهدیدا اواهی را اورا به عرض خانم سونها

مورد پیشتوانی قرار داد. گپ او به جای

رسید راهین میان ریس حزب کانگرس در

ایالت مدیا پارهادیش آقای ارجون سنک

پیشنهاد عجیبی کرد. او به همکارانش

گفت: "حزب کانگرس سقوط خواهد کرد وکشور

پارچه خواهد شد"؛ برای آنکه هردوی آن

به روی صحنه ظاهر شد و خانم سونها

را پیش کشید. ریس حزب کانگرس شود.

آقای داوان را کیوی از رفقاء راجهور که نیز کرد. پس باید که همه از سونها

را جو اطلاع یافت همه عی نایش را باید

بیاورد . یه گئته دا نفیدندا  
این رشته ه میش بسند از  
اکمال یه دوره کل تداوی  
دوباره صاحب قوه دیده  
دوره جوانی میگرد و در صورت  
اینکه میش مونه بوده و بوده  
میش سیده شده باشد . فیض  
موهای این دو باره سه اینکردن  
و قوه جنسی این هم با حالت  
جوانی برویگو داده  
— میش شناسحال چنینی  
ریشه گرفته ؟  
— من من ه آزمدت (۲۰) .

ریشه بیش جذب همچوی  
خواهد است و حالاهم کامل  
سرحال است .  
— هیتو تو زم چطور بالای  
افراد تا نه بینند ؟  
— هی تو تعلم بالای ۵۰ درصد  
اشد این تا نه در ده عده هیش  
ها زد تر و بیش ها ده عده تر  
به خواب مقاطعیس بیرون ده .  
بالات اطفال پنج الی پانزده —  
ساله زد شر از پانزده السن  
بین ساله بعضی زد تر بیش  
دیر تر و اشخاص بالاتر از من  
سی به بالا دیر تر به خواب  
میورند .

شما بین ایند که انسانها یه گئته  
روانشناس میپورا تریش .  
نیکوون فریب دارای دو ضمیر  
اند یعنی خود اکام و ضمیر  
نا خود گامه  
در حالت عادی ضمیر اکام  
(پایه د صفحه ۶۰)

## تو سیمه کردن چیزی روزگارسته کی کام: مریض یکی از شیوه صحای مداوی بعد از سیم یو سفی میباشد .

دن سکر نزد چند تن و تداون  
یه کام ۳۵ ساله که از مدد  
سے سال بدینسو از نفس تنگ  
شیده شکایت داشت و تد اوی  
طیو براپیش موثر واقع نشده بود  
و همین طور نزد چند نفر  
دیگر که بیمار بودند نتایج شنه  
تمامی کنده را بدمست اوردند ام  
نمایاند .

— آیا تنها ورزشکارانکو  
نمیتوانند به این نیرو مخصوصاً قبور  
وی روانی دست بیابد ویس ؟  
— نه خبره نیروی همایونی  
انسان که قله متدکر شدیم  
در تمام افراد وجود دارد که  
استثناء در بخش انسانها  
فعال میگاهد ولی بقیه انسانها  
نمیتوانند این را بصورت کمیس  
با قبول ریاضت ها در وجود  
نمیگاهند .

من این خام راهفته همک  
پارتحت تا شیر خواب میگم .  
طیس قوارداده و در همان  
حالت براپیش هدایت میدهیم .  
این خام که هر روز با خود  
درواداشت و بدون آن بیک .  
 ساعت هم زنده کی کرده نمی  
نمیتوانست و حتی در هفتگه نشند .  
بنی بار به شفاخانه هامی زفت  
و اکسجين میگرفت فقط بحداک  
د و میون تجربه ، تمام دواهای  
خود را قطع کرد و خلا همچوی  
نهایی به اکسجين هم ندارد .  
من کامله اطمینان دارم که  
این خانم بعد از چند تجربه دیگر  
صد درصد شفایاب میگردد و هم  
زنده کی عادی خود دوام .

میگهند .  
— چه وقت متوجه موجودیت  
این نیود روند خود شدید ؟  
— د و سال قبل به شعبه  
ان شروم نسود .

— از آن وقت تا حال از این  
نیرو درجه موارد استفاده کرده  
اید ؟

— فعلاً از قوه مقاطعیس در  
تفقیت ورزشکاری هم ، اجرای  
صلیه های همتوثیم و تدا و  
میخان استفاده مینمایم .

— در مورد تدا ویتان چونکه  
تان لطف نموده معلوم است هدید .  
— در تداوی میخان من از —  
روش هنها و تقویم و چیزی .

استفاده همیکنند . کابل یاد اور .  
یست که در ابتداء این شیوه  
توسط پکی از داشنداده روا .  
نی شوروی بتان بیوی سفونی سه .

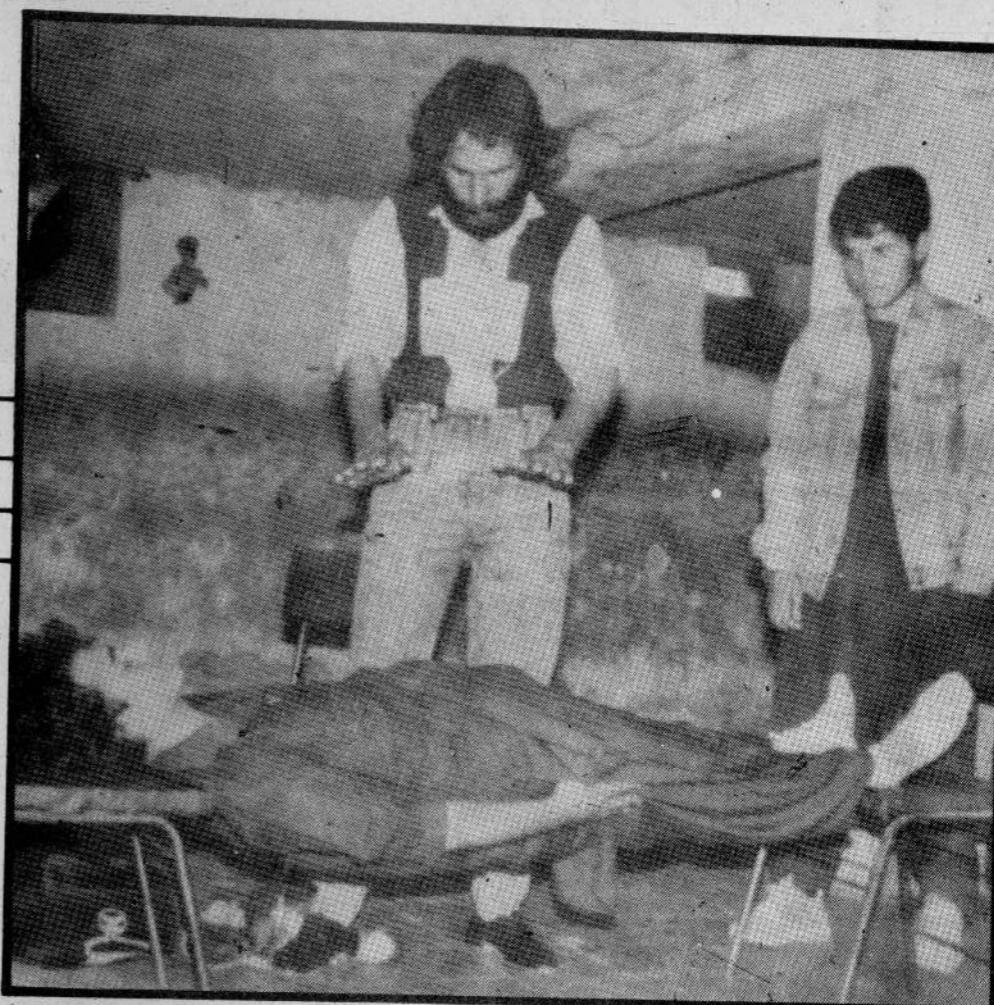
اسان کذا نه شدو بعد اینکی  
از استاد ان روانی ایرانی بتانم .  
استاد کاپوک اتراعی عمل نسود .  
فلاه کتاب ان بد مسترس  
من قوارکه که با ازیماش  
نمودن تجربه ای نتایج شنه  
و قافت بخش بدمست اوردند ام ؟  
که توسط هیتو تعم در ترک نمی

نمایانه ام به چنین حالتی

دست یا هم پس بجا است

که کاچ خوش را به چنین نام

نمایانه ام به چنین نام



مما جمه کنند : دکتور ظاهر ایوس

# د ر ط ب ا ب ا ل ل ع ل

# د ر ط ب ا ب ا ل ل ع ل

عبدالرحم بیوفی جوان ۲۱  
ساله همچهل صنف چارم بود .  
هنچ طب معاصر ایستاده .  
طب کابل و بینانکدا رو روزش —  
کانکو در افغانستان اخیراً  
متوجه موجودیت نیروی پنهانی  
در وجود خود گردیده و غلامه  
بنابر کفت موصوف همچوی  
انسان دا را پنج قوه درو .  
تن میباشد که عبارت از :  
نیروی ایمان ، نیروی فکر  
نیروی اراده ، نیروی خمال  
و قوه مقاطعیس است . که  
هیتو تعم جزا قوه مقاطعیس  
میباشد .

او باد این چار خط در .  
سال ۱۳۶۲ کل کانکو شوا  
راد رکشور ایمان کذا دست و از  
آن روز تا حال هزاران جوان  
را با تکمک ها و تکمک های  
این ورزش تعلیل آخنا ساخته  
اکون معرف تعم دادن .  
دو هزار تن در پنج کلس  
نمایند .

اوکه ورزش کانکو را خوشنی  
ورزش ایمان ساز مدادند در  
تلاری سیه تا به مراه طالیتر  
این ورزش دست بیابد که دیگه  
راه وظیفه های هم داشته  
اید .

آنروزکه با او مصاحبه داشته  
هشیت و هیروی کلک های او از  
 تمام کوشه های کابل در هم  
جمع شده بودند تا پیرامون چند  
وضع باهم مشوره نهادند که  
یک از مسائل مورد بحث تغیر  
نام کانکو که نامکننده "فرهنگتاره"  
تو و روان افغانستان ای بود .  
که با تایید هم مورد قبول  
فرار گرفت و من سوالاتسم را  
با این سوال اهواز کردم که :

— چرانام کانکو که داشته ؟  
هنگستان تن و روان "فر .  
یک کانکو کار و حق به مراحل  
پیشرفت ترا وارد میگرد نیروی  
جنس روانی ای ای قوه من  
گردد و قوه روانی پنج کانه  
که فو قاه مذکر مقدم اگردر  
وجود دکس فعال شود کار  
های خارق العاده انجام داده  
نمیتواند که خود پنهانه من

آنها هنوز هم ملتهای وجود دارند که  
دارای اسلحه هستند می‌اند . آقای بوش  
نگران بخواصنرا درمورد اسلحه  
هستند که در دست مردمان قرار دارند  
اظهار داشتند، مگر جنان معلم هستند .  
که خطر شوروی را مردود نمودند .

به این ترتیب پیمان کاهش سلاح  
ستراتژیک برای نخستین بار بعد از اتفاق از  
سایه "تسلحاتی" بین ابرقدرتها و نظامی  
به امام رسد . عده‌نامه موصوف چهار  
جوبی را بدست مهدوی که برمنای آن املا .  
ناتکاهش مجدد (اسلحه) بدون ضرورت  
به جنبجوی راه دراز پرداخت، می‌گردید .  
می‌گردید . با نیت پاد آوری ترد کاهش .  
مجدد اسلحه نیز لازم و ضرور است، نهرا  
برمنای (۱ ستاره) اگرچه بفع و در صورت  
کاهش در اسلحه صورت گیرد باز هم اتحاد  
شوری ۲۰۰۰ واحد اسلحه هستند می‌درد  
برد و هزارها واحد اسلحه بود که تا در زمان خار  
بر خود موجود دارد وزنی آن را نابود  
خواهد کرد که املاات متعدد به نابودی  
ذخایر خود موافقت کند .

برعلایه کاهش اسلحه ستراحتی .  
هرحال، قبل از آنکه آقای بوش آخرین  
کام سفربرای طرف شعر کتف بردارد با  
آقای گریج پیمان کاهش سلاح شتران .

توافق آنها برکنفرانس ملح شش ماهه .

که در زیارت ابرقدرتها خطا می‌نمایند  
امیدواری بیشتر را به وجود آورید . هر  
دور هم بر تلاشها به خاطر استقرار آتش بس  
در پکن سلاوی تاکید کردند، مگر در مورد  
افغانستان، که همچاون پکن همراه بودند،

حل ناشده مانده بود . که بازی در مرکز  
رقابتی آنها قرار داشت .

که دام اعلامیه می‌پخشندند و اموش  
مانندند . در جلسه سران اظهار عقده

گردید که واشنگتن و مسکو اکون مسامیل  
مسذکور را فرعی تلقی کرده، در  
حالیکه مسایل مع همان اتفاق همکاری  
دوچاره آنهاست .

آقای بوش در جوان سفرخود، آخرین

گامش را به شهر کتف، مرکز جمهوری  
اوکرائین اتحاد شوروی گذاشت . موصوف  
در جمهوری اوکرائین ملاقاتهای رانجاماد  
د . اوینانه بی درباره این آن جمهوری  
ایراد کرد که این شهیانان دموکراسی

استقلال و آزادی اقتصادی چی در مرکز  
وچی در دیگر جمهوریها پیشنهاد می‌کند  
الیه پیشنهادی اول را استوار است .

به هر حال اشاره میکند . هردو تاکید کردند  
موضع اشاره میکند . هردو تاکید کردند  
که موضوع مصلی نسبت و نعمتوانند که توادخانه  
های شان را پکره بینند؛ نهرا به نظر



نوشهه ذین الله آسای

در ماه اسد سال بروان، سکو شاه .  
جاده بزرگ در تاریخ پیش بود . سران  
املاات متعدد و اتحاد شوروی با هم نشستند  
و بعد از گفتگوهای پیمان (ستاره) .  
پیمان کاهش سلاح ستراحتی را می‌نمایند .

در گذشته، هنگامیکه رئیسجمهور  
املاات متعدد امکان وارد میکرد .

در منطقه البروج دیبلوماتیک تمثیلی  
در محل سازه های بود آنده . آقا ی

رونالد ریگان سرکله اشرا از گفتگوهای کرد .

ملحق بیرون کشید و اعلام داشت که دیگر  
اتحاد شوروی را به نام (امپراتوری شیطانی)

می‌دانمیکند و به این ترتیب جنگ سرمه .

پیمان یافت . مگر اکنون بارگشتن جویج بو .

بن به مسکو، تمثیلات در موقعیت  
سازه های بی وجود نماید . آگرچه این

نخستین سفر آقای بوش به مسکو بود .

در عرض هردو رضایت شان را به مثابه .

سیاستمداران فعال که در عمل بر می‌سپل

می‌باهم کار میکنند، نشان دادند . به .

هرحال، قبل از آنکه آقای بوش آخرین

کام سفربرای طرف شعر کتف بردارد با

آقای گریج پیمان کاهش سلاح شتران .

تمثیل را امضا کرد . بر اساس پیمان

مذکور می‌پیماید اسلحه هستند می‌توانند

شده در زادخانه های هردو شکور کاهش شر

داده میشود . آقای گریج در مراسم

امضا پیمان مذکور اظهار داشت .

که: امضا پیمان برای همه جهان

بالریزش بوده قدم بزرگی در راه خلیج

سلاح خواهد بود . خداوند را شکر

گذان که مان را متوقف ساختم و عقب

زدیم .

چنان چناید که برای نخستین بار

ابرقدرتها و نظامی درصد تقدیر و کاهش

اسلحة در دور بود هستند، که تو ایا بن

تخریب هردو جانب را داشت، برآمدند .

به هر صورت با استفاده افزایش آقای

بوش نیز حرفهای را اظهار داشت .



استعداد بوازی دیسان لباده  
ونه سان بلکه نویس هم شری  
بعد من کل اوسوانو هنرمندانو  
دده نه داستادی هیله  
دکه بزمی روی رهنا زیص کوچه  
کینهوده بیاره دین محمد  
امشان موند، غلام محمد قره  
با غس او تیرو موانتونجتی  
به کوزه پیشتوخاکی مثوابو  
سندرغارو ده نه دشگردی  
گزه کینهوده اوکلزمان به دمه  
منه دمو که زده کوه پسل  
کره کلزمان نه هواری پنه  
انغانستان بلکه یه هندوستان  
ابراهیم خوش، کوه، مغلستان  
او دشیوی اتحادیه ایسو  
جهعنونکو کسریونه اجرای  
کول اوجیه می فیزوی بروخت  
به تاسیستان کی ذکارت  
ورکلوپه جانان کی تاجکی  
هرمندان دده دواهی فیزوی

به چی کلزمان سندری پهلس  
نویسیلی بهله هری کرکی  
او دره ای شاخه هایسته  
تر: و (اغوندی مندی داتوی  
زلفی جوزی کوه به تهدی)  
سندری وونکی سوان رویش  
کلزمان به دی پوهه  
چن دده عده غدغه سندری دخلکو  
خوشیزی نویه دی بهه می  
سندری وله ده دام ورکه د  
دوه لومزی بهاله المپ وو جس  
دخلکو نزیونکی لاه بید  
کری و  
ده سره بنه نه بوازی د  
ده دهه نویسونکو درلود  
بلکه نویه سندرغارو که هم  
ده استعداد معلوم  
وو اودده به هار اوکان  
امان درلود؛ نوکه دده نه  
داهمه هم پهل شو چس  
نویه سندرغارو ته سندری

واد کلزمان کلیوالو اوالس  
غونیتل چی دی نورهم دشتت  
پیر و نورسیوی او بشه  
هله هم داه چن دده له  
سندرنه هنینه هم خوند  
واخلي او دندغه غمی لعلوگری  
معک نویه له ده نه همه وکه  
چن رادبوته درش ده هم  
داغونیل اویزه بی تلوسه درته  
درلوده؛ خوبیله بی نه  
پیشود، هم له دی کلی  
چن پهل به می رادبوه سری  
غز خرابی اویل هم داچس  
رادبوهه به نه بینهده، خو  
کله جن بی پلار سره تسد و  
خاره کی کینهوده نویه هم  
نویه کلی کام تندکه کرا ی  
شوابدیکها ولات والی  
تیمه همه وکه اورسی مکوب  
می به لاسور کرچی رادبوه  
مراجمه وکی  
کلزمان رادبوه راغی  
اما تحانه که کنست  
نصرالله حافظه چه همه  
وخت دیپتو موسقی مشکل وو  
واسی :

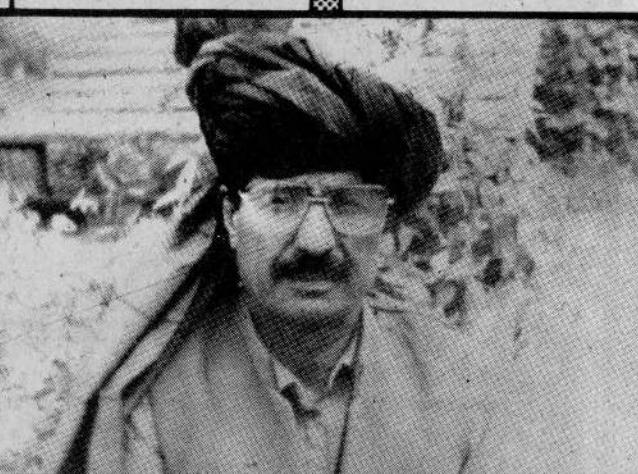
(ماه می وویل چن رامه  
دکلزمان به ناه نویسان بنه  
پیشتوسند روکی امتحان ورکوی  
کله جن زمرلتموں لندل چس  
دری وویه دی اوکلزمان داسی  
بانیسته غزیلی اویس سندری  
واسی چن دسری نه فسواری  
سلفونه وری کمن اوسان وری)  
به دی توکهه ۱۳۴۲ کسال

کن د ۱ بیں شعیش نیز ی  
کلکی) سندر د رادبوه خپیو  
کی بوره د خوست د چنی کلکی  
که ولاه اوکلوا لوتزی خوند  
اخیسته ابریه هارلی  
حکم هی ازانگی لیلو، سنا  
به سینه غاره د لونکو اسلویه  
لیلو) یه هندخ کال دده لخوا  
به رادبوکی اجراشو، نویسونو  
کلزمان مواری د چن کلیوال  
نه وو بله به هنینه کلکی  
کی کلیوال کریمید لی رادبوه بولید  
ولایتمنو خخه به خلک کا بسل  
که په کلزمان بیسی رانل او دی  
به می دادونه د سندری هیله  
به خاطر بیو  
په هر کلکوالی واده کسی

پیشتوسند روی اویل همه هنر  
دی جن د کلکود خوشیدا ویاده  
خخه سرانه کری او په  
تنی بنه عصره راونلی؛ خو  
امنی تانیونه بی عهانه کلکی  
دی جن د چنی پرگزولوکی ماهر  
تروش د چنی پرگزولوکی ماهر  
شو اوغانه به می چمه غزوله  
نوریوی بیمه سوان شوی هم  
واونخونله حانه سو نه  
بیو، دار ت دار، نه  
دیور بیه هارونه له نهاره  
راوره او دواره ورنه به نه شوق  
دهنی بیزده کولوا غزوله  
بوخت شول ترخونچی دواره خیل  
استعداد. بهه واژمهه او د سند  
روهه وظیمه هم بعل وکر  
دلک نو د دواره د سندروهه  
اوجیم غزولو انجاری به تولو  
نری د اولو پلکوک خیزی شوی اویه  
هزراوه کی د دوی کوون ضرور  
شمبل کدهه، ان تری جن په  
کوو پیشتوخاکی هم دهه  
سندروهه لیوال کان زیات  
شول اویل بیه دی کسریونه  
پابل، داهمه وخت وو چس  
کوچن هلهکه به کلزمان سندرغاری  
وو اوتولو به دکلزمان سندرغاری  
د چنی اویه آواز تمنیونه  
کلی کلزمان اتلس کلن سوان و و  
خوده د بنه هنریه وجه  
به وو، نری گران او د هنریه  
نریونه وری کمن اویس اویه  
کلکونک رادبوه او رادبوه  
سندروهه کلیواله هم لاریه استن

پیشتوسند روی اویل همه هنر  
دی جن د کلکود خوشیدا ویاده  
خخه سرانه کری او په  
تنی بنه عصره راونلی؛ خو  
امنی تانیونه بی عهانه کلکی  
دی جن د چنی پرگزولوکی ماهر  
تروش د چنی پرگزولوکی ماهر  
شو اوغانه به می چمه غزوله  
نوریوی بیمه سوان شوی هم  
واونخونله حانه سو نه  
بیو، دار ت دار، نه  
دیور بیه هارونه له نهاره  
راوره او دواره ورنه به نه شوق  
دهنی بیزده کولوا غزوله  
بوخت شول ترخونچی دواره خیل  
استعداد. بهه واژمهه او د سند  
روهه وظیمه هم بعل وکر  
دلک نو د دواره د سندروهه  
اوجیم غزولو انجاری به تولو  
نری د اولو پلکوک خیزی شوی اویه  
هزراوه کی د دوی کوون ضرور  
شمبل کدهه، ان تری جن په  
کوو پیشتوخاکی هم دهه  
سندروهه لیوال کان زیات  
شول اویل بیه دی کسریونه  
پابل، داهمه وخت وو چس  
کوچن هلهکه به کلزمان سندرغاری  
وو اوتولو به دکلزمان سندرغاری  
د چنی اویه آواز تمنیونه  
کلی کلزمان اتلس کلن سوان و و  
خوده د بنه هنریه وجه  
به وو، نری گران او د هنریه  
نریونه وری کمن اویس اویه  
کلکونک رادبوه او رادبوه  
سندروهه کلیواله هم لاریه استن

دی جن د کلکود خوشیدا ویاده  
خخه سرانه کری او په  
تنی بنه عصره راونلی؛ خو  
امنی تانیونه بی عهانه کلکی  
دی جن د چنی پرگزولوکی ماهر  
تروش د چنی پرگزولوکی ماهر  
شو اوغانه به می چمه غزوله  
نوریوی بیمه سوان شوی هم  
واونخونله حانه سو نه  
بیو، دار ت دار، نه  
دیور بیه هارونه له نهاره  
راوره او دواره ورنه به نه شوق  
دهنی بیزده کولوا غزوله  
بوخت شول ترخونچی دواره خیل  
استعداد. بهه واژمهه او د سند  
روهه وظیمه هم بعل وکر  
دلک نو د دواره د سندروهه  
اوجیم غزولو انجاری به تولو  
نری د اولو پلکوک خیزی شوی اویه  
هزراوه کی د دوی کوون ضرور  
شمبل کدهه، ان تری جن په  
کوو پیشتوخاکی هم دهه  
سندروهه لیوال کان زیات  
شول اویل بیه دی کسریونه  
پابل، داهمه وخت وو چس  
کوچن هلهکه به کلزمان سندرغاری  
وو اوتولو به دکلزمان سندرغاری  
د چنی اویه آواز تمنیونه  
کلی کلزمان اتلس کلن سوان و و  
خوده د بنه هنریه وجه  
به وو، نری گران او د هنریه  
نریونه وری کمن اویس اویه  
کلکونک رادبوه او رادبوه  
سندروهه کلیواله هم لاریه استن

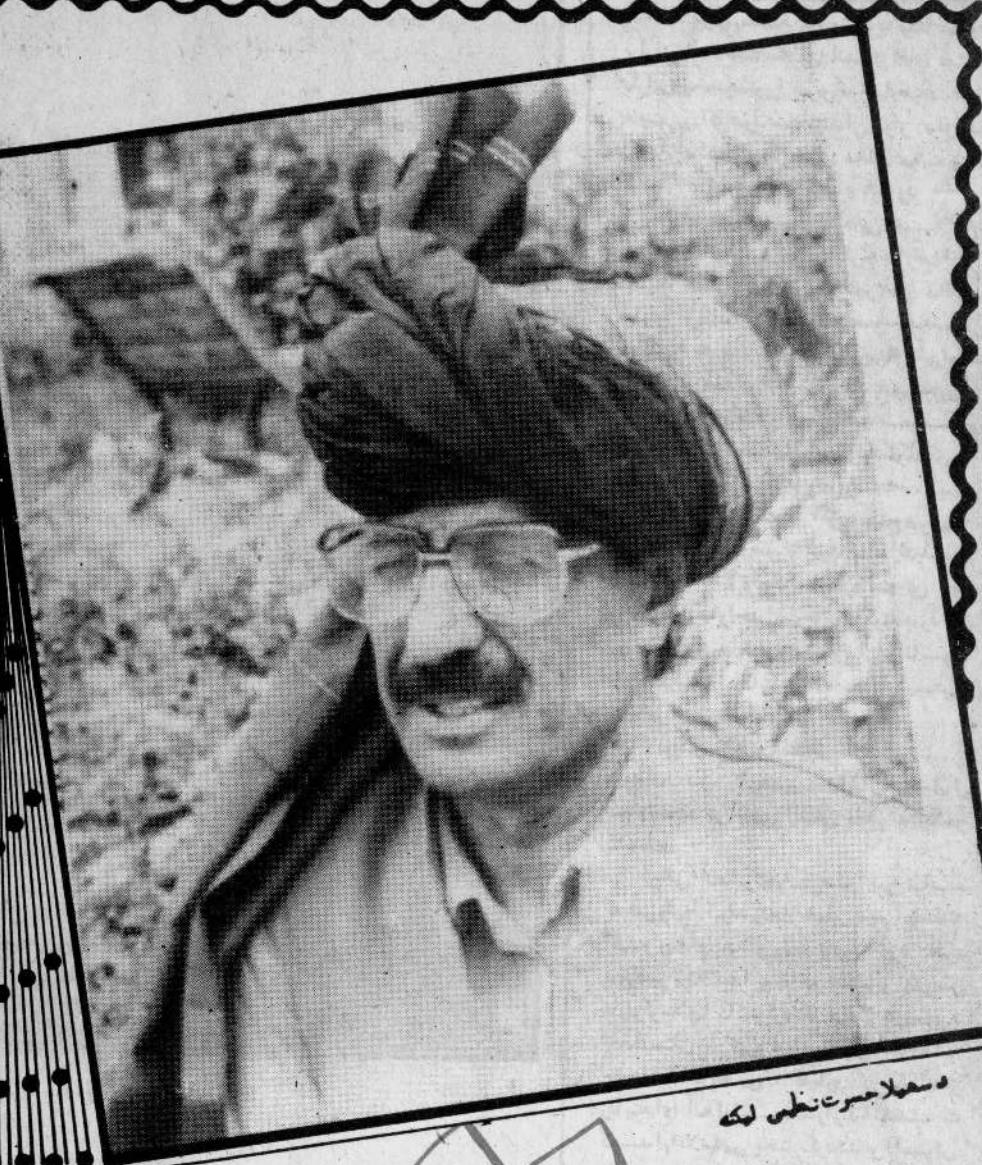


که حیوان شول؛ سکه دی به  
دایره کی په بی لاس (بیم)  
آوازهه کن لاس (نیزه)  
آوازیاس، دوی که راه بروی  
نورونک اوه زه بیزی ویه ریستا  
هم جن دکلزمان دایره هنفوی  
جن مشهوره ده هنفویه بی  
ساري و پنکل هم ده دده به  
شان دایره تراوسه هیچشونک شی  
هیچلایه دی به دایره کسی  
خیل محلی تکریونه او محلی  
تمنگری غزیه جن داده سوه  
اهه عانکه تیاده. کلزا ن  
سرمهه بردی، چن خیل محلی  
سانونه؛ لکه، پهل، ریاب  
پاتی به (۸۱) تاک کی

جوزی کری، ده داهه  
په لایری خویش ونه استاد  
او لموره سی!  
جزی محفل نوی ساقن نوی جامونه  
احمد ظاهر سی (او آنمه  
راس جانه زیا) اکلناه یکسی  
که می د راهه آشنا ستا  
دیدن لیاره نری سترگی  
نورونه، غلی سندره اویللا  
ناهید، رختانی، هرمن، او  
بیان شامحمد، دین محمد  
همالزیرو کمی پنکل سندري  
جوزی کری چن شیره سی  
حتن ده نه هم نه دی لعله  
په خاطر بیو  
په هر کلکوالی واده کسی

کلکی) سندر د رادبوه خپیو  
کی بوره د خوست د چنی کلکی  
که ولاه اوکلوا لوتزی خوند  
اخیسته ابریه هارلی  
حکم هی ازانگی لیلو، سنا  
به سینه غاره د لونکو اسلویه  
لیلو) یه هندخ کال دده لخوا  
به رادبوکی اجراشو، نویسونو  
کلزمان مواری د چن کلیوال  
نه وو بله به هنینه کلکی  
کی کلیوال کریمید لی رادبوه بولید  
ولایتمنو خخه به خلک کا بسل  
که په کلزمان بیسی رانل او دی  
به می دادونه د سندری هیله  
به خاطر بیو  
په هر کلکوالی واده کسی

**د سازونو او آوازونو**





نامه

دیاعب

از زیرفای تنهایی خویش من آم

سیلند

گردن افراخته

رساتراز تماش نای ها از تمدن فریادهای زمن

چه قلعه ه چه دشخوار

شماشب به تماش نشتم

عاشقان محتاج

د رکشاد ه تپین رو زها و شبان

حقیر و چه بسیار علیق شاد ه از کا و چرهای پائیز

به گداییں بودند

در تاریخ تپین دردها و بدخ

من

خوشید را بر همیع آستانه ای دستن به در بزد داشتند و ام

آموخته ام دل به دنیا هارهاتم

توفان دل ازمن به وام گرفته است

تا بر ماسه های گرمگیر غتان رفتن را قامت خم نکند

آنک ه کو سه ه بخوردند انبایش لحظه ها

و امید سویدش که ببر روی و موی من شگفان شده است

و اینک ه تو ه که میخواهی با مرک خونتکی

دگرا کون به فریاد نرسیده

دلی از ذرمه به زفالافتاده است

در تعلیق جان بونک عشق

با مضرابیں که کاه کاه بنواز دش

کهک زده ه کجح ه منک

به عشقی نه ه که میخواهم و به دست نص آید

به جانی ه که من بیشم وا رد مت من گیرید

لطیف پدرام



## دوبزموهار

رلشون، دې چې ېخ زلفى ناړتارښی  
ه کې شوېن کلی و کورونه د بهارشی  
د خودي پیاله به و نه خکن به ټوند کس  
هې د ډېټا ترڅاري سنا د فزو هارشی  
که به لاردي دوغا ګامونه کمېز دې  
د این لاری فوه زما به هم به لارشی  
دوصال یه نور و مثلس یکن پنه دی  
نه چن همس خوک د ستاد ښو بشکارشی  
که تپوس یه (( سمع )) پهایه خبر را ګلی  
ساله مخی به ګلزار قول (( جپرها )) شی

سمع الله سمع

## د شید و جام

ماړل چېن سنا  
ماړل و شنوله اور دو لاړ به  
مسوړ من کلی ته  
د میں اوږده لاره وهم  
اوږدې د خیال من  
سنا په لوړې ته ګوی نه و  
چس من د ډېټلېو مخته  
نامر له سترګو زېړې دل ماهمان  
د شید و جام کې  
له ډارا نوسره ولېډل  
اوز مادېښ لاره  
لکوړه نه شوه  
لا پس اوږدې پېړته {

۱۳۷۰ - ۲۲

کابل

کمال الدین سنان

مهنی د اشناه چس اسری و نس  
خبر دې چې خویي او که ترڅس و نس  
و د نوره زلفو یار چمجلس میں  
لپس به وجود من تری لپس، نس  
که چېن به ناز سره موسکن شی بار  
نوکله ګر نکونه ناتاړی و نس  
دې دېټې لاست کې د صبا پېړت  
ماړل چېن د ډیار دیجڅ خولس پنځی  
کله د بوز به از غو منځ شی  
غکه ډی پنځی، دې دېټو سټنی و نس  
پرېزده چېن به درکې ټې محظو شه  
آخر خویه دهه سترګ د لالس پنځی  
د ادوصال نوری دې واحده نس  
خله کې پنځی شی رنګي ایزمنی و نس  
حد ا الواحدې پیان

کشان مهمنا:

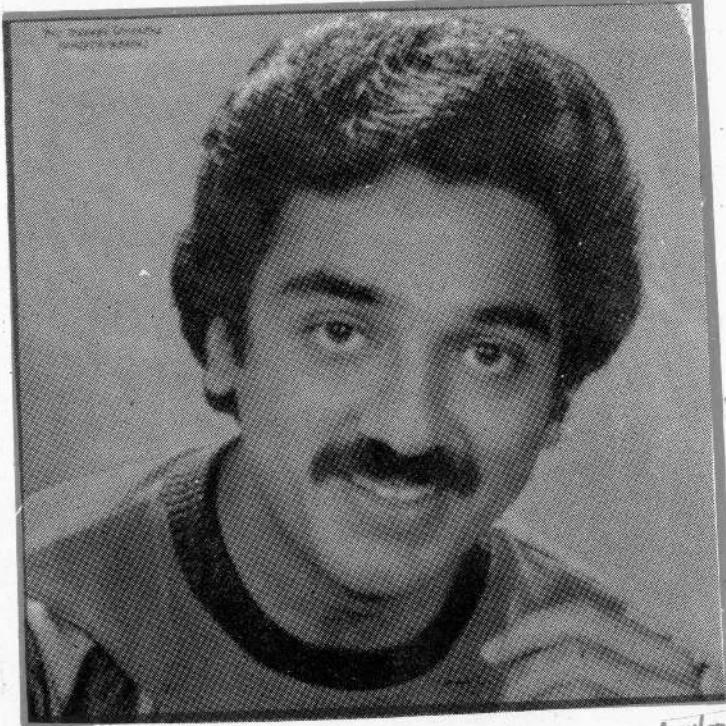
# دنیای سینما را تغییرداد

نلمسایی رانشانی کرد که زیر نالسته آن را سینمایی موای تعریف کردند . در فریجیا فقط اختلافای همین سینما با سینمای دیگر اورا کشت و تابود شر کرد . شاید کاربرد واژه کشنن برای اوناد رست باشد ، مگرتو ان گفت که مرگ به سواغش آمد . مسکن ازدیا . لکتک آن آکاهن داشت که نخواست به دفاع در برابر آن بپرسید . باتا سف که امروز سینمای مارا بیشتر خدمتمندها فراگرفته است ، آنچه سینما میخواست برا آن غلبه حاصل کند .

انسان در زنده گی خود چند دوست محدود میداشته باشد که در فراز نشمه ب روزگار میتوانند در کارش باقی بمانند . و تنکه سینما از زنها رفت چنان منبعو که کسی را از دست داده بی که با تو بزرگ شده است . به عربمال مرگ اوهم ماوهم دنیای سینما را تغییر داد که در هر صورت

امیدوار آنچه من میخواهم بگویم حرفهای محض در مرور دیگر انسانی که از جهان چشم پوشیده ویک یاد بود شتاب زده نباشد . بیشتر از چهار سال مشیود که اواز نیازنده و ماهنوز هم عشق اورا در دل دارم . توانایی راک خداوندی سینما داده بود . یا بعثت مشیود که یادش بیشتر در خاطره ها باقی بماند . من برای خستمن بار در سال ۱۹۷۴ در استیتو فلم پونس اورا دیدم . اویه استیتو مذکور آباده بود تا بیلوشیرا نعام کند . بادی می دن او با خود گفتم که چهار سینمایی دارد ، باید هر چه زود تصورش را گرفت . کشتن کسائی موجود اند که چهار هی چون سخت ادانته باشند .

سینما آدم را آگاهی می دهد که در زنده کی چی چهز میکن است و احساس داده آن چقدر فرض بینده است . او هم بی دو ران



کمل هاشمی

# سینمای ناکام هند

آنچه مرا به تپوت بمنزرا و امداد دارد اینست که اینجا عده کم سینمای ساخته بمن را به باد استناد و سازه مکرر دارد از هنرمندی ها کفرت ناکار رانه ای از هنرمندان هاوشاشتران ، اما کارهای اعماق کوئنه که است ، جوان دارد . مثل اینکه آب از آب تکان نمیخورد به خامودان چندی قبل مکن از کارگردانی نام اور سینمای هند به من گفت : " کمل زیره غلوب چاق شدن " میروی و این خطر بزرگ هر لحظه مکن است ترا از استنث بلند هیریوی شماره اول به زمین بمندازد " وقتی به حرفهای او فکر کنم کنم ناراحت ام بمنزرا مشود - آهاتام تلاش شیک هنرمندیه شاطریت هیریوی لافسر بودن است؟ آهابن خود پیک کمیدی نهست؟ مکرر تابع هنره جای از استنثیده ای ایز ن و سینمین فنیک حکایه خواهد کرد ! من باز است مکن که سینمای هند بعنین هنرمندان نویدرا به همین شوه ازدستدارد : جای شدن ! اصل شصتی نباید معیارهاو بدگاهی عزیز نمایش اجنبی ماراثشکل بدیهی دار کرمه سوی جشن آینده میم میرویم ، باید از همین حالا پیشینی کرد که از زندگی والایی به نام هنرمندگاه ناسله خواهم گرفت .

(نوشه) حاضر بخش ایت مصاحبه " خوانی کمل هاشمی با ازدشتگر مجله ستاره اند ستایل و نقد نظرهای این هنرمند درباره " سینمای تجارت هند است )

\* \* \*

بعد این ، این حنون از کجا به من زد که سینمای جنوب را وداع گفته ، جانب فلستان بجهیز آمد . در سینمای جنوب پیش اصل یزدیرفت شده وجود دارد ، تقدم هنربرجه شر ، در حالیکه در سینمای بین مساله " برعکس است اینجا به جهود حق اولیت وارجحیت داده مشود .

به عقیده من شاید مکن ازد لام ل شعرت موافق داشتن همین بائند ، به خاطر اینکه نیما می جهود مکن امامت است و امامت عزیز هنرمندیه دارد . آرامش صورت باکذشت هیزو زر معرض تعدد خطر بیرونی قرار مکنود ، اما هنرمندی کشت روکار به سوی جاوده ای کی میرود امروز وقتی به تابع نهضن فلم تجارتی ( که خود در آن نقش دار ) می آمدیم و آنرا باقلهای جنوب خودم تایم میکنم ، سخت خسارت نداریم میکنم .

جن کی لش .

آن مانند گذشته نهست . سینما از نیمه سالهای هفتاد و تانه سالهای هشتاد ، زمانیکه باشنا ، بنگال ، گوینده ایانی ، مقیاجت رای خودم و دیگران کارمکرد ، ارائه بخشنده سینمای هندرا به عددی داشت . با آنکه کوته زنده کی کرد ، مکرر ای اور در سینمای مخالفی نهاد بود . کمره اورا دوست مداداشت ویرای او کمره زنده گیش بود .

نخستین فلم من به نام بخوانی بخوانی در فضای دوستانه ساخته شد . سینما نصرالدین شاه ، ام بجزی ، موهن گویل و شاهمن جمالی بدون خواستن کدام بولی کارگرداند . علی الرغم آن در لیلمه باهم مکجا بودم ، غذامخوردم و چون اعصابی می خانوارده باهم زنده کی میگردیدم سینما زنی بود که طبیعت آزاد داشت و نسبت به رلهای که اورا آن کارمکر د روحی از ازدترد است . مردم در فلم بخوانی بخوانی رقص اورا به خاطر دارند . بازی مایل اش کردم تا ان را در درکشی ، با هم منظور شوتنگ را از سریلان ساختم . سه روز تام سینما و موهن باهم کارگردان ندانکه آندراتالب آزادی محلی درآمدند . وقتی اولم بخوانی بخوانی باهم کارگردان نشانشست ، گفت که واقعاً از قلبه ای بزرگ استه امروز فلم مذکور از قلبه ای خوب و دست آورد بزرگ برای محسوب میشود .

بعد از آن فلم هولی را ساختم که نصرالدین بیوی رلهای کوچک را باید رول کوچک را به عددی داشت ، اینها بروظاف دیگر نتوانست . در عمان وقت پندار فلم من وصاله به وجود آمد . او واقعاً همراهی من فلم مذکور بود . اور در فلم بول ن آزادی را داشت که میتواند کلمه " نی " را بزیان آورد .

من نعمتمند در عورود و تمام قضاوای زنده کی اوتیاں بگم ، نیزه که نیزه است و دین مختار نمیگجد ؟ مکرر همیشید . فکر همیشید . رول ترسناکی را بایش میورده که سینما خود را وقف آن ساخته است . به همین کونه از ایمارتا نام مکرر اونگامکی به بازگری خود فنا میگشید ، خیلی دقیق معلم میشود . و امن بود سینما ، سینما که تنهادر خود فروخته زنده کی نمیگرد . او همیشه میخواست که دیگران را درست دهد ، دوستی خواهد داشت و آنها بیرون و اینمکی از لایلی که جرا او هنوز هم در دل ماجارا درد .



خرم‌آشیون هنرمند محبوی  
تاجکستان در کار مقیده  
احمد ظاہر هنرمند افغان  
  
گلنازه و ستاره دو هنرمند  
تاجکستان که فر کابل تقد  
مهندزی و آشنا



خود را محتاج سایه ، همچو خست ججنون و  
آشفته ضمون منزه کرده بود ، اما سیه‌دی  
حقیقت زنده گی پر درخشش و فروزانش شد -  
فتر آزان بود که بتوان پنهانش کرد . زیرا  
او بوسه و خسکه گی نشناش (هـ امید سیه‌دی)  
کاپه‌رمیداشت و قلم موزد .

دنیں دینه دیردین پنهاد  
زمانه داستانه امیده دیار  
بیانات درن کد پر بد انیم  
که تنه ایست مرگ کاد میزاد

بارش رانقطعه تمام گذاشت .  
ای یا کهونهادو پاک سرشتی بود اسلام -  
له قلم و سخن که هنوز دوست بار شاهد ورق  
برگردانی بخاری امید بود .  
سه سال داشت که توسط آنواه اش  
به هرات باستان آورده شد ، تادراپین مدد  
من بیرون و تاریخی به معرفت‌هایی شما رف  
و سفرهایی به جانب سواحل روزوکنوز  
دقایق برتر دست یابد .  
وی نیز که به گفته "نژدی کانش روایان" -  
آرام و ذهن پوشگرمی داشت ، پنهان -  
در حست‌جویی و به پیش‌میرفت .  
در سفرهایی به سوی سرزمین معنویت  
 فقط از خداوند توفیق می‌تواست و کلا ،  
العن رایگانه واولین چراغ رعنایی برس -  
شاهراه زنده گمشدید است .

عبدالحسین توفیق شاعر ازست ، پرکار  
و متواضع که از لحظه لحظه "زنده گمشدیده نکا -  
هـ بود انت و پر خورد بالشیاه پدیده هـ ا  
وروندهای جاری محظوظ پهراون رخشنده -  
کی وتلایو توفیق ورستگاری مجهیده -  
سرانجام به گفته "خودش" ((بارانیست -  
بنهاده بودش)) حیات راهه مزله رسا -  
نمود و نقله بایان تلاش‌های سازنده و پسر

توفیق در بیرونیات و بیانکا به ترجیحه  
بن همانند شری در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ -  
تحریر کشف الطالب (آیات مبارکات)  
تران کم را لزی بخوان مجدد -  
سلطانی هست نمود .  
توفیق در طول عمر بیاران خارش  
دامان این خط روشن اندیشه و باورها برای  
لحظه بن رها نکرد . شور برس و عشق برد ل  
باتمام قوا جلو و جلو تر رفت و چندمین  
اثر دیگر را بیان اندیشه های قدیت -  
خوبیش به رشته تحریر درآورد . در این  
راستا همان ازالعنه نامه ، در خط قران  
الهدیر (جمعه بن در حال جذب اع  
تران کم که نظم گردیده ) ، برگرد شمع تران  
(جمده های شنوم از تفسیر شهور  
ملاحسن و اعاظ کائنی هری ) کله الموهن .  
العلیا و شماری از رساله های نظم و شعر  
دیگر از جمله کتاب التور (جمده کلامی  
از گلستان تران کمها ) را نام برد .





به گفته "دانشنده فرزانه" همروزگار  
محترم نمک سیور یوگین و بر جمیع ترین  
کاروعل استاد توفیق نیکارش "مسیح قرآن"  
جاید است که وی آنرا آنچن دفتریزد "گا"  
نمی‌آزویمکرد که چنین شد.

عبدالحیی بن توفیق از حضرات استاد  
 حاجی شمعون محمد طاهر قندهزاری که  
به قول اکریت، ملاسنه "زبان خود به شمار  
میزنه همچویست" بوده و از هموزبان عربی  
پیار ای علم مطلق منتظر و مطلع و حکمت را  
آموخت. سه‌بیان‌چنین پیشوایانه بروی مطلع  
و آندهشی غصراً پیشه گرفت. و در جوانی  
به انجمن ادبی هرات راه ماند. و هنگار  
های قلس‌اش شور بیشتر خشید.

اعمار آزاده این شاعر آزاد اندیش  
که به گفته‌ستادی نیض زمان در آنها می‌بیند  
در جویه‌ده (وطن) چاپ می‌شد و به همه  
کان قوت قلب و ایمان مداد.

استاد توفیق اکریت نیشه هایش را  
دولایت هرات به اسم مستعار "جام" بیشور

نباجات می‌شیر، سایه "دیوار، آسنه" د  
به ایند سیمه ها، بزمزار رونه گان  
نیای عیا، جام و دیوار جام و چند ن  
تایی دیگر کتمداد سیمه آنه ا  
به دو صدر بیست و هک مرسد. بخشی از  
آنده های قلی او در رشته های دیگر  
ست.

پالندو بی پایان باید گفت که امن  
جام هنرواد ب ازد سه اجل بروی سنگره  
شای تقدیر اتخاذ برو امن انسان  
برنگوار راشاد مخواهم.

سایون

در روزنامه "اتفاق اسلام" چاپ شد. اینکار  
جام، آینه خایق و یعنیت های جام  
س بود که شاعر در آن می‌نویسد: "جام"  
در سویه هایش اکه به نص و چهار  
هزار هرورد. پیشتر آینه دار عیان بوده  
است هر چند تعدادی از خاصیت فلسفه  
اجتنبی، عشق و توان خی را نهایت مامنه  
شعری برشانیده اسنه عشق و جوانی  
نوای دل، گلهای توفیق، نظرات اشک  
غولانها، سایه روشن، جام، طینه های  
دل انگیز، آهنگ صرا، جهان سا  
پندار، نقش تاریخ، جریه های ترانه و  
های سوخته گان، به فریزان من، روشنگران  
شکنن ها، هر آنچه اندوخته ها، جوهر  
جاییها، آسمانی، فانوس خیال‌السی



نمیتواند به خا نه بخت برود  
به عنوان پیراهن سید عروسی

اورا کهن بیوشان زیرا کس بخت  
دخترت را میزدیده اند حالا از  
هر چه برد آست بهزارم . از همه

آن ها نفرت دارم . دستهای  
جوانی من با دستهای کهنه

مردی مانند ظرف چینی بیوی  
سنقرش هوا و هوش شکته است

و من برای هر چارچه آن تما  
سرحد خسته کی گشته است .

کیهه دخترک رامجال صحبت  
کردن نموده دهد . کلیشی سر

پیشود . از چشمها زیبا پیش  
که در نظر من از آسان خدا  
پاکتراند قطرات اشک چون -

دانه های مریاند چون هم بر  
رخساره های رنگی دیده اتر فرو

بیزیند . پیک لحظه تصوری کنم  
بزرگشون بحرب دنیا پیش رویم  
سریزه کرده است .

دخترک افکهایش را با  
پشت دست پاک میکند و میکند  
بین حالاتم پیک آدم تنها

است . آدم تنها باز نده کس  
تنی و بوج و با آینده تما  
معلم . برای مادرها بنوی  
پسند که شایابه خدا توجه

دختران تان باشند . به آنها  
زیاد اجازه رفت و آمد به خانه  
دوست و همچنین راند بود .

- من بوس و حق آن حاده  
اتفاق اتفاق را والدیت وادر  
چریان نگاشت .

از آنها میترسدم ، آنها  
حتایه رامیکشند . ول ایکا شر

میگتم با دستان آنها از زیج  
مرکه تدریجی رهایی میافرم .  
بعد میخواهد برود بالاجار

قدم برمیدارد . من از عقبا و  
را مینگم که لزان در تما دل  
آهست آهست چون سایه  
عن ازیزی زین بچه پده میشود  
ولحظه بعد چون متایم

که افق زنده گیش را کم کرده با  
شد نایدید میگردند .

حالا که این سطور را منور

چهاره معموم و چشمها که  
آلود او پیش نشدم من آید و شاید

نادیره اثاث شنیدن پیک را دیگر  
وتانوشن پیک کنترار ساخته -

دیگر نظر خاطرم باشد .

جوانی من با دستهای کهنه

مردی مانند ظرف چینی بیوی  
سنقرش هوا و هوش شکته است

و من برای هر چارچه آن تما  
سرحد خسته کی گشته است .

کیهه دخترک رامجال صحبت  
کردن نموده دهد . کلیشی سر

پیشود . از چشمها زیبا پیش  
که در نظر من از آسان خدا  
پاکتراند قطرات اشک چون -

دانه های مریاند چون هم بر  
رخساره های رنگی دیده اتر فرو

بیزیند . پیک لحظه تصوری کنم  
بزرگشون بحرب دنیا پیش رویم  
سریزه کرده است .

دخترک افکهایش را با  
پشت دست پاک میکند و میکند  
بین حالاتم پیک آدم تنها

است . آدم تنها باز نده کس  
تنی و بوج و با آینده تما  
معلم . برای مادرها بنوی  
پسند که شایابه خدا توجه

دختران تان باشند . به آنها  
زیاد اجازه رفت و آمد به خانه  
دوست و همچنین راند بود .

- من بوس و حق آن حاده  
اتفاق اتفاق را والدیت وادر  
چریان نگاشت .

از آنها میترسدم ، آنها  
حتایه رامیکشند . ول ایکا شر

میگتم با دستان آنها از زیج  
مرکه تدریجی رهایی میافرم .  
بعد میخواهد برود بالاجار

قدم برمیدارد . من از عقبا و  
را مینگم که لزان در تما دل  
آهست آهست چون سایه  
عن ازیزی زین بچه پده میشود  
ولحظه بعد چون متایم

که افق زنده گیش را کم کرده با  
شد نایدید میگردند .

دختر جوان ارزوی رفتن بست  
خانه بخت را داشتم ولست .

اگصون کد دستهای گلخوا  
شبخت ام را پیکر کرد . خانه

بخت دیوان شد . دستهای من  
بهم را خزان کرد . آمده

شمر میکشد . نیدانستم  
در رکیام مرد و من امروز مله  
کنترار ساخته ام . پیک زین

بوره زده .

این همه پیک سال قبل اتفاق  
افتاد . اشخان سالانه را پیش .

رو داشتم - آل تعلیم به  
دایمن من پیشید . دتفق ها

از بیان دتفقه ها میکشند  
اما زیان پایان نمی یافتد و شب

به صحیح نمی بیوست : آن شب  
نا قوس بدنامی در گوش هایم  
صدما برد اشت . از آن شب

شکجه روح من آغاز شد و من  
زندانی زندان بسیار کر-

دیدم از آن روز زنده کسی من  
ملو از رنگها و زنگ هایش  
و من سیاهی و زرشک زنده کسی

را لمس کردم . در باقی انتها  
نات نتوانستم اشتراک کنم به  
به انه بیض روز ها در روز از

تبا میکاشت . پار آخر که  
ماری اتفاق را ترک میکرد و من

از پیک سال بدینسو شب و نظم  
در پیک کابوس و حشمتاک میک-

رد ماری آن مارخوش خط و  
حال را دیگر هم هر گز نمیدید .

نیدانم چه تمدد ادخار خانه  
معصوم را به بهانه حل معا-

دلات الجبری به پرتابه بد -  
نام انگنه باشد ?

چشمها هایش را دوست  
داشت و استاد اشرا احترام

میکرد . بگار از این فل

لعنی که هر لحظه از مقابله

بهم میگردید و دست من

میگردید . لطفا به خط درست

به همه مادرها بتوسید که  
مراقب چیز کوشه هایشان باشند

و نکارند دختران مقصود

شان به سرنوشت من هست

شود .

درین فل من این فل

که نیزه داشتم میگردید

میگردید . من به خاطر اعترافی  
نیزه شما آمده ام هارسماه تین

و تلخه این لحظات زنده کمی  
به شما جذابیت میکم و راضی را

برایتان فاش میسازم . بعد از

آن روز دنیا خود را در جم

های پیش میگردید . نگاهم در

پیش فرزو داشتم . مانند آن

است که همه زندگی او در ر

چشمهاش جمع گردیده است .

در چشمهاش داشتم . هر سادی

خیزان زنده که نیزه داشتم .

میگردید . میگردید .

نونهه مللا سعادت  
لایحه

# میلاد تقویت

مودی به اتهام قتل محامی  
مهشده قاعص روحه مرد کرد  
کفت: شما برآ آن زن را ازیام اند  
اختید؟  
مرد گفت: به خدا سوکد است که از  
پشت مردم خشوم معلم  
مهشده.  
ارسالی محمد نعمم «مهنوار».

# کلر پلیر

## از گناوه

آواز خوان بد آوازی کی  
دریک پرو کرام تلویزیونی  
کسرت داده بعداز آنکه  
برنامه اش را اجرا کرد و از  
تلیزیون بیرون آمد مدده ای  
از مردم را دیده که با چسب  
و چماق در جلد در واژه خود  
بین استاده اند و حالت  
نهدید آمیز داشتند.  
آواز خوان با ناراحتی گفت:  
«انشاء الله از بابت اینکه  
صدای من خوشنان نباشد  
بامن کاری خونه خواهد  
داشت!»  
بکی از آن ها گفت: «نه  
ما با آن کس کاردا نیم که  
ترا به تلویزیون آورده!»

# تیزیقیان

پایسکل بک قاطر آهنگی  
است که د پادار چون جو  
نمیخورد از آترو خیلی لافر  
است بوسله گوشهاش هدایت  
میشود تمدن هم شبهه و فضای  
در شکمش لکزد ها تهزیز  
برود و برای ایستان گوش  
را محکم باید گرفت.

- دفتر تبلیغاتی ریاست بیمه

نظم خبرمید هد هد ترافیک  
بکی از جاده هاد رفته که در  
به خواب عیوق فرو رفته که در  
اثر این خواب چند مترهای خا-  
نس رانند باد مترهای توز  
رفتار که آخرین درجه سوت  
را گرفته بودند به غصه ایستاده  
بکی پراند به نفعه نا-  
معلوم بوده است. خبر  
میکنید.

تازه متوجه شدم که روی مو-  
چنان صریعه دهدن خوابهای  
شهرین بود. فقهه تحبت  
تحقيق و ترسخ خانی کجا-  
دری اش را زدست داده قرار  
دارد.

- امیری شاگردان و دانش  
آموزان مکاتب ولیمه ها-  
نختمن دور امتحانات شان  
راد رفای کاملاً دموکراسی  
بانقل های طوماری و تایزی  
آن زندند.

خبرنگاری ریاست بیمه نظم گزارش  
میدهد که در جهان استخا-  
نات معلمین و مفکرین حاضر  
بوده با این که حضورشان لرزه  
براند امتحان دهنده کان

انداخته بوده با آن هم با  
ملحظه نقل های نقل در زمان  
صیغه ای تر خود را می آوردند  
خبرنگاری ایزد، بک از اعاصی  
پیشونه استمداد شاگردان

راد رفی تهیه و تدارک تا پیکم  
به سایر های مختلف ه عالی  
دانسته آینده پی اساری  
حت در سطح تحصیلات عالی  
برایشان بیش بینی نمود.

- پرتوکول دوستی و همکاری  
دوچاره بعده از نصف دیشب

کفت: شما خجالت نمکنید  
که بالای مرکب دنفره سوار-  
شده اید.

من شنیده بودم که روی با-  
پسل دوچشم سوار شدن را  
ترافیک بخ کرد و لیز در صوره  
مرکب چیزی نشنبه ای ایشان  
در حالی که آخرین سرت شده  
بودند گفتند:

- حسوانک معلوم را اذیست  
معلوم بوده است. خبر  
میکنید.

تازه متوجه شدم که روی مو-  
چنان صریعه دهدن خوابهای  
شهرین بود. فقهه تحبت  
تحقيق و ترسخ خانی کجا-  
دری اش را زدست داده قرار  
دارد.

- اسماں این حیوانات چیست؟  
خمال کردم سرمه را میگویند  
کفت: «فحله» گفت:  
این مرکب قشنگ را میگویند  
سوالی گرد:

اسم شا چیست؟

کفت فقره جان:

او از وظیفه محل سکوت  
من و سالم هم بود - بدینه

(۷۲) گفتند.

# خوب پریشان

اندیشه ها و چرخها به خواب  
رفتند اما میدانند چن خواب  
دیدند.

- ماقلاه شان را دیدند است قسم  
کند. فقره جان از این داده  
خواب دیدند که هک خردگان در-  
و با هم فضل احمد جان در-  
را هم روان هست ما هم دوسر  
مرکب سوار بودند و باهم اهله  
اگر جلوه شناسی را زنده  
میگردند در بک از جاده ها  
ناگهان متوجه شدند امپولانس  
پهلوی ما توقف کرد و سه نفر  
از موتور فرور آمدند و سوی  
ما امدادند. بک از این ها  
کتابچه اشرا از جویش کشیده  
و قلم به دست گرفت و از من  
سوالی گرد:

نه پرسن را.

وارخطا هدم و گفتند:

نام نداشد من او را بخوان -

فقهه در صفحه (۷۲)

او هر یار را خیر صحبت شد  
آش میشود و نکت:

- افسوس ۰۰۰۰۰ ماقلاه  
عف مانده هستم. انجمن حایه  
حیوانات ندارم. نیز از شیوه  
ها برخلاف همراهندیدم. لئه  
زنک فقره جان کرامت و رفاه  
کدام از هر دو ری باز متفاوت  
فقره جان خاموش بود. این خا -

موس او مارا مشتهر ساخت.  
برای این که اورا سرگیر باز هم  
موضوع مورد علاقه خود را  
به میان نشیدم ۰۰۰۰۰ مانجمن  
حایه حیوانات امایا زهم -  
میگردند: له -

چرا مانجمن های -

حایه نداریم. مثله چرا -

خود را افتخار کرد. اوضاع کرد  
من خیلی در باره انجمن  
حایه حیوانات ندارم. مانجمن  
چن و چن نداریم.

فقره جان که به مقامات مسؤول  
پیشنهادی هم تعبیری از ایمه  
کنم. در باره طبع خود بسیار  
نکرکردم و دیشب هم با همین  
شای خوف بیزد.

آدم که بختار ماند چه -  
افکاری نیست که به کله اش -

خطور نمیدند. من و فقره جان  
و مادر عهد و سرمسلم فتن  
همان طوری که پیکان مکتب را به  
پایان رسانیدم و عزمان وارد  
مشاغل دولتش نمیدم به خاطله  
کن، از همدیگر تفاعد کردیم  
محصوله با هم جمع میشدم و گز  
من زنهم و ممه میشم خاطرات  
و باجرای های زنده که را به یاد  
من آورم و از دستان بخفور  
و مرخوم خود باد آزوی میخانم  
فقره جان تعلیمات مأمور داشت  
بوده و در پیش های مختلف کار  
برای این که اورا سرگیر باز هم -  
کردند پاره خاریه خارج هم -  
مفرکرد. است همیشه پی که را  
سریان داشت مرتب شلایست  
میگردند: له -

چرا مانجمن های -

حایه نداریم. مثله چرا -

اجمن ستعادی نداریم انجمن

حایه حیوانات نداریم. مانجمن

چن و چن نداریم.

فقره جان که به مقامات مسؤول

پیشنهادی هم تعبیری از ایمه

کنم. در باره طبع خود بسیار

نکرکردم و دیشب هم با همین

شای خوف بیزد.

عالی پلیتوفت



زده پرسید:

ملچی میشی، چرا -

رسیان را به کمر بستایی؟

ملکت: میخواهم خودشش

نمایم!

شخص پرسته گفت:

اگر مول خودشش داریم باشد

رسیان را به کرد نت آرسیان

کنی نه در کعر!

ملکت، خو، چقدر هوشیار

است، پیشتر در گردند خود

بسته کرد، بودم قریب بود که

بیورم.

روزی ملا نصرالدین خوا -

ست تا خودش نماید -

رسیان را به کمر بست -

ان " معلم لیمه خدیجه -

در همین لحظه یک فراز بخوبی

میگشت رو به ملا نصرالدین

# تجویز کیمی

ست تا خودش نماید -

رسیان را به کمر بست -

ان " معلم لیمه خدیجه -

جویزانی.



# الحمد لله رب العالمين

شاکرد جواب داد:

پدر میخواست برایشان

یک خروس باره!

چند روزی گذشت اما از

خرس خبری نبود، بالاخره

حواله معلم سرآمد و گفت:

پدر که است نا از شما

بهرس آیا خروس را دوست

دارین؟

نمعلم پاچ داد: البته

پسر جان، خیلی زیاد خوا -

شم میاید، گز چه باید کرد؟



حاله اگر دلت میخواهد -  
برایت شادی ازدواج نمود -  
میان ترا نهیک و نکس ران بکیز  
محلات مزد هم شبهه و فضای  
آرام که کاهنگه با صفا ایمبل  
آین خندق و سطح سرک مختل  
میکنم شادی اهم دیهلوی  
من است. مود گفت:

دختر شرمندی با یک

مرد فقیر و نادار ازدواج نمود -

زن گفت:

روزی به شرکت:

میدانی عزیزم از جمله چیزی

که من درخانه داشتم یک هم

شادی بود که خیلی خوش -

میاید، مود گفت:

د فیل په غور کو پیدا یاش  
تن سپاچس واسطه ، قیصه  
او خپلوا ولری ، نووید گشی  
عن خوره .  
مکر تخدود ایو هم نه لری دنو  
بیاد الله کومه شول .  
— ساده خانه ! بوبا جه می  
به مخابراتونکی غفت سیری دی ا  
بل به بناروالی کن و ٹنجه لری  
کاکا خسر می دن بیننا په  
نیاست کن بآش دی اودا و برو  
رسلو په ریاست کن کی می دومنه  
ھیمنفیمان کارکوی .  
— ارد کور د پاره دی خانه  
سرشته نوولی ده ?  
— سرشتی من خوشکی درسته  
وویل چن تولی خلاص دی .  
ددغاو سنادو په درلود لو  
سره بناروالی چهبوره ده چن بروه  
نومه ھنکه رانه راکری ھ خکه  
چن تلهون ، بیننا ، نل او د  
صفایی کتابچه بیں کوره نه وی  
ددبالوک په پای کی دی  
دلوقشن توکله خودا قمرکل دنخ  
سنده په وویل شس چس واعی :-  
“ رانه چن بی نه کر پوی . کله  
چس د کور خختن شوم بیادغه  
خسبری کوه .  
— چن د کور خختن نه یعنی  
نوتلقون ، بیننا ، نل ، صفائی  
کتابچه دی خنکه سر لامه  
کرول ?  
— زو رویه ! نه وستیاهم چس

— شمشه پورخانه ، خیز .  
بیادی کوم خواخه کوی ده ?  
— خم چن نن بی دنکور د صافه  
بی د کتابچه و عده راکری ده  
— مالو بیوی چن د کور خختن  
شویی ?  
— تراوسه خونه یم ، مگر د هر

زربه بی خختن شم .  
— خنکه ، او په شه ?  
— داچن کارونه بی تول خلاص  
دی او پیازی کور پاتی دی ، دنل  
امری احیست او کارونه من ورن  
خلاص کپری دی ، دن بیننا پیتری ،  
خود ایوکال کپری چه له امر  
سرمه بو خای می دفتر په میز  
خانکی کولپ کپری دی ، او  
تلهون من هم خو ورخن د مخ  
له نومی سرمی خای ترکیتکری ،  
اویں چن چن د صفائی کتابچه  
هم درتمواخلم .

— چن د اسی ده ، نو ضرور  
دی کور هم سر لامه کسیری دی  
او زیور شمیش دی لکه چس  
د کور توغوندی وکیلوله که شه ?  
— شمشه بور کورت خودی خسو  
خان ته بی نه کر پوی . کله  
چس د کور خختن شوم بیادغه  
خسبری کوه .  
— چن د کور خختن نه یعنی  
نوتلقون ، بیننا ، نل ، صفائی  
کتابچه دی خنکه سر لامه  
کرول ?  
— زو رویه ! نه وستیاهم چس

# د تو گ

## غوره شلوی سچالوچه

پری

غفرنک

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

په کورکی هم د ماشمانو د  
مور له لامه نیاروچ را باندی  
نوره شه ده . هر سهارجس  
دهند اری تریخ دینی خیلو  
لهاو دینی ، نوره تریخ سو  
تندی اوله کواین نه بک غیراته  
په خلیه خرنه لری دهیل  
به آمدوی خانوی .  
— خو شنکر کیل ، غوره په  
یعنی باهیل .  
— پهتو اوبان اویش تیت  
تیت .  
— اوزه له لیویه تیتیده ،  
د صاب کرده یعنی شه شو .  
— پهشون خوب پیش .  
جویزت په خوب کی دیش .  
— اول مژه مه نهسه ماو  
بس نیس بی نویشنه کی نهسه  
نکهوری .

واین چس ” بیوه زما ووا  
عی د ملا ” خورما په بیوه کم  
د واک خیلوه له دی هم پی  
ور تیوه ده . په کورکی د ماش  
مانو له مورخنه نوولی بیاد ده  
تر نایپست بوری شیپول زیاد  
پهی و اکدا ران دی .  
کو به دین چس بیوه و نه خریه  
او دفترت لامه نامه فتویاد  
دفتر همان را خنخ نخ اوراد  
او یاهم نفع په نهفه رانه وامی  
چن ولی دی بیوه رسود لر  
دی .

# م بنت

## م بنت

براتر وروسته دد وه دری  
میاشتیه بیخور خوات پیش شو  
د واره شی خان کوتی نه کم  
لاتخون ری نفری خوری په بوای  
تریوی میاشتیه پوری پی ارنس  
بدولی اودیم همه مورچن د  
یعنی همه را خانی ده طالع  
پرس طالع را خانی ، نخه ده برادر  
دلک دم دخیرات آشیز را خوت  
نود ستر کویه متکرید و سره  
د قوری دغیبویت قاب پسر  
غوری اساده شو ه براتش هم  
خوارک تعداد د دام در کیچی  
نه به واعی دخوبه لو په کوهه  
یعنی کری وی ستر کی ده برادر  
ما بده کی بی کدون کری وی  
او پری پری شو وویل :  
که من په نتر کی دیویا بلیت  
خانی پایندی او بیدا اور دغزید  
خوان پایندی او بیدا اور دغزید  
او دپس غونه نه خور له .  
چا و او دشفلخانی بی لوری  
وویل :

مورچانی ازه تراو سه  
بیوه لانیپیدلی نه هم مکله چن  
وزنیدم بیاد کالهیز خیلوه کوه ?  
، موریانه له خنده رانه وویل :  
” دی چمهه ” دانه خن واعی  
بن سیاد لس خواهاند کسبری  
او بیاد اخباره کوی ?  
زه لبر موسک شدم او خواب من  
در کیک :  
پنه وایم ، که نه رنیتا هم  
نخه پیش کلنه بی ، نود اس  
بی دوول له پاره بی زیاد نکه  
هی زیپیدلی .  
موریانه چن خلیل اشتیاه  
نه تیوجه شوی وه له پنځیس کلنه  
پا خشیده او بیا زوره دو مره بی وویل  
” رنیتا ” بی زمانه خرابی شوی  
دی .  
پهاره کی ورنیه کی می دی چس  
ستان که کیس کالهیز دیشم .  
نیکه من کیلا رخبوه په  
خوبه کی ورنیه کیه :  
” نه دکرو سو غم مه کوه .  
د شنېت کلنه په عمر تقاد شوی  
و ” تر شوند لاندی موکی شواو  
زمایوره بی لسانانه په دک نظر  
ورکنل و ” حکه چس موکی ده  
دزی ورخن دخه تانه ورکری  
و او ورتمیلی بی دوچس اسمهی  
پهی و بودا .  
دنیکه له کالهیز د تختی منه  
می پهار مجهور شو چس بله و دخ  
دکور په چت بیوری رنگه کاچ و نه

من اناد کالهیز په کوه کن پنځه  
شمیع و تو میل ای پنځیل من له  
پلار سه د کالهیز شو پیدا  
شو . پلار می دکیت له پا سه  
پنځه د پنځر شمیع و لکولی ایها .

به

کله

و

خاند

و

له دی

خیروی

سره

پو

مشیبه

په

چرت

کی

شوم

و

حکه

چس

د

مورکرزوی

و

که

خه

هی

دند

دریله

مخ

څلور

د

په

کلنه

د

خیروی

سره

په

لکل

لکل

او پوکانی را خیروی او ز ماد نکه  
د کالهیز له پاره بی هم د بیلور  
بیور بیز کیت که راکر ، سو  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

به

کله

و

خاند

و

له دی

خیروی

سره

په

زونه

او

آزاد

ای

چمه

تا

وول

د

کله

و

د

کوک

ز

د

لک

چ

کو

هی

د

خونه

او

نیکه

کی

د

خونه

او

د

خونه

او

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

دی

کله

و

خاند

و

له دی

خیروی

سره

په

زونه

او

آزاد

ای

چمه

تا

وول

د

کله

و

د

کوک

ز

د

لک

چ

کو

هی

د

خونه

او

نیکه

کی

د

خونه

او

د

خونه

او

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :

زیوره کل کی چاکلیزه  
پاسالکره نه پیزانه مخیوس  
کله مور نهاده که راکر ، سو  
د خه لوبه موه په کور را تونه  
وویکه نه وویل :</p

به پنجه سهلین ، از تزیق آن  
خود داری کنند ، زیارتی اثر  
عدم تزیق پنجه سهلین تجویز -  
شده توسط اکتر فرزند آنها  
مکن است مبتلا به تب روماتیسم  
شده و دچار عارضه قلیس -

روماتیسم گردد که تا آخر عمر  
 طفل را گفتار و احتمال زیستگر  
من کند که در آن صورت دیگر  
پشماني سودی نخواهد داشت -

در همین جالازم به تذکر -  
است چنانچه اگر کودکس  
برادر غلت مبتلا به تب روما -  
تمسیح و اعراضه قلیم ناشی از آن  
گردد ، برای پیشگیری از عود  
تب روماتیسم از تزیق

ماهانه پنجه سهلین طبق تجویز  
دکتری همچو و نهایت خود  
داری شود ، زیرا با همیاری  
تب روماتیسم حاصل از آن می -  
گردد .

گلو و لوزه متوجه و نقطه چربی  
برای لوزه ها مساهده می  
شود . ضمایه دواین زمانه دارد  
لتفاوی تحت فک نیز متوجه و -

دو دنگ می گردند .  
اهیت گلودر چرک بسے  
خاطر ارتیاط آن بات روما -  
تمسیح و اعراضه قلیم ناشی از آن  
می باشد . لذا درمان به موقع  
گلودر چ رکنیا عیت پیشگیری  
ازابلا به تب روماتیسم و -

نمجه ای جلوگیری از عارضه قلیم  
روماتیسم حاصل از آن می -  
گردد .

گلو و لوزه متوجه و نقطه چربی  
برای لوزه ها مساهده می  
شود . ضمایه دواین مساجع بر روی  
مارضه قلیم .

آنچه این است توكیک یکی  
از بیماری های نسبتاً شایع  
اطفال درستینه ۰ الی ۱۵ -  
مالکی است که شیوه این

بیماری د رفصول پاییز و -  
زمستان حدود ۱۰ برابر بیشتر  
ازفصول دیگر است .  
عامل این بیماری "است -  
پتوك بناهی لیتیک " گروه ۸  
می باشد که به راحتی برانسر  
تاس بزدیک و توسط ذرات -  
معلق درهای ازراه دستگاه  
تنفس به فرد مستعد منتقل می  
شود .

یک تا پنج روز هزار و بود -

میکرو بی بهدن ، علام بیماری  
به صورت تباگه ایون ، گلودر

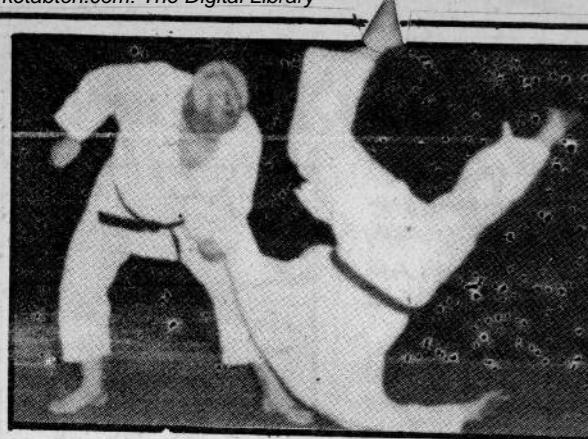
دل درد ، استفراغ و کا هن  
لکه های جلدی شیوه مختلط

ظاهر مشود که پس از مراجمه  
به طبیب در رعایت حلق و  
نها یست به علت واهمه از آنکه  
جلدی نمیباشد .

رها

را

رها



۶۹ از صفحه

معلوم  
لختی  
برون...

های رسم اکناف یافتند  
و شامل بازی های المپیا می  
گردیدند که مشکل می باشد .  
نزاره جود و عاری از هرگونه  
ضربات و جراحات  
مدد ها و خطرات بوده  
مانند کش چینک می باشد  
 شمال کشوریک بازی می خطر  
و خوش ایند می باشد .  
از آنجه که اندیم است به طبع  
می کرد که جود و مک سهورت  
بزیز نموده و تخته های ان  
شامل پرتاپ ها محکم گرفته  
خند و تاب دادن مفاصل است  
که همچنان برا و وزشکاران  
در اجرای مسابقه خطیری را  
ارائه است . تخته های این  
سهورت به طور کلی دو مسابقه  
علی می شود اما ز سایر  
شاخه های این وزش که  
احتمال خورد ران محسوس  
است بطور کامل عمل نمی شود .  
نیزه کوهای عالی این  
سهورت در این است که زن و  
مرد در اجراء و پیشودان -  
سهم شده می توانند و تناؤش  
به هم ندارند .  
س : چند نوع تخته در  
این سهورت وجود دارد تحت  
نظام نامها ؟  
ج : جود و در ریخت  
کود و کان که اولین استهتوت  
تحصیلی جود و در جهان  
است و در تکویر مرکز جایان  
فعالیت دارد مشکلی نمایند  
از : تخته که می باشد  
و تخته محکم گرفته

و کاهل را آنین برد  
ذوق جود و بهدار گفتند  
تنهایی کار در نهاد  
من است.  
با پیدا مذکور شم که در جود و  
شخاص قوی و قوت شانس  
سماوی دارند. و سرا ای  
شانها یک و سیله تدافعنی  
سیار خوب است. این  
روز نخستین مرتبه از کشور  
بین شنات نموده و دو -  
چهاران انکهای پاافت است.  
فهدم جود و اصل از کلمه  
"جوجو" شنید گردیده  
و در پهلوی جود و شعبان  
دیگری نهی ازان جدا شده  
است.  
قابل پادا وری مودانی  
پینکه :  
موفقت در جو جو سوهابه  
کار بردن زور "قوت و خشونت  
میکن نموده بیل با مهارت  
تنهایی کن فترم و ملاحت می  
میباشد که جود و بعد هابه  
صفت یک ورزشی غلطی  
از جود و سو جزا گردیده  
س : چنان که تفهم شد  
جود و از جمله ورزشها ری ریز  
به حساب مورود نکنمک و  
تخمیک ان با اسایر ورزشها  
رزق چه تفاوت به هم  
هرساند ؟  
ج : انتگاهی که جود و از  
جو جو سو جدا گردید بمشکل  
یک میپورت مستقل هم تکامل  
خود را یافتد از شمات  
دیگری چون کاراته و اکمدوه  
نکوانده کهود و وکند و کا -  
تفود و چاپوسامن شاگهانتسا  
و کوزاری نانا که همه با تخدیک

شیخان

او دیده بعراه مادران . -  
بپهاره طفلک دل انداخت  
وقت جنازه را پهوردند مادرم  
آمد و مانند دیوانه هابود .  
خواست خود سر را بالای جنازه  
بران و بیندارد همکر پدرم -  
برایش اجازه نداده باخشونت  
اورا از خانه کنید و نکذاعت  
که روی پسرش را بیهند ازا ان  
حادشه پیشال مهندرد و من -  
تن و تنهای بد و همچ خوش  
مانند پیش سایه لرزاں . -  
بدون امید زنده کی موتکم . در  
حالله دختری به سن و سال -  
من به محبت والدین چنان -  
خسرورت دارد مانند کل به -  
آب و امامن از محبت هرد و  
محروم همینه با خود مهکرم  
چنین است فرجام حصادت و  
سو طن که کانون خانواده کس  
مارا برباد ساخت و ما آواره  
شدم خندیدن و خوش بود ن  
را فرامورت کردیم .  
حالا پدرم یک دایم الخمر  
است و مادرم پشمہان و من با  
چنین پدری زنده کی موتکم  
و با چنین زنده کی مهیازم و  
موسوم \*

دیوانه و پیر

ل است و مادر م  
ود ر میان هق هن ک  
میگفت: "اکه بوجل به  
میخورد؟" بعد مشا  
تندتر شد تا آن جایه  
فریاد زد: "بس اس د  
هر چیز حد و انداره د  
ماد رم بس اختنا به فریاد  
پدرم و چهره های رند  
وتن لرزان من و پرادرم  
" دگه نهادنام کت تو  
کنم، طلاق مه بشی.  
این دفعه مشاجه  
دو سرورزاده ام داشت  
و مداخله قوم و خوش  
نهفتدار. بعد آن د  
رفتند و خیل آسان ا  
شدند. من و پرادرم  
ماندم. مادرم نزد د  
خود رفت. پرادرم ه  
داشت. از وحش که  
ترنکرد دد رویین د  
جان پرادرم افتاد.  
نشر تسب موسوخت د  
۴ ماه اداره داشت.  
سینج که لحاف را از  
برداشت دیدم که چ  
به سفت اتفاق نانده ا  
او تاب حدادی مادر

حالا پدرم بیک دایم اکننه  
تحمل کند آن وقت بوتل  
شدت تمام سوی مادرم  
کرد . بوتل به دیوار اص  
پارچه پارچه شد ، چه  
از قمه و خسب زیاد کبود  
بن حال روی چوکی افت  
چشم هایتر مانند دوکا  
بود . نمیدانم مادرم آ  
آخسته چه میگفت که یک  
پدرم غصناک روی چو  
خیزشد . و باشد تنت  
فریاد زد : " او زن روز  
بینن . زنده کی وه سر  
د ورن نیکدان " من  
شنهه کلکن کوهه میکر  
آنها من و زاد رورا اص  
حساب هم نسی اورند  
مادرم خطاوی اعتنا  
برخاسته نیوراتش بیلا  
آرایش گذاشت و پایان ا  
روی تخت خوابید .  
آن که دیگر مشاجره آن  
رسیده " به بستر رو  
های شب خواب به چو  
نس آمد . اشک های  
ترمیکردند .  
صبح به امید ا  
جهه آن ها خانه یاف  
خاستم . اما بعد از  
چای بکو مکو آنها  
آغاز شد . مادرم هم

ندانسته توشه به رشه سعادت  
خود و همه " مامه زد . در فرجام  
پیمانه " صبر و حوصله پدرم تهش  
شد . روشنگرانسانی مادرم با  
عث گردید که پدرم به مشروب -  
پناه ببرد . بیهاد دارم آن شب  
هردو از عروس پرکشته بودند .  
پدرم نشان بود . به مشکل  
تمادلش را حفظ میکرد . به -  
 مجردی که داخل اتاق شدند  
باز مادرم شرن کرد : " بکو آن  
د ختیر کبود که چند باره رجوسکی  
مقابلش ششش ، کشش کی -  
زدی و خنده کدی " پدرم که  
مرعش را به پشت چوکی نکمه  
داد ببود چند لحظه سوی -  
مادرم دید و معاذ جاییش  
برخاسته ازالماری یک بوتل -  
بشریبرا برداشت . آنگاه سرا  
سد ازد او گهلاس میخواست .  
من از تویی مانند بوده میزندم .  
کللاس را با قهر از دستم گرفت .  
آن را هر کرد . دوس و سوس  
واهم با یک نفس سرنشیده . من  
دیواره به اتاق آدم درستم  
افتادم خواب به چشمها نمی  
آمد . رفت چمیده به کلکمن  
ایستادم . بازصدای مادرم بلند  
شد کمیکت : " او شرایس خوده  
میترقانی عشق د ختک ده .  
سرت زده ؟ " پدرم نتوانست

مس د رون فریاد -  
نیروی جدا از من  
ن و امیدار .  
نم در مرور سلطان  
ب جایی سوره  
نم . زیرا این مسائل  
را به بادفنا داد .  
گن مارا به رحابه  
حالا شب و روزمن  
کابوس است . از همه  
وه هران ، از همه  
پدران میخواهیم تقصی  
به دقت بخوانند زیرا  
ن بزرگ نیفتخاست .  
نیز حسودی بسود .  
لای کوچکشون چهزی  
رفت . همه وقت مرا -  
وت و فتار پدرم بسود  
ن تغیری که در حرکات  
پد بالا یش ایسرا د  
بینن که در مهجانی  
ن ها پدرم را میدید  
مشتش و با خانم دوستش  
بکند فوراً عنکبوت -  
و سوی ظن در دلش  
پید . و قش به خانه من  
میل پرسشها و پرخاش  
درم میشد . بچاره -  
رچنین حالات خاموش  
زیرا مادرم را زیاد  
میداشت . امامادرم -

فوجام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سیاه

سالا درم بک دایم اخنیه است و مادرم دلوانه دیگر



# از زوگاره میشتم فراموش بما نمایم

شماکه چنین میبند ای مدن هم  
میوردم از ب پرشهای "مشکل" -  
؟ خود .

- از کدام سال زنده کی نان را  
با وزیر گره زده اید گریه شما  
ناهنجوز بسیار جوان استید ؟

- از من نفتم متبعد عاقبت  
عیوبی به وزر داشتم . اینکه

کدام رسته باشد برایم مطرح  
بخت نبود و من منش به این

امروزه متهم شد پیروزی و رسیدن  
به خواست و آرزو هماناد اشن

اراده و تضمیم قاطع میباشد روی  
این ملحوظ کام را ز متسب

آغاز نمود و آن را پیکر رانه  
ادامه دادم که بعد از فراغت

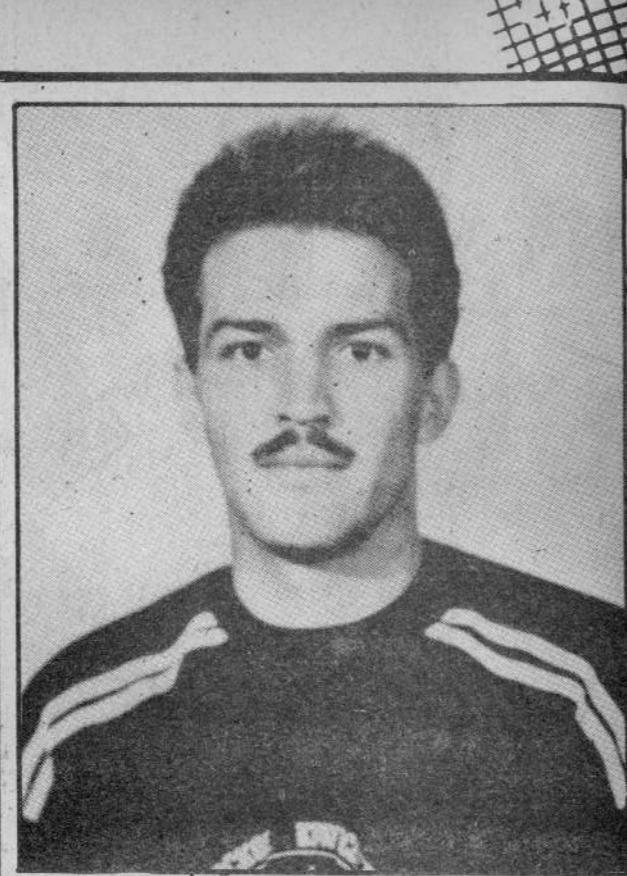
متبدع بدم و میتمل میمتنون  
انستیوت پولی تختیت کابل

پذیرفته شدم ، در ابتداد وزیر  
والیهان رایا زی موردم که

باکدشت زمان علاقه ام نسبت  
به آن وزیر تغییل یافت و کرایش

پیشتره بد منون ننان دادم  
بالآخره بعد از دروسان به عضو  
یت توصیهای پیفت پانک و -

بعده در صفحه (۸۲)



چندین سال است که -

بیانهای ورزش میباشد در این

مختلط ورزشکار نیویورکی "مشکل"

است با وس آنده سالها قبل

تصهای دختران ورزشکار در

مطح شور غولی را بین نموده

بودند ب امایه یکباره کس

دامنه آن چنان پیشیده شد که

نشان از آن بین نماند خواه-

شیختانه د راین او خربه ویژه

در این روزها در کالبد بی روح

و زنگ دختران روح دموده -

است هاما در کشور خودمان  
آنقدر یک میباشد در این

عرسه کار شد نشده است و  
نیزند اشن امکانات وسیع

این صفحه معلومات بدھید ؟  
اگر دیگر کتفه باش ترقیمه

نام نه ناگوار خود را در ساحه  
ورزشی جا نمکارد که من

نمی نموده ام تا صفا از -  
اندوخته ها و تجارت ورزشکار

ران خارجی استفاده اعظمی  
نمایم که میتوانم این دستاورده

دایر کشوار را با ورزش  
نمایم که میتواند این دستاورده

دایر کشوار را برای شما بر  
نمایم و هشت ممال طلاه ده

دیلو ورزش لقب ماستر  
بلند تراست زیرا تجهیزات

ورزشی امکانات  
و زمینه های مساعد جهت

نمریتات در اختیار آنها فراز  
دارد که فاتح عینه و مقیمت

و پیشگام همین مو شوغا ت  
میباشد

های ورزش داشته اید و

نیز در مورد دستاورده های -

و زنگ دختران میباشد -

جهت خوب و کله زدن خوب -

حکایت و تقویل بالای توجه

اعصاب نرم ایل ، د استن

خنک و تکمک عالی ، دانشمن

قدرت فزیکی و جنتکه کی .

- آیا کاهن خوشها باقی با -  
لستان نام ارجمند مقا -

لیم رسول "رحمی" مواجه

شدم که مصاحبت را بامن  
پذیرفت به سوالاتم چنین پایان

داخی خوشنام من اید ؟

# فیلم

## فیلم

### فیلم

#### فیلم

##### فیلم

###### فیلم

###### فیلم فیلمفیلمفیلمفیلمفیلمفیلمفیلمفیلمفیلم

فیلم ورزشی میکنی بس  
خنکها و تکمکها زیبایی -  
همیشی و حمله من که این ویژه

گهایش میب کردیده تا عدد

بهماری از جوانان خوش

ذوق ورزشکار را در دن خود

بیوراند ، از جمع جوانان ور -

زت کار ، باقیالیست میاز تصمیم

و علاقه مند سر سخت فیلم

غلام رسول "رحمی" مواجه

شدم که مصاحبت را بامن  
پذیرفت به سوالاتم چنین پایان

را یابی کرد : د اخی خوشنام من اید ؟

- چرا از مان سایر ورزشها

تیبل را برگزیده اید ؟

- آیا من که فقط یک تماشاجی

بود ذوق زده من این ورزش

جود ویا بعضی ها صفت  
ارجمند خوانده من این  
صفحه مصاحبه من را با محترم

نظامی مد نیکزاد تبریز تم

مل جود و میخواهم داده ام

که دران مخواهم :

من : جود و بی نوع ورزش

بوده و در جهان چ

سابقه من دارد ؟

ج : جود و بی از جمیع

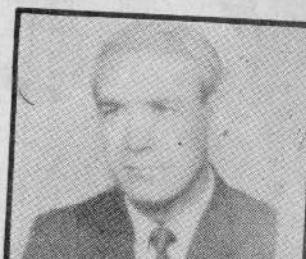
ورزشی های بدم ویک واسطه

انکاف فکر سر وجود واخذه

المعلم و نیز وجود ساخته

قدرت عالی جسم بوده که

بیمه در صفحه (۶۷)



د را بایل سال ۱۳۵۰ پیکنفر

ناجر چینی ای موسوم به

"تمن کیمین" دیگر از

نوخی را کیمین اکوازی

منعی را به شاگردان

پیغمور کانویکی از شاگردان

"د ان دو" و تبریز تم ملی

تکواند وی پو مس کل هدایت

میباشد . بهترخواهد بود تا

در مورد ، گفته تای خود را -

باهم بخواهم :

\* از سال ۱۳۶۲ کم د دو

سال از تیرناتم در روزنیز بوکس

سیزی شده بود . نظریه محا

سیه همه جانبی از استمد اد

و توانایی فزیک وجودی به تکو -

اند و را آوردم و مدد از سپری

شدن یکم سال مخفی بدر -

یافت کمیند سرخ شد .

باید بکویم که این رشتمرا

بطور مکمل و منظم در رشتر ایران

فرار گفته ام . ابتدای کارش

تو توان که بی سبک چاپانی

است . هتمایه به کانفو تو و

در آخرین مرحله ب تکواند وی

پیوشه علاوه شد که همین -

اکنون این رشته را با علاوه

دنیال منمایم . در جهان

آموزش رشتر ایران مسابقات

را باورزشکاران ایرانی اجرا -

نموده ام که نتایج همه علی آنها

برایم قابل محسوب میباشد ؟

زیرا در اثربویت من در مسا -

قات کمیند "سیاه - وان دو

بعده در صفحه (۶۵)

کلام شوایی دارد ویان

فصح ، ادرا ازندیت دیدم -

فنون تکواند و آبین ورزش -

معاصر را به قدر توان واستعد -

اد خویش در هن منمکز

ساخته است .

این جوان آرسته های تیوری

و پر ایت ورزشی ، عبد الفاضر

هئنکن "دارند" کمیند سیاه -

**Alma de la Patria**

کوارٹر لائنز: نومبر ۲۰۱۷ء

سیما صمم مک از معلمان شهر  
خوارگاه کودکستان دوستی-  
چنین گفت : سماری مادران  
کودت منیض را به کودکستان  
مهاورند که این کار نه تهدایی  
کودت خود شر زنج دهنده است  
بلکه سب امته وازار دیگر  
کودکان نیز هم گردند .  
بعد از آن به طرف منیف  
بالاتر این کودکستان که در آن  
جا کودکانی از من سه تای پیش  
ساله مصروف درس خواندن هستند  
کازهای علی قمه گوین میباشند



علمان میگویند: کودکانی که

**مَا فِرَانْتْ حَمْدَلَلْ كَوْكَبْ كَلْبْ**

و در پاسج جنون گفت:

پیغمبر صفحه (۸۷)

نخست از همه سری زدهم  
به کودکستان دوستی می‌باشد  
اول شدن به محظه این  
مهد بزرگ شر احوال، توجه  
سازرا نظرافت، سلیمان و کار  
د این استادان و آموزن این  
کوکستان حلب نمود. پس  
از معزی همراه معاون کود  
کستان دوست راه منفها ی  
مخالفت آن همارا بینگرفتند.  
او شراره داخل شمر  
خوارگه این کودکستان شدم  
علم داده صرف ارام سای  
خش و تنظیف نمودن کوکان  
بیرون نمود. در آن جا کوکسی  
سنجکست، دیگران می‌  
خندیدند. شاید ان می‌گرسند  
بود که فیض مینموده معلمان  
پس هم یه جانب کودکان  
سید ویدند آن جا اگر مادری  
بود او حالت معلمان را  
سیدید دیگر همه حزنها برایش  
حل شده میبود و شاید هم نمی‌  
گفت که کوکم در کوکستان هر  
روز گزینه میکند، راست هم  
چقدر دنوار است. ما دری از  
دانستن پن کوکن شورخوار  
قدرتمندالله از نارام این  
شکایت مینماید اما دیگر برای  
معلمان کوکستان حزنی وجود  
نداشت که کوکن نا ارام استه  
کوکن میگردید ۰۰۰

# گلزار شہر کوکوتانہ خار

A black and white photograph of a man with a mustache, wearing a light-colored shirt, looking slightly to his right. The photo is set within a diamond-shaped frame with a decorative border. Below the main photo, there is a smaller, tilted rectangular frame containing Persian text.

# خوار درسان

نویسنده: زن رارسماجی  
تیر ۱۳۴۰

این نکت باعده حناء نا

مکن باشد.

- انان او چهاری کم بدارد؟

از ترس جریمه شدن گفتم:

- پل راد پوکست برایش گذا

شته ام که موسیقی بشنود ول اگر

شما امر میکنید برایش میکنلو

برز یون هم موخرم.

او سرور را نکان داد و گفت:

- خلوست ۰۰۰ برای انساط

روح او بیدهد؟

غفت باشد که بعض بزماته های

تلوزیونی بسیار خسته کن و

نکراری است. گفت: اگر

میگوید قوش ورام کرده و بدین

معجزم. گفتند:

- لازم نیست ۰۰۰ دیدن زیاد

به طرف تلویزیون چشانش

را ضعیف میکند آنها با همراه

باشی به سرو روی مرکم دست

میکشندند.

و تپن باز توجه کرد:

- وقت که برایش رشته میدهش

باید دست هایت را با صابون

پیشی گفت:

- اگر فکر میکند استهای من

کتف است رشته را بعداز آن

با غاش و پنجه به دهنش -

میدهم.

فقر جان اهن کشید و گفت:

- دوستان عزیز! در همین

وقت من از خواب پریدم از عرق

پهراهنتر شرده بود بعده ازان

عهد کردم دیگر در فکر چنین

چیز های نیامم.

صد اهزوم = انان خوشیدند

و گفتند:

غالم ۰۰۰ حقیقت نام خوب

برای او انتخاب نکرده ای زود

با شریه خاطر این اهانت پسر

کب "صد افغانی" دیگرچه.

پدهه:

صد افغانی دیگر هم از من

گرفتند. نفر - من که معلم

مشد و ترنر است پرسید:

- خدا این حیوان را چطور

باشیم را رسیده بود

گفت:

آه چن ادم بن بشدو باری ۰۰۰

بیاد ارشق را ناشسته به اوندهن

با ترس گفت.

- تغیر ۰۰۰ چن خیال کودم

اید ۰۰۰ رشته ای راه رفیقا

پناه پوستگان من شدم.

اغرین ۰۰۰ جای او خراب نهست؟

نژدیک بود یکم که در طوله

مخلوبید اما از ترس جویم گفت:

اتاقش پاک و صفات د رز

ستان بخاری برق و درتسا

ستان برایش کولر میکدام.

- آ بن که به او مهد هدید چنین

است؟

- همن آب معمولی آ بس

که خود ما هم میباشد قابل

طس خیره را میباشد قابل

از بوضوع باختر من شوتدید

بطوفم دیده گفت:

- ظالم ۰۰۰ حق آب راجو شر

هم نهدیه ۰۰۰

و از خطاقدیم گفت:

- بسیار معدود میخواهم نفس

فهیدم که این خیوان جای هم

میخورد.

چای لازم نیست.

- طرف هایش چگینه است؟

نژدیک بود یکم گن اسما

آن راه دیگر پایی پیوند مقدس

از دوازده شاهزاده آن طبقه کش

شده من این پیوند مقدس بسیار

سندروم است. زن بسام

سیهه نه یکسانه میباشد اما

به این نام میباشد.

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

آن راه از فرار از منزش شوهر را

بیان میباشد اما

صحیه از نگاه

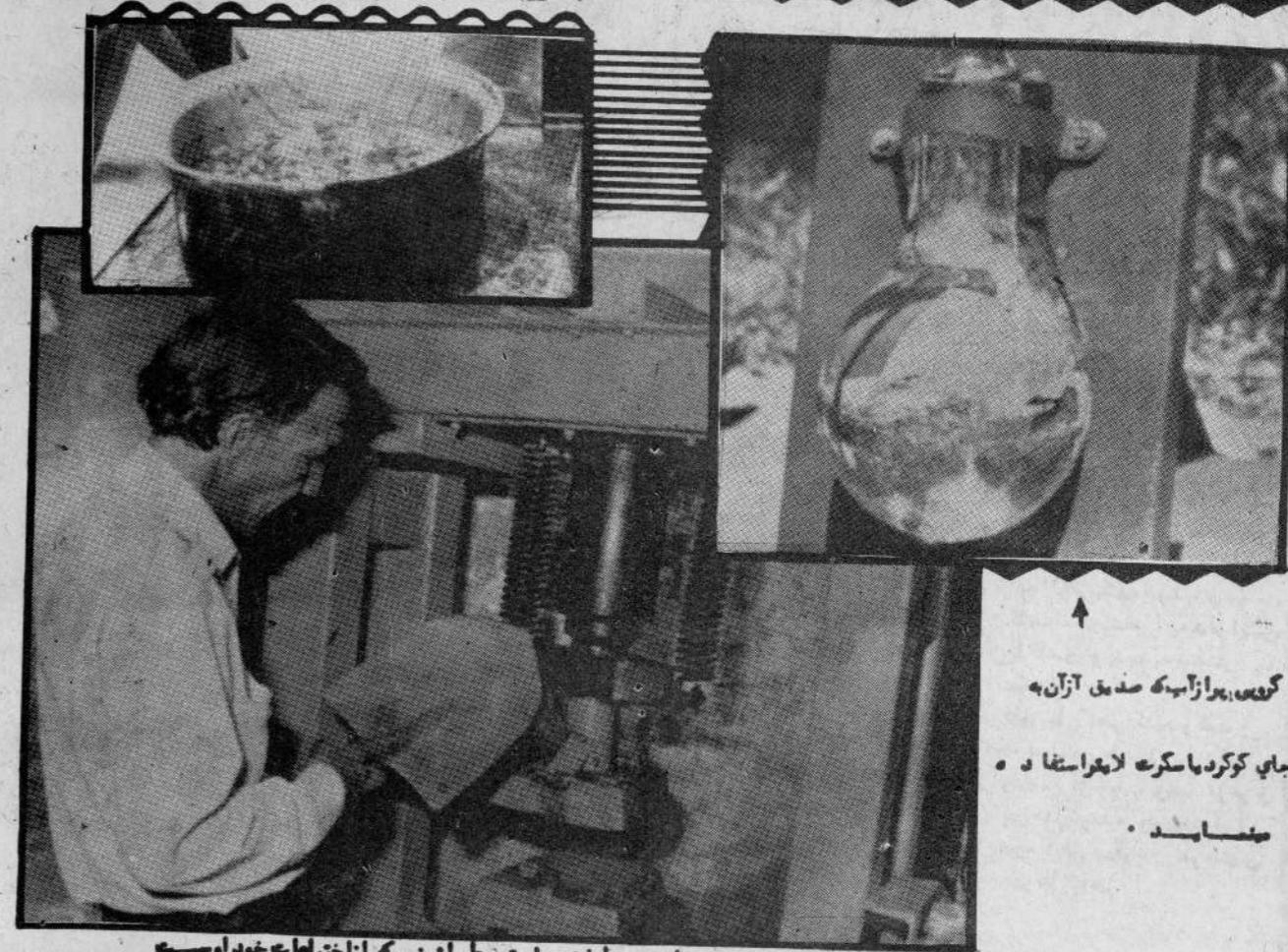
# در جنگی اعات بندی

ساعده گردید نیرا هدف خدمت  
برای اجتناب نه برای خودم.  
چنانچه چندی قبل به  
منظور ایجاد مکروکاپ به  
مکان ازراجع ذیصلاح و برده  
دوان جانه تنه از فراموش  
شده نشد بلکه توهم هم گردید  
بدم پرسیدم آیا این گونه  
برخورد ها شمارا دلسرد ایکار  
نم نماید؟  
در حالیکه چشانش از حد  
برآمده بود گفت: باور کنید در  
مقابل چنین برخورد ها انقدر  
دلسرد خشن که بلم مخواهد  
قیاد برم وان چه راک اختیاع  
نموده ام از من بروم و ندوی نام.  
باری صدق اتفاق گفت.  
بود: (انجه راک ناکن ام)  
خته ام از برگشتم صدیقه  
مفترضست یعنی وائیک تاو  
جوانی پیش بودم و نام صدق  
مخترع را مخالیق همیشه نهدم  
مشغول اختیاعات او بیسو  
آنزو مکردم روی من هم بنویسم  
ازین طبق خدمت شایسته  
من برای هو ظالم انجام دهم  
که غمانمیور نمایم  
آیا... شما کارهای  
او را تهاجم نمایم؟  
خود را استوار ساخته  
که دوچیه (۸۰)

ده متوجه شدم که از گوش  
دودیلند مشود، تماشاگران  
ده در حیرت فیروزه و لبخند  
میزدند زیرا در مدت پنج ها  
دفت دتفه کتاب بخت شد.  
اما این اختیاعات را برای یکار  
هم یافمیده  
در حالیکه سوریه را از عرق  
پاک نمکرد گفت: بلی کوئی  
را برای علاقه مندان اختیاعات  
و ایجاد ایجاد نماید.  
بعد مدتی مخترع شروع شد  
نمود به کار.  
ابتدا پیقدار گوشی را که  
برای کتاب و یخت شورا اورده  
بود نوی نموده بعد در بین  
دیگر گوش را با مراد لام اند.  
بعد مدتی مخترع شروع شد  
نموده اند.  
۲ دن کورس چه چیزهایی  
را شاگردان ماموختند؟  
دن کورس اختیاعات همچو  
گر نمودن اب در حمامها یخ  
و بیزغذاه گر نمودن اتاقها  
با در نظر گرفتن زایه انتاب تولید  
اب از انتاب، ذوب نمودن هر  
 نوع فازیه در درجات مختلف بالونی  
که میتواند توسط انتاب چند  
کیلویی نامه را طی کند.  
۳ آیا حکومت برای ایجاد این  
قرارداده که برای یخت نان  
و دیگر خیر را نمیزد می مندو  
که بالای راز شیوه و چهاراطرا  
خش از آهن بود گذاشت.  
گهت نماند که بالای هر دو صندوق  
میزد، بعد از لخت در زنگ  
پرسیدم حتی اختیاعات جدیدی  
را انجام داده اید؟ در حالیکه  
که دستهایش را با هم ممالی  
گفت: عیشه آنزو دار کنیا  
وطن و مود خدمت را آنچه  
دهم که حلال بعض معدله ها

# صدق مخترع و اختراعات

→ صدق مخترع در جنگ تانه گوشه را بازیه مخصوص آنمه لقا به  
کتاب متفاوت  
اینک مخصوص که صدق بازیه مخصوص اتفاق در طرف  
که نم ساخت افزان نهایا میزد.



گذش برای آنکه صدق آن به  
جای کوکرد پاسگره لایه استفاده  
نمی‌نماید.

صدق صرف بی‌ساختن بعل توسط ماهیتی که از اختیاعات خود اوست



## داوینکو سمندر

داوینکویه خپر کن من در دونه مسادوم  
داغیل خیری گروان که سیلانه بادوم  
برحال من همی خایه زمانه او که تقدیمه  
جن و ظی پر عان میانیستونه مسادوم  
بیلنونه ستاله لامه دا جهان راهه تورت شو  
به تور شپر کن هم شه اونه مسادوم  
داوینکو سمندره ! و داستش شپرته  
دفعه دیامه هم کی طوفانونه مسادوم  
و هم ستوکلی خار ساقی بسے رازی  
((رس)) ستادنی گونی بر هر تو همادوم

## داینکو سمندر

زره سهاد نیونه لامه  
کی همه پنهله همه چن لامه  
خلوں و کلو تورایه دیخوا  
کیس لیک اوله دووکلو  
راهیسی شمره ایون.  
زره وائی چن بوره بولس  
کاله دنارویش به بستوکس  
بره و او خلورواری دمرگ  
تریبولی تلیل ده . همسی  
دیوی یو بنتش به اسوا بکسی  
داس رویله :  
(( لکم دنیو نجوبونیه  
سان ترک بره و خکه بوری لامه  
کورو نی سانعتونو سره مخا -  
عن ده . زمزد کرو نی لیاره  
شعر ویل نه کاره وو خو  
ماد لیکو او شمر ویل لو من  
بری نه بوده او دادی او ده  
غه کاره هخ قول کهنم .  
دیشتو شاعر انبویه دامه  
کن د حافظ او دری شغرا -  
نوشته دهار عاصی اما معابو  
سره خامه همه لرن .  
زره سا غواری چن هموه  
و زنونه دشتریه زده لامه  
نبل کوکل خنخ راویاس .

عبدالاکبر از سماهای تابانک  
شمر امروز جوانان استه که  
تفهیه در راه و رسم و فرهی میسی  
شمر موساپد و دارای نقطه  
نظرهای بسیار تازه نسبت به  
هنر میباشد . او سه سال  
پیشتر به شاعری پرداخته  
و اینک چه همار مجده امداده  
ولی چاپ نشده دارد .  
آگاهی یافتم که عبدالاکبر  
از مدتی که سال به این طرف  
به خاطر شمر دست به قلم  
نیوزه است وقت درین دوره  
او او برسیدم د رهایخ گفت :  
هنوز هم در اینتداد ام این  
سکوت خامش .  
دو شعرهای وی که غالباً  
به ذهن شاملوی میباشد درین  
واقع تازه و شگفتی نسبت به  
اشیاء و پدیده ها و روند های  
جا ری هستی به مشاهده هر -  
سد .  
او میگوید در باره شعرهای  
چیزی که نه سه تا و اما بسی  
الهام ناگهانی باور دارم " بدون  
الهام یک صلح نیز میوشه -  
نه سه تا .  
شعری از عبدالاکبر به نام ماروس -  
کنج را بهم میخواشم :

من در خانه بی چشم گشودم  
که کلید در انزادار دهان مار زهر ناگسی  
گذارد ه بودند  
و آن مار  
دست وسط خانه به دور خود پیچیده ه بود  
و من از کارخانه  
فریاد میزدم  
\*\*\* \*\*\*  
باهم چنگیدم  
مار و گنج



داراست.

چون این جایگاه را گامه -  
مود. م احترام زیاد میکارند  
برهمین بنهاد بوده که اکنفا  
و آبادی های جدید آن در  
محراق توجه و علاقه مندی  
مقامات فرار داشته باز همین  
سپه ساخته ها و اکنفای  
آن (از هر چند سن) است.  
بجان اینکه دارای یک چشمیار  
پلان اکنفای مهندسین باشد.  
چون اکنفاین بخش هم  
دیگانکی مطلق از مدد  
مهندس مسجد سوزن نموده -  
بنای پنهانه نآشناه این  
قست را ملحق و متعلق به مسجد  
نگیر خواهد کرد.  
در چند دهه اخیر در -  
دورن این پارک کارهای زیور  
انجام شده است.  
الفی: احاطه در و پر عله در  
مرحله اخیر کاره و ادخال های  
فلزی ناموفق که احاطه پیکمسجد  
و پیوه این مسجد بوده نه  
تواند بالای احاطه خفته است.  
پیشمن کاره است.

بی: حوض های پوشه گیری  
دارای تل های بد شکل جانسی  
و گرگرساخته بیکانه و دارند  
جاشک ها.  
ج: اتاق و اتیپ دارای گرکتر  
صنعت نما.  
پیشه در صفحه (۴۲)

# نمای و درونما

این طرح های اکنفای  
بیکانه در دو بخش آن را مورد  
پرسش جدی قرار میدهد.

بی: و ضوخانه دارای

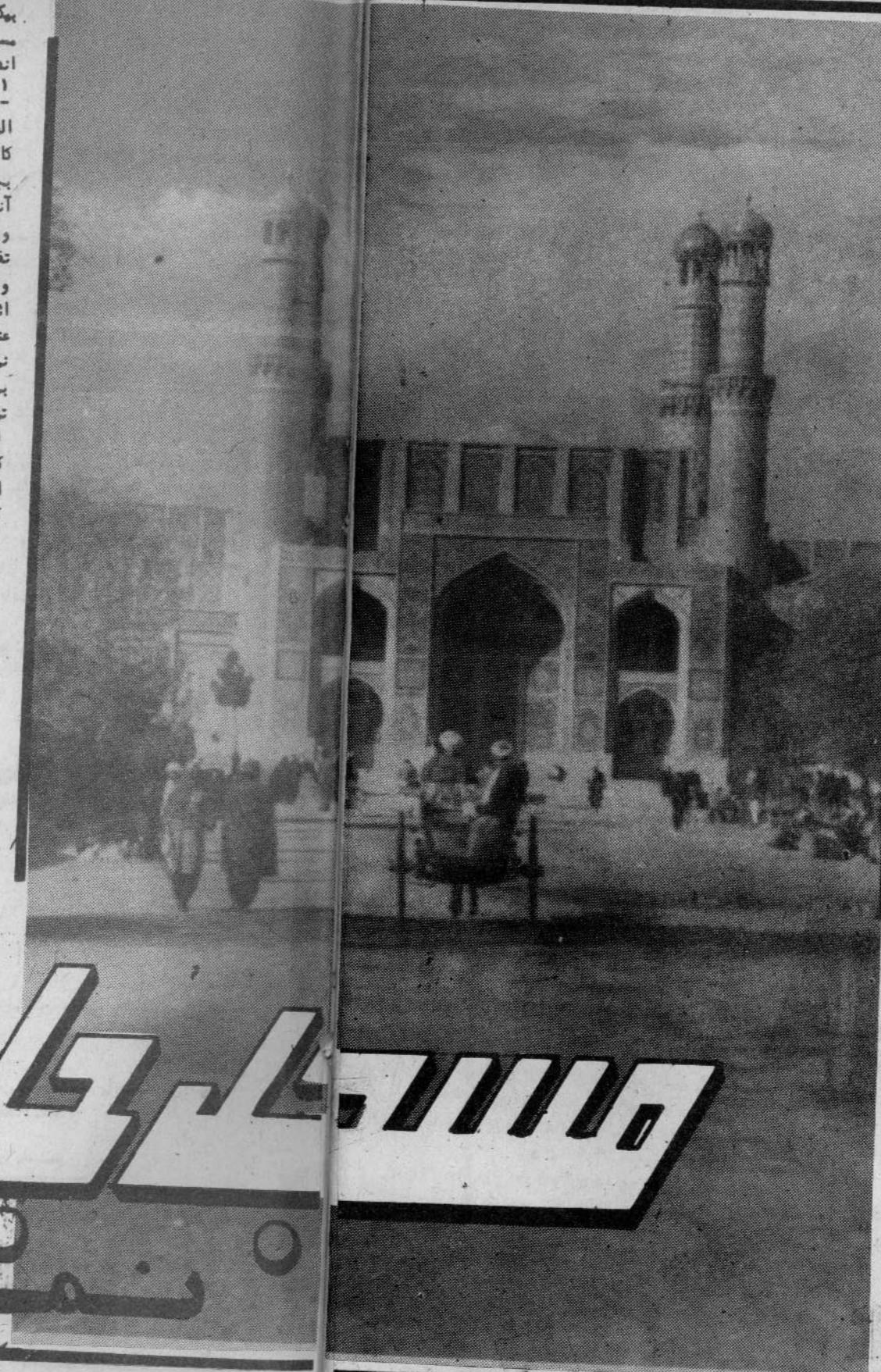
اند:

## ۱- بخش روی:

الف: - سنگفرش جدید و نیمه  
کاره صحن و سوچ درونی است  
بخش روی از توکاف طبیعی  
برخورد آن بوده و امکانات سور  
رسانی دیگر هم فعلاً میسر  
بالای آنکه طرح بیکانه از  
مسجد است. بخش پرسن  
حوض دارد که در بیکانک -  
نقسم بندی شده اما از تراکم نکه  
و تون سنگفرش (سیاه و سفید)  
های بزرگ با ارتفاع ۱۵m H= ۰.۶  
عرض (پوای فعلاً) بسواره شوار  
پیشتر مورد استفاده و نکار  
برد نوع کاشی پارکهای بکار  
گیری و ضوخانه های پیوه از  
لحوظ صحن بیان میدارد. در  
شرایط معاصر اینکه مساجد  
با استفاده از ایجادهای جدید  
آبرسانی بیشتر حل شده میشود  
بتواند جای پیشتری داشته  
باشد.

الف: - پیش روی:

اکراز فرازیام مسجد جامع  
در زمینه زرف نگریسته مسوده  
این انکاره نادرست چلوه من -  
وندان و رهگذان در ارها  
که را زادی نهاد و دیگر ملام  
زیهای پیوه یعنی شده باشد و  
باز با یومن دستگاه جمهزک -  
ش سازی در مسجد جامع -  
مورد نیاز میتوانست به آسانی  
در ستون قرار بگیرد و مهندس  
از همه این صحن بزرگ که در  
تابستان پیشتر مورد استفاده  
بایزین ساحه ضعیف بود.



با آنکه مسجد جامع بزرگ  
شهر هرات جایگاه مقدس  
نه است، مکاره میگذرد  
نگاه طرف توجه علاقه مندان  
علم و خنز قرار میگیرد، نیز برادر -  
این جایگاه نه همین تاریخی  
انواع هنر، صفت و چیز -  
(مهندس، سنگفرش،  
هنرتوئی، کاشیکاری خوش -  
نویس، گچبری و ...) -  
در خنثیهای بیهانند یافته -  
اند.

آنچه بر عظمت و شکوه  
پیشتر آن مغایزید اینست که  
علاوه بر این علم و هنر هر کدام  
شکارهایها و ظرافت های آنرا به  
گرفته باشد. در حالیکه بیهار  
و چشمیت ساخته ای آن با این  
شیوه و میاد مکن اینکه هم  
استند.

با اینکه دین نیسته طرح  
مهندساً اینست که آیا اکنفای  
پارکهای فات تاریخی و مهندس  
این مسجد او صاف و خصوصیات  
مهندساً واپس بخودش را دهیال  
بازهای کوهای سیک مهندس  
اسلام (SICCAH).  
آن طرح پیشتری که ساخته  
شده است کارهای  
کافی ولائم داشته و دارد  
و در آینده نیز خواهد داشت.  
دور نهادهای تابعی درونس  
و بیرونی زیبایی و برجسته کسی  
و زیبایی دارد. چنانکه دور -  
تای شهر هرات با دیگری  
مسجد جامع آزاد است و دلیل بر  
گفته است و مهاری فهری  
مخصوص به آن داده است.

از صفات پیشتر که باعده میگزین  
شناخته شده اند اینست که هم  
های اینکاره های از اثر دیگران  
و میاده مکر هرگز به بیان  
دهه اینکه بوده است که -  
درین تاکنین نیز آمده دارد.  
اگرچه طرح های جدید و اینکه  
عن باید تناوب با اطراف گذشت  
و پیامون آن واده دهنده  
بیوه کوهای آن نزدیکی دار  
زمان پدید آین خود هم حکایت  
داشته باشدند.

این گنبدانکهایان و طرح  
های بیکانه در آثار تاریخی  
تنها اثرا واقعی ترند از ای کارهای  
بیشتر نهاده اند بلکه از اینهاست  
تاریخی هنری و کارهای آن  
بقدرت کافی کاسته و آن را از لحوظ  
هنری و مهندس فرق نمایان (لائم و  
قیمت ناساعد پیشگذره و نا آفنا  
خوب هنری میباشد پیشگرد و  
قرار میگردند.

## هدف عمده:

مقابل ران و قسمت های خارجی ران ها را سفت  
ساخته و موجب تقویت شکم میگردد.

## تئصیره:

توجه کنید که پای دراز شده باید تاکه میتواند استوار نگهداشته شود. تاجاییکه توان دارید این پوزار بروای مدت طولانی نگهدازد.

## تمرین پابه کمک دیوار

## هدایات:

- ۱- طوری بستاده شوید که پشت تان به سوی دیوار باشد.
- ۲- تنفس کنید و پشت را به دیوار چسبانید و فشار دهید.
- ۳- نفس بکشید و ساق پای راست را تا سطح لکن خل صره بلند کنید. پای تان باید نرم و ارجاعیت داشته و زانوهای تان راست باشد. این حالت رابرای مدت ۱۰ ثانیه نگهدازید.
- ۴- تنفس کنید و پارا به حالت اول پایین کنید. استراحت کنید و پارا عرض نمایید.

فوتوی شماره (۳۸)



38

## هدف عمده:

بطن را خرد و تایت تکه هم برد.

## تئصیره:

موقع نفس کشیدن و بلند شدن توجه کنید که شکم را بداخل فرو ببرید.

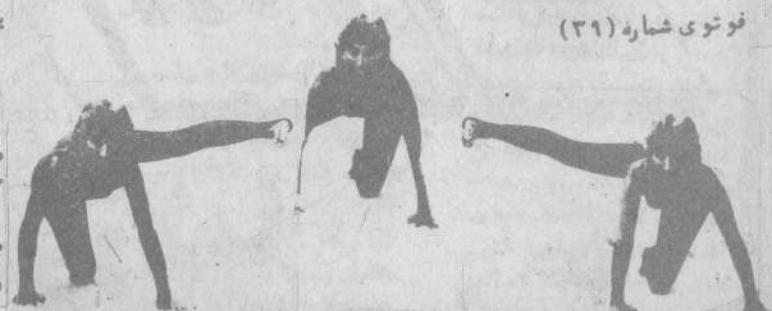
## حریق بلند کردن پا

## هدایات:

- ۱- روی پاها وزانوهای تکه کنید.
- ۲- ساق پای راست تان را به یک جناح به طرف خارج دراز کنید. پای تان باید ارجاعیت و قریش خود را داشته باشد. ولی پای دیگر تان باید روی فرش - مکم و استوار باشد. نوک انگشتان تان باید موازی با شانه های تان باشد.
- ۳- کمی به طرف چپ مایل شوید و ساق پای راست را بلند کنید. عینقاً تنفس کنید و همین حالت را بـ ۱۰ ثانیه نگهدازید.

۴- آهته اهسته پا را پایین کرده واستراحت کنید. پارا عرض کنید.

فوتوی شماره (۳۹)



## تمرین ملخ

## هدایات:

- ۱- شکم را روی فرق بجهانید و دراز بکشم طوری که دستهای تان در کار تان قرار داشته باشند و همه رانه را نگهدازد.

- ۲- تنفس کنید و دعین زمان قسمت علما و سفلی تنہ را بلند نمایید . کمر را فات کنید و به بالا بکنگرد . این حالت را برای ( ۱۰ ) ثانیه نگهدازید . عمیقاً تنفس کنید .  
 ۳- نفس بکشید و به تدریج به حالت اولی برگردید .  
 یکبار دیگر این تمرین را تکرار کنید .

#### فوتوی شماره ( ۴۱ )



هدف عینده :

سینه ، کمر ، ران ها ، لکن خاصه و شکم را تقویت میکند .

تبصره :

این بزرگشیرین تمرین تنفس کننده عمومی بدن است .

#### تمرین فشار وهم آشناگی

هدایات :

- ۱- با راحتی ایستاده شوید .  
 ۲- گف دستها را به هم مholm بگیرید و بازوها را نام سینه بلند کنید . آرنج های ثان را فات نگهدازید .  
 ۳- عمیقاً تنفس کنید و بعد نفس بکشد و گف دستها را بهم بفشارید . این حالت را برای ( ۱۰ ) ثانیه نگهدازید .  
 ۴- خود را آزاد سازید و تاشمار شرچار استراحت کنید . تمرین را بار دیگر اجرا نماید .

#### فوتوی شماره ( ۴۲ )

هدف مهدده :

سینه و بازوها را سفت و مناسب مساوازد . این تمرین به صورت خاص برای بند دست و مساعد نهایت مفید است .

تبصره :

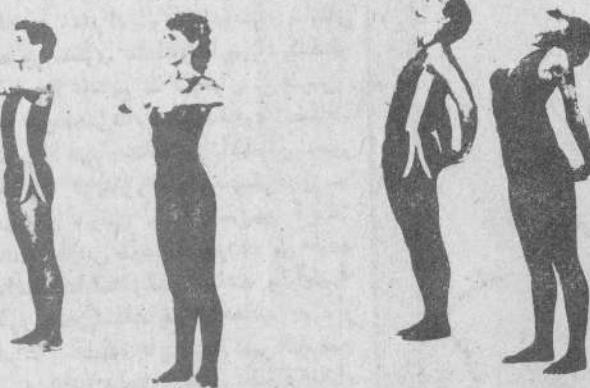
موقعیه کف دستها را بهم بفشارید سعی کنید - عضلات سینه نیز فشرده شوند .

#### تمرین هاید رانت

هدایات :

- ۱- روی دستها وزانوها اندکا کنید .  
 ۲- زانوی راست ثان را به یک جناح به طرف پیرون تاک میتوانید بلند نمایید . توانی وکتروول را حفظ کنید . این حالت را برای ( ۱۰ ) ثانیه نگهدازید .  
 ۳- ساق پارا تا حدود شش انج پایین کنید و این حالت را مجدداً برای ( ۱۰ ) ثانیه نگهدازید .  
 ۴- آهسته آهسته پارا پایین آورد و تا حالت اول -

برگرد . استراحت کنید و بعد تمرین را با پایی دیگر - مجدداً آغاز نمایید .





پیغمه از صفحه (۲۱)

# احساط کش

هند اصلاً تاثیر ندازند جرا  
که میگویند بخاطر ارزان بودن  
قیمت آن تا حرمان ادبه به  
کبین هافرماش میدهند  
که مثلاً اهلین افغانیکی  
وکوترا میکسانوں ۸ افغانیکی  
تبدیل کرده بفرستاد اینکه مواد  
آترالز چی من سازد مهم نهست  
در همین رابطه فعلی بنابر  
بنده بودن قیمت آن مرد  
ترحیج قیدهند ادبه ارزان  
اما غیر مفید و خسیده ای تایید  
اغلبها هسته بان بوساد و مرد  
مان که از اطراف من آمدند  
ادبه تاریخ تعریشه را بد  
ست میاورند که حق سبب

پیغمه از صفحه (۲۹)

# مجله جامع

۱ خدمات و عناصر بساد  
شده بالا شده در خارج  
احاطه متعلقه به مسجد با  
استفاده از ایکاتنات تنگیک و با  
تفاوت ارتفاع (تفاوت بیش از  
۲ متر در سطح) در زیرزمین  
بکار گرفته شوند. تاهم سیمی  
مهندسو این بخشن زیبا بهم  
نمیخورد و هم دارم "ثراز آن -  
بدست موآمد.

همه و همه اینها اهداف  
خوب و شریفانه بی بوده اند که  
جهت فراهم آوری تجهیزات  
بیشتر و بهتر برای مردم و آراسته  
و پیراسته ساختن این شاهکار  
جاودانی، از نهاد اهمیت تاریخی  
را روی آن نهیتان کداشت.

د: - مهندسیادگاری (مونو -  
منت) دارند "وجود غیر  
ضروری".

ز: - تائید بزرگ فلزی بوازد خود  
آب بالای دیوارهای سنگی  
بلند و کلفت.

س: - شتابهای عامله و چهار  
صیغه جدید (دوراز خصوصی  
صیات ساختمان).

ش: - حوش های تزئینی!  
با ارتفاع بلند بوارهای دارای  
دید دشواره هیچگاهی نیست.  
بخشن وظیف بوده نهیتاند.

ونام همچ سین مهندسین  
را روی آن نهیتان کداشت.

بلند بوده شاروال کابل  
از قدر نهستن را تکنرول  
کند باید جلو تقلب را بکسر د  
تر از بیکی که س انصاف است  
و دست و وزن نهند ترازوی  
تصابی که پیش از گشت اند اب  
شده چربودارد باید مبارزات  
شود. اجتناس فروشنده گان  
باید در بازار چت شود انجه  
تاریخ گذشته و غرصحی است  
باید از بازار جمع اوری شود  
و گذشته هر همچویی مانند  
که هنگام خریداری تغازی مدنان  
انسان را در انتخاب اشها  
و اخنا سورد خیور شان از  
نیز درست بود و می بود ن  
کم کند احایه نهند که بهی  
فروشنده های س انسان  
خان به چشم خرد ارساد  
و خوش باور پیشاند.

• لطفاً به دوستان و تقدیم کان  
هزاران و هزاران سود  
پوچید که در مردم و در هر ز  
خرید محاط پاشند چرا که  
این بازار تقلب چند روزگار  
رنگ شد.

موافق.

۲- تخریب بیمهون طرح  
های نام موافق در آینده رؤشن  
فرهنگی.آ- پیاده تهدون طرح  
عای موافق دوباره در آینده -  
رؤشن فرهنگی.

بعضی از جمله جلوگیری از بروم-

زدن سهای فرهنگی و مهندسی  
آثار تاریخی که در رواج بیانلرتاریخ فرهنگ هر جامعه بکوئه  
مادی آن اند جلوگیری از زیانهای فراوان اقتصادی ناشی  
از اینهونه برخورد ها ضروری

و حقیقت است تا صلحیت -

طرح و دیزاین و اعماق اکتفاف  
مهندسو آثار دارای ارزشهای باستانی و هنری به اهل  
فن و مهندسین که به تاریخو اثر آشنا و علاقه دارند داده  
شود. واید هر اثر قابل توجهو اکتفاف دارای جنجال پلان  
و با دورنمای اندکی باشد  
و این مسئله ای است که اندک  
توجه و دستوری به آن نبوده  
است.

مرک بیمارشان میگردد.  
وب پادشاه رومی  
کا از دنها به اینسو ماجرا ی  
دو و د رازرا از سرکش توانده  
است هنوز در انواع تقلیلی  
خود وجود دارد به فروش هر  
سد.

دراستور منازل پختاری.  
ها و انتوپ ها در اکتوبر جاهای  
ماشین موند های اخراج شده  
اند هر که در تبل آب مخلوط  
میگردند و این آب آنست  
ماشین ای اس دیکه بقدر  
ضرور اردد احمداند؟ فقط  
روغن هایی که با کچالو و موس  
**شوند** نهاد نمیگش  
نمیست. اگر بناهی برای ساعت  
بازار بیو مکان و سهه دیگر  
بطری پختی حافظن نمیست  
بینانی بطری اصلی بید است  
و عن اسر ایوان اعماق انتیان است  
و پیش از بند زار سریده دارد.  
و سرمه ام بالان میم  
شتابه بخوبی باید کرد?  
بدتر است سان ۱۰۰ میم  
موده را از طبق اعلانات و تبلیغات

یخ و مذهبی هنری و  
مهندسو مسجد درست و بجا  
بکار بسته نشده اند. و حقیقت  
از این ویهای مهندسی و  
هنری آن ناشی اند. هر کام  
کسی به این بخشن چشم بد و زد  
سهای یک مو میم سه ساخته ای  
فرا روی ۱ و سیز میشود تا.

الحقیقت مسجد نگرستن به  
این واقعیت آشنا من سازده  
یا بجهت مهندسون مراجعت نشده  
و ما مهندسون روی بعضی هوا  
مل مجال و مکانی برای طرح  
های موافق و مو شرند ناشی  
اند.

این کونه برخورد های  
شتا بزده دیگر برینا هاو سا  
ختنهای دارای اهمیت تاریخی  
یخ فرهنگی و مهندسی و بیویه  
در را اکتفاف مسجد جامع بزرگ  
هر را فردایی خواهد داشت  
چنین مسائل از چند کامیاده  
بریاد شده میان بالا زیان  
های اقتصادی زیاد رانیزه  
بار میآورد.

۱- اعمار طرح های نا-

پیوی از صفحه (۴۱)

# جار و حنجال‌های

است

موسوف در سال ۱۹۲۱ دریک خا-

نواده دخان در محله کنگریا یافت  
اند را پروردید و به جهان گشود او  
با ملحوظ بزرگ شده و غصیت شاخصی  
نیز دارد آقای لوگورس پوهنتون  
درس خوانده که عبارت اند از: پو  
هنتون های عثمانیه بهیش و لونکور  
و لونچه لوئان در علوم طبیعی را باده  
حقوق یکجا کرد است.

پک شہر و اعتبار او به شایه انسان  
که بینده زبان را میداند سایر  
استعدادها و دستاوردهایش را تحفته  
شیرقاردار داده است. مبارش در حرب  
زدن بعد سانه‌ای انگلیس یعنی  
سانگریت تیلیکو کانادا، مراثی فارسی  
می‌معربی هسپانیو و زرای خا رجه هندو  
یکی از مخفیتین وزرا رجه هندو  
ستان شانگیز کرده است. در پهلوی  
آن کارنای ادبی اشنیز قایل ملاحظه  
است و جلیزه اول ساهیتنا اکاد من را به  
خاطر ترجمه اثر "پیشوای اسلامان را بین"  
به زبان هندی به ذمت اورده است. او  
همینان ناولی را از زبان مراثی به تیلیکو  
ترجمه کرده است و ناول ند کورانو.

یسنده معروف هری نارایان اپیچ نوشته  
بود و بورد تحسین فراوان نیز فراز گرفته  
بود. آقای راو برای شرسال در رام  
کمیته انتخاب جایزه جان پت فرار داشت  
آقای راو هنوز در مکتب بوده به سیاست  
رو آورد و در اختراض علمه حکومت نظام  
که سرودن و اندی ماترای رامض قرارداده  
بود، در سال ۱۹۳۸ در کالج خود فنا  
لانه سهم کرفت. به همین گونه او در

خانواده شناسای شده است، از نظر  
سایکولوژیک نیز استقرار حزب کانگریس  
که شخصیت‌های چون جواهر لال نهرو و  
اندرا گاندی و راجیو گاندی در راس آن  
فرار داشته کار بزرگی است و ضرورت  
به آن دارد تا به راه هنوز هم بتو رو  
خوبی رهبری شود.

شرح مختصر زنده کی نارامیارا:

پامو لا پاتری و نیکاتانا زاسیما راه هو  
تیار مردی از جنوب هند است. او زبان  
شناس دانشمند، ۲۰ رونالیست، حقوقی  
دان، معلم واد رچ برجسته است.  
اقای راو که به تاریخ ۴۸ جون سال  
روان وفتاد ساله شد چندی قبل مسوب  
لیت بزرگ را عهده دار گردید. او به  
تعقب قتل راجیو گاندی به نیت رهیس  
حزب کانگریس اندرا انتخاب شد.  
آقای راو زانه بک اداره جن با توجه  
است از روی هم ریانی پیش. وی "صد  
میزند" و همچو کارهای کلیدی را چون  
ستهای وزارت دفاع و وزارت خارجه  
منابع انسانی، حقوق و صحت و تعلم  
و شریه هم در مرکز وهم در زادگاهش ایا.  
لت اند را پروردیده از سال ۱۹۶۲ به این  
طرف به عهده داشته است. همچنان او  
رعایتم ایالت اندرا پروردیده بوده.

اما بانه سه هیج عکس العمل  
و تشویق رادر مقابل ندهد م  
و اس ماتمن رایانی کسانی که  
خواه رخیداری ای را داشتند  
فروشند.

بعد از ختم کلام متوجه شد  
که یا پیدا پیکه را زین داشت  
بجهد اورد قبل اینکه که به  
ظرف دیگرها بروز گشت و می‌  
چمزه‌های را بیان که مردم و  
دمو شانم به آن شرورت  
دارند.

پا این شان به لوف دیگه را  
رفت زمانیکه روز دیگر که را بروز  
داشت واتعاً جای بسود  
دیگر شوریا محو شد و بنابر  
دین یعنی شده بود که همه را  
تعجب ساخت.

از کنگر و پیشتر کارهای نا  
ای ادگردیده است؟

- «ندین سان قبل که امرتاین  
ایه وریا بودند پسی

شان آیس نداشتند تایا اسنا -  
شان: توب از تراخانم را نزد -

ام ریا ایه اند که من چه تاد  
ان دار از رشد موده -

\* تسبیحه در راهیه رای -  
شان: شان شوانده ایم شما بسی

ما: من بیل سایی نهرا اختراع  
نوده بودند که روزانه سدها

بیل: نویل میشمون دارای مورد  
لر لیا: روز نیش بخند ازید؟

- زمانیکه ما: من به من  
مساعدت بیوی کرده اند از آن

دهمینه منون را برای بدھائی و -

دیگر عموم شانم مدیا نموده ام

# کتاب در طرف...

پیوی از صفحه (۵۲)

گفت: راه مدنی اتفاق نهاد  
وراه عدیم مختار بعد است  
کار رای ماهیج ارتبا لی سا  
هم ندارند. آن مدنی اتفاق  
مرا همکاری و رعنایی کند همکار  
نه را من پذیرم آن هم بشه  
شان رخدت به مردم. ولی  
رئیس رای مازم حد است.  
\* به کسانی شمارا درست  
کارهای شان مساعدت نموده -  
اند؟

نداشتند و اگر چند شاگردی  
هم کاستند همه درخواهان را داد  
نامم سخنان اورا گوش داده  
روزی مکررا مراجعت نمودند  
پادشاه شدن به صحن  
کودکستان مکرر نمود کشید  
کودکستان روز قبول ننمودند  
علم هاوشاگردن باحدبست  
و نظم حروف کاربردند پس  
استفاده از موقع در صفت های  
این کودکستان قدم گذاشتند  
در صفتی که داخل شدم معلم  
به اسم خلیفه نماز مصروف  
محبت باشگردان بود بعده  
از بیرونی بولالش را با این طرح  
نمودند که سخن ماله پس  
پاسخ هارا از آن نمودند  
شلاق از خدمت نمایی خواستند  
تادربورد برای بلهای شان  
در کودکستان چشم زیبی بگویند  
او هنوز لب نشسته بود که ماله  
چنان پاسخ داد: «نداشتن  
سامان بازی و مادر درسی مکنی  
ان برای بلهای منه است»  
پس پرسیدم چگونه اطفال را جذب  
پ کودکستان نمی نمایند؟

با زخم ماله چنان گفت  
نهقل راکه مادرش در راه پاشد  
و پیش باشد تسبیک شنیده ام  
بعضی شاگردن مکتب را برای  
آثر شناخت و واسطه های این  
کودکستان پس از وقت نکتے  
که جذب مهندس شناخت شاگرد  
مکتب را بیند ب توجه اند  
ماله همچنان هم شاگرد مکتبی  
ند این امن حرف یکی هشت ط  
است در حالیکه ظاهره ظاهر  
مانن کودکستان سخاوه درجور  
جذب اطفال مکتب به کودکستان  
ها چنین گفت: «  
- ماتنه اطفال معلمین کود  
کستان را درین دهله زیر که پنهان  
موافق نیست کودکستانها  
بخصوص داده شده در کودکستان  
سخاوه خاده ام اگر که هیچ گزنه  
مشکل را برای اطفال کودکستان  
امداد نمایند در حالیکه  
ماله مهندس بود کودکستان  
شروع ننمود به قدم مارا هدرا  
هی سکردا از اخذ احافیه نمودند

پلای تریه اطفال چه نقشی  
و اداراست؟  
- شناختن باید گفت که استند  
سواری از موادی مانند  
ظاهر آرایه و توصیل خود  
دارند ولی در برای کودک شان  
بیوکن مثل میانند چنین  
لها سطح اثبات شده و گفت  
میانند و مثکل سخنان تیول  
کرد که طفل از ایستاده سهی از  
ماله دوست معلم دیگر  
کودکستان سخاوه پرسیدم که  
هدف عده کودکستانهاییست  
آیا صفا غذاء اداره اداره  
نخواهد؟ پس دفعه اطفال پار  
اما در کودکستان اتفاق نیز  
تندیه و تکدداری اطفال شروع  
نمودند اطفال به خواب، سان  
مت تیری، پانهایی هتلانه  
وازارگزه و این در آن درستند

پسیاری از تأمل های اتفاقی  
شاترا غلی از این که به کسر داده  
کستان بسیار بزرگ شده است  
این تابه که نه رشته بسیاری  
شان از بارگزاری کوچ خوردند  
بجزئی تاطلف شان پاره شده  
به طرف کودکستان میانند  
اما اگر رویی همان کار رساند  
نکرده کودک پا طبل با راهی  
شدن به طرف کودکستان  
به کوه شافتند دیگر این که  
پسیاری از تولد کان در بزرهای  
اول که کودکستان میانند  
نایبلد میانند از همان سی  
با آمدن به طرف کودکستان  
نارامیں نسلی مشهود انتزه  
به مانشان راه داده است که این  
کونه اطفال پس از میشند  
کودکستان چنان این ریگزند  
که هنر با آمدن به این طرف  
دیگر خدا مانکن را با والدین  
خود فراموش نمایند «درینه  
از خانه نورستان میانند  
کودکستان دوستی درسته  
آن هم که اطفال در کودکستان  
سماوریه پرسیدم».

پلهه از صفحه (۲۱)

# معلم، مادر و ۰۰۰

و هناین درس این های هم  
پلان هایست که باید بالای اطفال  
ل تطبیق شود.  
و حیه مشخص معلم دیگر  
کودکستان سخاوه پرسید  
کم توجه چنین گفت: زانیکه  
یک دشتر مادر ریشود باید  
بسیار از همه موبه صحت نظر  
فست و کوبوده ای طفل خود پس.  
شد در پسر آن طفل کموده ای  
راکه در وجود خود احسان  
پیشایده هم تغیر اصوات و مفاسد  
اند که آینده طفل را به خطر  
سیان ازد در عزم حرفاها ی  
ملان کودکستان سخاوه  
و همان را به طرف کودکستان  
شون در تعقیب نمودند. «ساده  
دو همین پیشان را شسته بود و تشن  
به آمریه اینجا مراجعت نمود و  
با ماله مهندس آن کودکستان  
مترس شدم سخن صالح.  
جان پس از درستی و نشان  
ستنان نایاب نشواسته با  
روزی مکرر آن جا مراجعت نمود و  
به گفته خودش از اطمینان  
پیشان آن تقدیرها نیاد شاگرد  
پرسیدم تسلیم مادران

زانده از یهند معلم صاحب  
ها یکی سرمهه ام راتایه  
میشود دیگری سرمهه ای  
و آن دیگر تیم میشود زاگر  
شهر معلم شیرخوار که اه  
کودکستان سخاوه دریابان  
یکی از زر شدام گفته بعضاً  
حال و حنای های خانواده گی  
پرخانه مادران در وازعی  
نهیل حالات تائیر میشوند  
بالای روان کودک دارد. «  
دانه این از همین گونه  
اطفال که روحانی هی بوده اند  
به همان حالت پرخورده کی طفل  
پیش اطفال دیگر از همین تیر  
مساوازد. این وظیه معلم  
سنه تاچه گونه طفل را زنده نشاند  
های روان، خستک و دلتنگی  
پرهاشند زینه را هنان مسلم د  
سازد که طفل هم نشونش  
درین و افراد پوش شناید تا گفته  
نهایه که اشت که سلخد نموده  
صلی خوب زینه کی بسرا ی  
شل در قدم تخلیه و طفیله  
پالقی اوسته  
پرسیدم تسلیم مادران

قد راسون آن کشور برایم داده  
شد .

- در اخیر اکبر پرسی را طرح  
نکم خود تان چنی خواهد  
گفت :

اینکه دل آخرين لحظه رشته  
کلام رایه دست من سهندید با  
استفاده از فرصت میگویم که  
ورزش بدمنتون از ایام رازی  
در لست ورزشها کشورها درج  
گردید و وزیر شکار بسوار -  
ست بعد شنین اکتوبر در این  
عرضه دارم ، اما اند که همین  
توجهیں بخاطر خضور باشند  
وزیر عکاران این رشته در خارج  
از کشور تقدیمه است و  
موضوع دیگر آنکه همیشه و  
مخواهم مقام قهرمانی ام را حفظ  
نمایم .

- من هم مرفقی و قهرمانی  
همیشه کنرا ایمان آرزو میکنم .

از طرف کمیته ملی المپیک در  
انستیتو پولی تختیک کابل راه  
اندازی شده بود که با اخذ مصال  
طلا تقدیر نامه و یک گپ قهرمانی  
عظام قهرمانی را حائز شد که -  
البته در رشته پینک پانک نیز  
دسترسی کامل ایام و در این  
رشته یک مصال نقره گپ قهر-

مان و یک شمارت تقاضه نامه های  
ورزش داشت .

- چندی پیش سفری به کشور  
استفاده شوی داشتند و مورد  
نوعی و نتایج مسابقات تسان  
حکایه نماید .

- پنکاه قبل که جبهت انتشار  
درو مسابقات دوستانه عالم کشور  
اتحاد شوروی شده بودم با  
تمهای جوانان رشته بدمنتون  
و یعنیک پانک مسابقات را جرا  
نمودم که به استلاح همچو  
"باخت" نداشت ، واژه اجنبی  
با خود یک تابلوی ورزشی و  
یک پتوون که تصویر ورزشی بروی  
آن حک شده بود از جانب -

پیش از صفحه (۱۱)

# آرزو دارد ...

بد منتون پذیرفتشدم که در هر  
دو رشته قهرمان میباشم .

- آیا به نظر شما ورزش بدمنتون  
تعجب نمیست ؟

میکنی میکنیها نیز میکنید به .

تصورمن سوال شما از این نکته  
منشاء میگردید که من یک دختر استم .

- نخست همای چنین حرف در  
میان نمیست ، صرف از نکاه ورزش

طرح نمودم .

- خوب ، بشنوید !

ورزش بدمنتون ، ورزش -

اجتماعیت که به تعقب بالعالی  
یکانه ورزش نیز میباشد ؛ زیرا

این ورزش هم به شکل دلیل و -  
هم به شکل سهندل "افرادی" .

اجرا میشود و بروز شکار است تا  
حاکمیت عالم تمام بالای میدان

داشته باشد ، البته در شکل

پیش از صفحه (۵)

# مردم در ...

طرد هرگونه اختلافات بدهی  
قوس و منطقی چون ملت واحد  
علیه دشمن بجهاره بود اختند  
و به این ترتیب و حدت ملی  
مردم افغانستان که تو سلط  
رها را می تبلیغ میکنند -  
بانگر پیروزی تائیش آنها علیه  
استمراگران انگلیس بود .  
این اقدام پروسه مبارزه در راه  
استقرار حاکمیت ملی دیگه رو  
راتکنیل کرد . لذا بدهد من -  
مود که رهبران قیام های ملی  
از همیشند و امور استقلال کشور  
روی احساسات پاک وطن پروری  
مردم را خانمین تا مشیر خود هار  
نیز شماره ای اتحاد و همیشگی  
د رصفوف میانهن پیوستند -

د (۲۳) پیش از صفحه (۵)

چس کار مساقیه و رسیده و  
لیدل چن خیل گوشی من تو  
کل دی . تا سو و گویی ، هنـ

د اس محکم سندان و دلس و  
چن تزدی و وسندان سوری شـ  
دهنه لارسی سندان بوری  
کلک نیشی و او تول هنـ خلـ

چن به لاره تیندـل ، مرـ شـهـ  
س و رسـهـ و نـکـهـ ، هـوـکـهـ ، لـ  
دـهـ سـهـ چـنـ مرـ سـهـ و نـکـهـ اوـ

دـیـ بـهـ سـنـدانـ بـورـیـ نـیـشـ

مرـشـوـهـ

مدبر محسن که چن دکوبـ

چنـ تـرـ شـنـکـهـ لـارـوـ وـ وـکـلـ

هـنـهـ دـوارـهـ دـاـسـ بـرـوـلـ

نـیـشـتـ وـوـ جـنـ تـاـهـ وـلـدـ دـوـاـ

رـهـ سـوـ بـوـ دـیـ اوـ مدـبـرـ خـبـلـ

سـرـ غـوـواـرـهـ بـلـ لـ دـیـ چـسـ

دـوـاسـ ، دـوـتـوـرـاـهـ بـاـبـرـتـهـ

وـگـرـمـیدـ اوـ بـهـ خـبـلـ بـسـهـ خـوـکـهـ

کـبـنـاسـتـ دـکـلـدـ بـاـنـیـ سـ

دـمـزـلـهـ سـوـ وـاـخـمـشـ اوـ شـوـ

شـمـیـ وـرـوـسـهـ بـهـ دـسـتـرـکـوـ

لـ کـوـنـهـ مـحـمـنـ اوـ کـوـچـنـیـ

وـهـلـکـهـ وـکـلـ

(( داعلک لیونی دی . نـهـ  
بـهـ دـارـیـ چـنـ کـوـلـ شـوـهـسـ

تـهـنـیـ وـلـبـوـ ))

هـلـکـ وـوـلـ : .

(( وـ لـوـنـ نـهـ مـ رـاصـهـ

چـنـ دـهـنـهـ شـنـنـ سـرـیـ مـانـیـ

هـ وـرـشـ اوـ کـوـنـسـ سـ وـگـوـوـهـ

زـمـزـ دـکـوـنـوـبـهـ تـلـ جـوـیـ نـیـشـ

وـیـ (۱۰)

مدبر ویل : (( یـ عـنـدـهـ

لـرـ چـنـ دـاـ کـوـچـشـ لـیـونـ دـیـ : .

محـسـنـ سـوـاـبـ وـرـکـرـهـ

(( هـنـهـ لـیـونـ نـهـ دـیـ . مـاـ

بـخـلـهـ هـ شـوـارـیـ خـلـیـلـ کـوـ

بـنـ دـدـهـ بـلـارـهـ وـلـوـرـیـ دـیـ .

خـوـدـرـوـسـتـ تـلـ لـیـارـ کـلـهـ

چـنـ وـرـظـمـ ، مـانـ سـ وـوـلـ

هـنـهـ خـنـکـهـ مـرـشـوـیـ دـیـ ؟ بـهـ

وـنـ هـنـهـ خـوـشـلـ چـنـ بـهـ سـوـهـ

کـوـنـهـ کـهـ بـهـ وـوـهـ . کـهـ بـهـ

بهیه از صفحه (۶۱)

اخ

میکردید به اینها رسیده . در  
من برتر کول آنده است: با هر  
د و جانب نظر رشته گزند مورشه  
د هنده را خفیانه بازی نموده  
از تخلفات هندیک زیر کانه  
کش منحاص و تهدید میگردید  
بندهم که به شکایات خود را  
بزرگ از طفل بی دندان گرفت  
نه تا پر مردی که آخرین  
دندانش را حین بالا شد ن  
به سریس از دست داده اند  
و قصی نمیگذارم .

— به اثر حسن و تلاش منسو  
بین آمرت جمع اوری پستکارت  
مدیریت مبارزه با جرام فلس  
در روز مقابله تعاون و  
پستکارت های مفاخر اخلاق  
وکلتور ارزید " من پرور و لد  
بهرگ دوست " شاکردن  
شم یکی از کتاب کشف به  
دست آمد . پستکارت و تعاون  
ویره دست آمده ضبط گردید  
شهم به چنگل بوزه های —  
نهشدار صنف هاسه داشد  
قصه تحت تخفیق نگران صنف  
غوارداره .

— از خواننده کان ارجمند  
صیغه تفاوتاً به عمل میگردید  
تا با خواندن این مطالب برمی  
خوده گردد که کفر نکند .

نارضایت مردم از شاه بود .  
شعاعه ای غرس که شاه از  
اروپا با خود آورد ، بودسا —  
واقعیت های زندگی کی ها خوا  
سات می بین و عرف و داد  
سعی میگردید . مواقف نیزه  
بنابرآن تحریفات انتلمه را  
خوب تجییز کرد . میتوانست  
کشش منحاص و تهدید میگردید  
بندهم که به شکایات خود را  
بزرگ از طفل بی دندان گرفت  
نه تا پر مردی که آخرین  
دندانش را حین بالا شد ن  
به سریس از دست داده اند  
و قصی نمیگذارم .

— به اثر حسن و تلاش منسو  
بین آمرت جمع اوری پستکارت  
مدیریت مبارزه با جرام فلس  
در روز مقابله تعاون و  
پستکارت های مفاخر اخلاق  
وکلتور ارزید " من پرور و لد  
بهرگ دوست " شاکردن  
شم یکی از کتاب کشف به  
دست آمد . پستکارت و تعاون  
ویره دست آمده ضبط گردید  
شهم به چنگل بوزه های —  
نهشدار صنف هاسه داشد  
قصه تحت تخفیق نگران صنف  
غوارداره .

— از خواننده کان ارجمند  
صیغه تفاوتاً به عمل میگردید  
تا با خواندن این مطالب برمی  
خوده گردد که کفر نکند .

د (۴) بخ پاتی

## گل زمان

• جزوی از دستورنامه سی س  
ضروری میگردد . دموکراتها اور اسلامیت  
میگردند که باید در باخته تعمیرات در  
اتحاد شوروی خلیل محظوظ باشد و تلاش  
نکند تا از میان این که با پشتیبانی —  
عمل آردن . شاید از همین سبب بود که  
آنای بوش درینه خود احتیاط را زد .  
نداده و پشتیبان اشرا برینای اصول  
و اندود کرده است . وبالآخر بشیوه فعال  
لیتادی ملح جوانه ابرقدرت هارمالا —  
انهای میگردند . اکرچه (ستاره) نگران  
انسانها از خطر های اسلحه هست .  
دو زنگنه؛ مکررها گفت که سرافراز خوب  
برای ایجاد جهان فاغ از جنگهای دست  
خواهند بود .

فیتوال کی می دستورنامه ای  
وکایه بیان دلبلانی ای فیتوال  
کی می لوگری مقام دیوکسید  
به فیتوال کی درین مقام  
اوی عراق دبابل به فیتوال  
کی افتخاری دیلمون تلاسه کرد .  
کلمزان اوسی پشتیوکی دفعه  
موسقی دودی به خاطر نهایتی  
دیلمون کوئی ترشود پشتیوکی بروخ  
موسقی هم خیل لمعان سور  
سایی هم ورسی دده دفعه  
خش بی کنی نه دی هم .

فسی هم دده دینه استعداد  
له بزرگ دده شعرت اویچبو  
انسامبل کی فیز کاروکسر  
اویشکی سندری هم جزیری کوئی  
بیت نهادی نو دده دکارل .  
برکه به دینشوموسقی و نه  
هم سکه وی .

بهیه از صفحه (۲)

## نهضت

خان صد راعظ ط نامه  
از شص الشایخ و نور الشایخ  
ملت که باندرو شاه موافق  
نیومن و دیسماهی موادر  
اهداف پر زمانه شرطیت را  
رو به فنا میگردند از کساد  
شاه دور استادند .

با این حال شاه در چرکه  
ها و کرد های باعکن العمل  
مشروطه خواه با به قدرت .

رسیدن شاه امان الله پا در  
غلام محن الدین خان آتشی  
هوا ماند و اصلاحات موافس  
وکل انتخابی کابل در لیسه  
جگه (۱۹۲۸) فرماد کشید  
آنحضرت ایشان

ماد میگردند این وزیری —  
مشهور بالقادش شاه تا پایی محا .  
اصلاً با تند و دی  
های امان الله خان موافق  
شودند تعداد اندیمه این رو —  
شکران اعدام شدند . و مادر  
پیش آمد حکام و مادرین فرمود  
طلب که به عوشر مشروطه ای  
روی همراه اداره دولت شکل  
پی اداره مطلق العنان را به  
کرده بودند بدن هیچ گونه  
احساس مسؤولیت به چیز و  
چیزی و مکین خون مرد م  
صرف بودند که بیان میگردند .

موجه شد . رفته رفته حلة  
مخفی سیاسی به شغل علنی  
به فعالیت آغاز نمودند مشهور  
ترین این حلقات به لقته  
نویسنده افغانستان در سر  
تاریخ دولقه بود .

— حلقة که خود را "جو" —  
نان افغان "نامیده و مرا م  
نند تر و دست چیز داشت  
واعضای هم آن عبدالرحمان  
لودین شاه محمدخان با رو .

پنهانی فیض محمدخان با رو .

ساز و مرغام "حمد غاری بود .

۲- حلقة سیاسی که از —

طرف میرسد قام خان رهبری

میشد و در آن عبد الهادی —

دایر ، فقیر احمدخان ، سید

غلام حیدرخان ، پایانی کری

غلام رضا خان و دیدران شامل

بودند .

از جانب دیگر رکابه اختلا —

فات شدید بین مشروطه خوا —

هان و مخالفین مشروطه بوز

کرد این اختلاف نظرها عدناه

لی می باشد و سوزاند ن

ساقه می صورت میگرد . این

واه ازین بودن د این میوی

است و امایک بار دیگر قابل

شندر است که باید با آن

حد اعلای احتیاط و مراجعت

هدایات شخصی جلدی در —

نظرگرفته شود .

به خاطر سیارید که این

بردن مهای اضافی به این

میوه برای مهای تکالیف قلی

دیابت (میوی شکر) و دختران

کنترال من شانزده مطلق منبع

است .

هن ازین بودن میباشد .

الکترولیز باید تمام بند ن را —

خیفه که جلدی تطبیق

نمود .

اماشانزهی متوانید آن را —

سیهول از ترکیب مواد ذیل تبهه

بدارید .

— بوره بود رشد ۰۰ م-

گرام .

— آب یک گلasse .

— جوهر لمیوی ترشیمی .

یک اسید) یا قاشق جای

خواری .

— گلمهین نم قاشق .

— آب را نازیانی حرارت .

— تحرق مدام پوچس .

بل شود . نهجه آن تبخیر  
خواهد شد .

جوهر لمیوی با آن یکجا ساخته

تاریخ دهد . میان آن را از

منع حرارت و رکنده و نم قاشق

کلیمهین به آن عده شاید .

دیگر واکنشی شده غایل

استفاده میباشد .

تست حمامت میاند قبل .

حمامت .

## ازموهای که رنج

بهیه از صفحه (۵۲)

صورت گزید . بسته دیگر قبل  
از آن محل را با خاکستر گرم  
و داغ اما باک و مانند خا —  
کستر کاخد پاک ، خاکستر  
سکر ، خاکستر تکه های طوفی  
غیر منعی بماله .

۶- مالش دادن یک تونه  
مکعب شکل بخ پاک قبل بعد  
از برکت موی علاوه بر چلو .

کهی از تفود انتانات و مکوب  
های عادی در رانیز کاهش  
میگرد .

د: استعمال مواد کیمیایی :  
کروم ها ، مایمیات و اسپری .

های مخصوص برای اینین —  
بردن موهای پاها ، پاک و ها  
و تخت بازو ها وجود دارد که

د: از استعمال آن موهای  
ندرت د باره بوده میتوانند  
و اگر به وجود هم پیاپید تراز تر

شود . میباشد قطع راه شفیعی  
است .

پاک ساعت قبل از تطبیق .

مواد کیمیایی روی جلد مساج  
پاکید پاک شسته و خشک ساخته

شود . در مورد مدت تطبیق  
آن لام است تا پاک اکرجلدی  
تیام کرفته باشد . زیرا استعمال

آن روی جلد کثراز مدت —  
محابی بیناید بوده و مشتر

ایدست مهایری باعث تخریب شنی  
سویی و آفات پیشرفت میگردد .

استعمال دواری جلد کشید  
د راهی که جلد مساج

د راهی که جلد مساج که زخم ها

لکه های جلدی ، نواحی —  
دارای خارش جلدی مطلقاً —

نمیگرد . د راهی که سهی میوی  
آن لام است تا پاک اکرجلدی  
تیام کرفته باشد . زیرا استعمال

آن روی جلد کثراز مدت —  
محابی بیناید بوده و مشتر

ایدست مهایری باعث تخریب شنی  
سویی و آفات پیشرفت میگردد .

استعمال دواری جلد کشید  
د راهی که جلد مساج

د راهی که جلد مساج که زخم ها

نامکن ساخته میتواند . البته

تپیه کنده، طیفه، سهدی

# حل لغید و حائره پیغمبر

افق:

۱- عروس شهرها

۲- دلهری

برسر

۳- از شهر عای عربستان

از لفاب انگلیس

۴- لک نیچک

حروف مفعول

ب بواسطه

۵- از اسماء ارضی، فراعنه

مشهور

۶- اکرچیزی از روزگار باشد

آدم سالخورد

چشیده

است

۷- حرف انتخاب جمله کمک

طلیبی

۸- از ارادات تابع وزارت

کشور

از موجودات افسانه

ای

۹- تکراریک از حرف

رواه

صحرای

۱۰- نخس

از خاکهای

صنعتی

از حیوانات مزاحم

۱۱- از مخترعین معروف

امیریکایی

نهک

غمودی:

۱- معرفه فتوین نعاشر جهان

در حال حاضر

۲- از حرف الفبا، انگلیسی

بدفع و تامین، کاملتر

۳- از سران آلمان نازی

خواسته، کلستان

۴- بخارتر سپردن

از انواع

خواهر و برادر

دست

۵- از جشنهای باستانی، از

کلمات پرسنتر تصدی پرسی

۶- واعظ در جمع

۷- سنت تازی، میزان کر

دن عددی است

۸- از ارادات تابع وزارت

کشور

از آثار جان اشتاین

بک پنهان شده است

۹- تکراریک از حرف

هرا

۱۰- نخس

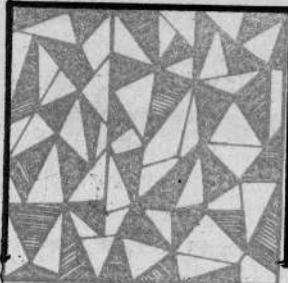
از خاکهای

صنعتی

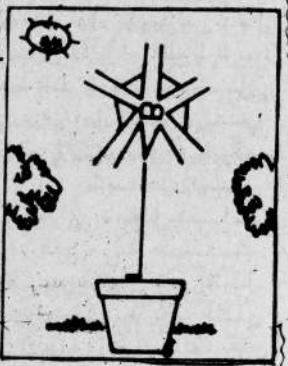
از حیوانات مزاحم

۱۱- هنریشه فلم پیک

نهک



درین نادبر معین، ستاره  
وجود دارد که نامرئی است.  
لهم، از اینجا نمی‌نمایم.

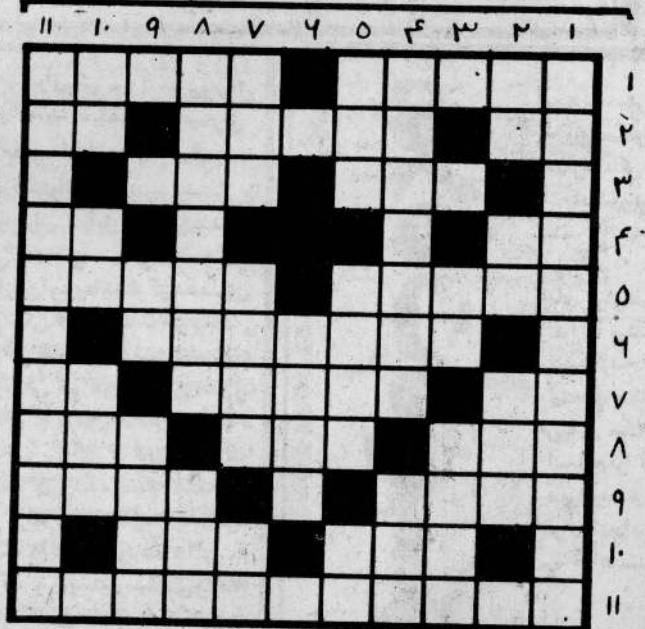


این پنجه ناشی مرموز است.  
پاک دلیل که نام عن از ایلات  
متعدد اینها در آن به خشم من  
خورد، این امالت کدام است.

<td>=</td> <td><td>+</td><td></td></td>	=	<td>+</td> <td></td>	+	
<td>-</td> <td><td>+</td><td></td></td>	-	<td>+</td> <td></td>	+	
<td>=</td> <td><td>:</td><td></td></td>	=	<td>:</td> <td></td>	:	

## حل لغید و حائره پیغمبر

اعداد مرموز  
در اینجا هر معین، نقش  
عددی را بازی میکند و شما این  
اعداد را نزدیکی علاوه کنید که در  
اطراف آنها دیده مشود می  
توانید پیدا کنید.

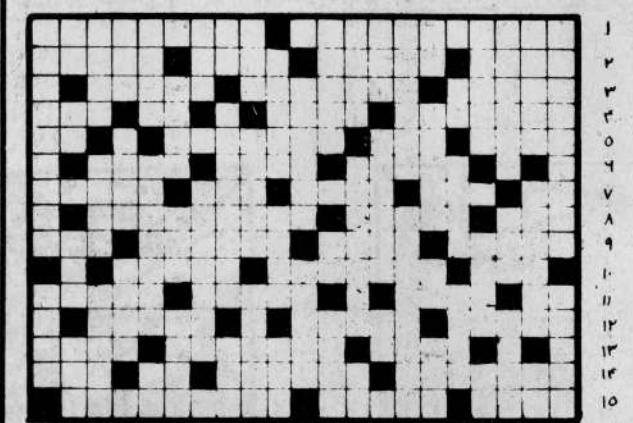


استع احمد ایست نه مصا  
رو سرد رامتبس شود .  
۲- برا - زیلای آن ورزش -  
ایست - رز در در رند - مایه  
زنده کانی .  
۵- تدریج پرور - جنون راجع  
۱ شهد - درمان و آسوده  
حاسه .  
۶- آرباب لحس تسبیه ترده آند  
سراند است و مفرادانم -  
هره - متوجه شون .  
۷- مرک موغرد رمندرویان - مادرم  
در آن زنده در منمایند .  
۸- و دویدا - هنایات وزیران  
در نورید یعنی ویمدون .  
۹- به عذر را غشن من درزید . ملم  
به دست دارد . در دید دوم  
مودتی و نند .  
۱۰- بن میدان وزیران به  
وزیرکار - اتر از آنترف بنوانند  
نمای است - سنت راست .  
۱۱- پدر مرد کان - ستاره  
خاوسنگان آسانی .  
۱۲- تغیر در مشتوفوز رختاخانه  
رالداره میتند . مسحول به  
آیس کریم موزنند .  
۱۳- وسیله نارنجار - نعمت  
دود نهمای او خداوند کار .  
۱۴- یک از فنون - آین کارل  
مارش بوده له اصول سوسالیزم  
علم را تسریح میتند .  
۱۵- ۰۰۰۰۰ مارنا ) کتا -  
بیست از لقون . تولستوی .  
۱۶- آواز کبوتر است وارسانیع  
شعری - و دیتی دارای افلوم  
مدیترانه که پروسس زیشون  
در آنچه سوت من گرد .  
۱۷- مفتر نیست . پست . و فرو  
ماهه - کدام عله جات .  
۱۸- دختران هند و دست  
برادرانش من پندند - اولی -  
نیز طیاره و دوس هفتادین  
نیواب .  
۱۹- فراموش در مشتوفوز کاه  
است و کاهه اوهطن . سنت چه .  
۲۰- مزد دهنده مرکوزلاست  
نصرور - اول و شروع است  
با پاشنه حرف واو .  
۲۱- تکرار حرف پسون دیشتو  
میگویند " بودم " از امراض خطیر  
نیاک . رویز هرب .  
۲۲- حام شاخص که الماس  
کوه نور را به احمد شاه با پاچفه  
داد . ناف آهی مشت .

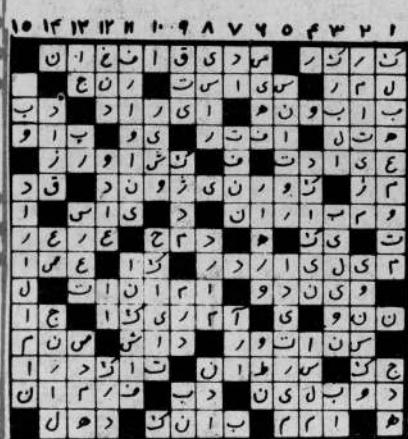
# حل کنید و جایزه بگیرید

- جستجوی مدلر . آسایشکار  
در میان جو آب دسواره -  
برار مصاله و پرستار بسیار  
را مخصوصاً سلویون میازند
- عوادی
- ۱- تاب از حنیم نا مرسو  
بلطفی - بعضی سایه آن معتاد  
است و دیند نانکیت دندان
- ۲- کلوله (درنه او ۰۰۰۰۰ )  
پرو برآمده دلتلوبیزیون - صن  
و پشت سرشم .
- ۳- سرزمین لایلیاز - برا ی  
نهدار - فرد کاه بوسه  
کلمه غازه .
- ۴- شهرباز - سرمه توان دید - راز  
عید من پزند .
- ۵- دید بیانی دید - بد نهست  
از سرمه های مشهور امریکا من  
و سما .
- ۶- پایه جاذبد است و مکن  
مشتران - نورانی - رنعت  
واحد آست .
- ۷- نم سدان هیوان است .
- ۸- نهایت زیان نم - حزبیا .  
هرنک که کلها راه بیانی دو  
پشتی - پیش از ارکان سورسورا  
نایار آنسوی .
- ۹- ام بی با - آخری  
علم بد ستان .
- ۱۰- کستار - نم تو آمرزآن  
تخم القا شده - مسلم دست .
- ۱۱- اس نیست . پیشوای  
رهمنون - زیرش و اهیون .
- ۱۲- ع من نم که در اون کلمه  
میاید و معنی انرا تغیریمید ها

۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



# حل جدول



- ۱- ساغر پارسی دو پاسیان  
تاعر بیوان ماه میمه در  
خط فا لمه ا " ازا وست .
- ۲- دره زیباش درینلان -  
غص امر رساندن ، از جهیات  
۳- طاره ایست .
- ۴- جانوریست سیمه جلیا سه  
نه در آب و آتش زهت میتواند  
مسلم و تم رسید . خدمت  
مدد میست .
- ۵- نشان نه ریا من تنداما  
بو سراست . کسو را کشته  
از نهنداء . سرور بو آغاز .
- ۶- رقم را بمعنی نم - بد نهست  
از سرمه های مشهور امریکا من  
و سما .
- ۷- پایه جاذبد است و مکن  
مشتران - نورانی - رنعت  
واحد آست .
- ۸- نم سدان هیوان است .
- ۹- نهایت زیان نم - حزبیا .  
هرنک که کلها راه بیانی دو  
پشتی - پیش از ارکان سورسورا  
نایار آنسوی .
- ۱۰- ام بی با - آخری  
علم بد ستان .
- ۱۱- کستار - نم تو آمرزآن  
تخم القا شده - مسلم دست .
- ۱۲- اس نیست . پیشوای  
رهمنون - زیرش و اهیون .
- ۱۳- ع من نم که در اون کلمه  
میاید و معنی انرا تغیریمید ها

# حل کنندگان

- محترم عبدالمصطفی نوازتر  
محترم صفیه نوازتر از مکرونیان  
محترم بشیراحمد امیری  
منزه مسعود محصل حقوق  
محترم سهام خورسند از لمه  
زغونه .
- انهن بور محصل سال جاری  
انستیتوت طب کابل .
- محترم حسنا غزال از پوهنتون -  
کابل .
- محترم نویه ناصر محصل طب بل  
محترم محمد جاوید سیار .

# سیاوهون کوردکان

ترجمه : حسام الدین برومند

# شیره و عسل

۱- خرگوش که در سوراخ می رخت زنده کی میکرد، متوجه شد که زنبور های عسل برای شان خانه ساخته اند. خرگوش به فکر افتدید که چگونه از سوراخ بخوبی بپرسد، از زنبور دوستش موش صحرایی را به کمک صدا زد. آن وقت هر دو میزنه ها و علوفه های خشکیده را از بالای در رخت جمع کردند تا به اطراف زنبور ها در پرده هند آیند. با این کار شان زنبور های عسل دسته جمعی پریدند آن کاه خرگوش و موسوی صحرایی ماندند و عسل ها.



۴- لحنی بعده تیربسا  
خشم زیاد بر موئی صحراء می‌  
غزید: پایین شو.  
بدینتربیت موئی صحراء می‌  
مجوز شد که خود را تسلیم کرک  
نماید.



۵- نشیر : حالی نه مسوش  
محراب را بر زمین خواباند  
و میخواست خفکش کند هفت  
تو ... سور جرات تبریز از چنگل  
من عمل بخوبی ؟ موش محراب  
بازار و غذر هفت : شیپور جان  
خرکوک ... مراده این کار  
ساخت و غریب داد ... نشیر



۲-۲ : وقتی آن های به عمل  
 جمهودند و مصروف خسورد بن  
 شدن دیکار سرمه کله شیر در آن جا  
 پهدا شد و غیره :  
 تیزتر تیزتر از درخت پا -  
 بین پیشید . خرگوش که متوجه  
 شد فریاد نشیرکه و خشن  
 است لرزان لرزان لفت : موش  
 سحرایی مراد علف بپیچان  
 وقتی این کار انجام یافت خر -  
 گوشه شیرگفت : تو میتوانیς  
 به خاور آسوده رانت را بگویی  
 و بروی من خود به خود پا -  
 بین مهموم خرگوش بدینترتیب  
 پاره نجات خود را سنجیده و  
 از درخت خیز زده و بنان برید  
 که نهادن .

باد رنده خویی تمام پانچالش  
بر موشحرایی حواله کرده  
اما موشحرایی، بدون آن که  
پنجا ل فسیر موجود نمیرسد  
آن رادرها محکم گرفت بعد  
از آن جست زده و در مهان  
بنه ها خود را ناپید ساخته



۶- خرگوشه را که عسل مزه  
دا ده بود اینها بار سنگ پشت  
قصد خوردن عسل نمودند باز  
هم سر و کله تیغه شله پیدا شد  
کرک بلا فاصله برخراش غرید:  
بها بایین شو ، چرا معطل  
است؟ اما خرگوش رفاقت  
گفت: اگر قول موده هی سرا  
قورت نمیکش ای بایین مشکوم گوشت  
بسیار سختی دا به و بسیار  
کوچک استم ، وتش نرم شدم—  
طعمه خوش برای تو مشتم  
آن وقت مرا بهم خود بشناس  
چون بدء ، بعد به زعنون بزن  
آن وقت پیش از آن که نفس  
براید مرا نوش جان کن . نشست

بلا فاصله خرگوش را برد منش  
نشاند . دست را چین داده اما  
بیون دم کوتاهی داشت مخر—  
گوشه را دمی لغزید و ناپدید  
شد .



به زودی آمد . اما چیز میدید  
بل با های پیش ۴۹۰ واقعه  
چا بکی و تیغه شوئی را از—  
دست نداد و تا جمله گفت:  
سبح بخیر کلبه من .  
سبح بخیر .  
مشیر بمه دنهال خسر—  
گوشه دید . اما شکار از چنگه  
رفته بود هزیرا به همان انداد—  
زه که مشیر ساده بود خرگوش  
فرنگ بود و با خود فیصله کرده  
بود که مخصر صاء نمیکارد . سکر  
عمل بخورد .



۷- اکون تنها بجرا رسنگ  
پشت بر درخت مانده بود اما  
هر قدر که تیغه بروی حلله کرد  
وحوان را پنجا کند بر سنگ .  
پشت دیج نه نمود . یکبار  
سنگ پشت سرپیر را از میان لانک  
بیرون آورد . سیو خوبی شد و آن  
رایه آب آنداخت . سنگ پشت  
در آب شروع به آبیازی نمود تیغه  
به دنبال آن خود را به آب آندا  
خت . علیکن درین میان خودش  
نegr کرد .

۸- ۱۱: میز خشماگن به  
سر چنبل خزید . آن جا کلمه  
خرگوش را دید . آرام داخل آن  
رفت . لان آن جارا خالس  
یافت . توب بمنظر برگشت .  
صاحب خانه نه ندست . خرگوش

# خواب زیاد خطرناک است

خرن رویه افزایید که اشته خطر.  
نات مشهود .  
میپیش که سرگت پف مینند.  
او نموده دوست داره .  
دختراولی ویع : کی ، سمو حیر  
آین و میش .  
دختراولی : بلو بیل همراه .  
دختراولی ویع : چه باید احصق  
نه آوردم ان .  
ارسالی : فریدا حمد مهمن  
و حیرتان .

خواب زیاد به قدری خطرناک  
است نه ممکن است مجری به  
موت انسان شود ؛ زیرا معمقی  
د مایه خراب همراه آشته تر  
بخارا بد ایما این خوب کاوب که  
اثر جز خسته کی و دفعه گش  
درین نمیکند ارد باید باشان .  
بهاره کرده و کرمه سلامت ما  
بدت (۸) الی (۱۰) ساعت  
بخدمان سورندازه ولی اگر  
ارسالی : عبید الله باشتووال  
از بیل .

\* همانار قدیم نورالرحمه  
نوبن از شهر پلخمری .  
برای کسانی نه شما کانه هنر  
کانه هنر سام فرماده بودید .  
همه بالمقابل کانه هنر - کانه هنر  
علیوت میفرستند . و هجوا ب  
کله تان دور بین میفرماید .  
حالی هم بس فرامیدم ، پس رقم  
همی نه تخلص تان را دیدم ،  
خوب ، کرد که از هنکاران نوصا  
هستید ، باز هم برای آن که  
جدب ویسترا کساید . کارین را  
درخون نگه میدارم . جمع شدن  
میکاری کارین درین برای  
آن که جیران بوده باشیم ، می  
شوانم عکس شمارا در قطار هم  
کاران داییم بچایم ، لطفاً .  
درنامه های آینده یعنی قطعه  
فوتوو تان را ارسال کنید . واينک  
مطلب زیبای طنزی تان را بخواه  
نهد :

آمدن کارمندان به و پیغ

هر وقتند خواست دلار .

- ازدیز

است به کن موتز سایکلر .

- از مامور عاصب

وابسته است

به پنجر شدن بایسکلر .

- واژ ملزم بچاره ساعت هفت

سیج

و بدون دشمنی داشت

شکل .

نیز

است که

(اخلاق هم اس)

لذا دوونکه ازنکه های

ارسالی تان را در مورد

اخلاق انتخاب میکند .

خلق خوبی

است

که غفات خوب مارا روش می

کند و بصفات بد ماسمه

ماندارد .

خلق خوب پول رایج است که

با هر نعمت عرض نمیشود .

\* همانار

سید خالد حکمی

از لیمه دوستی .

چرانی

لشکر

میکند .

درست

بکمود

مشهور

بنده

با

## چه وقت باید ازدواج کرد؟

مطلوب زن به دست میباشد .  
ملاه اگر من مرد در موقع  
ازدواج پسندان باشد .  
باشد ، من زن باید نصف می  
باعلاوه عدد هفت یعنی ۲۲ .  
بیت روانشناس مشهور انسوی  
موقن شد فوریاً برای حواب  
سال باشد ، اینه این فوریول  
دادن به این سوال پیدا کرد  
برای تعیین حد اثربوده و در  
که به عنوان پیش فعال .  
مورد قبول عده " زیادی از -  
دانشمندان واقع شده است  
فوریول ازین فوار است : اگر  
من شوهر را نصف دهم و ده  
هفت زاید آن افزون نمایم " من

تفاوت من زن و مرد در موقع  
ازدواج پسندان باشد .  
باشد ، من زن باید باید ؟  
باعلاوه عدد هفت یعنی ۲۲ .  
بیت روانشناس مشهور انسوی  
موقن شد فوریاً برای حواب  
سال باشد ، اینه این فوریول  
دادن به این سوال پیدا کرد  
برای تعیین حد اثربوده و در  
که به عنوان پیش فعال .  
مورد قبول عده " زیادی از -  
دانشمندان واقع شده است  
فوریول ازین فوار است : اگر  
من شوهر را نصف دهم و ده  
هفت زاید آن افزون نمایم " من

\* همانار قدیم نورالرحمه  
منه من از شهر پلخمری .  
مندان ما جای میند . اگر  
این جای نیز عکس خوبیها  
نمیباشد نایم ، همانار دور بجن  
صاحب بالایم فی میکرد که  
گویا من خود علاوه مذکور .  
همه شما بعد از هر ده تحقیق  
هستم لذا بعدتر را باید میباشد  
نمود . و بگذراند ما این تفاوت  
را از شما کنم . و در مورد -  
نامه تان باید گفت که اگر  
شما به جای شریعت بین می  
بودید باید نامه " خشک " می  
میکردید . جزا این که از نو  
بسند این راه های (ترا ازو)  
میکردید . از شما تشکر . بر  
عکس نامه تان ترویا و باشد .  
\* محترم فویزه وردن .  
بررسیده اید که جرا هنرمند  
محبوب فرهاد در راه درکشور  
کم دیده میشود ؟  
نژدیک بین میگوید : به  
خانلری که در خان از کشور  
زیاد دیده میشود .

\* همانار قدیم نورالرحمه  
نگذشتم را باید بگویم که من هم  
دعا میکنم روزی نکت لاتری تان  
اگر به حایزه بین هزار افغانی  
نماید نمکد به حایزه " صد  
افغانی " نماید که " از شما  
تشکر ! امیدوارم در آینده  
نمایم " سلام بجهه ها را در تحقیق  
خواهند داد . و برای شما  
نیز بین میگردید که این را  
نمایم . و بگذراند ما این تفاوت  
را از شما نمایم .

\* محتن نظیفه احمدی از اکا -  
دم علوج ۱۰ .  
طرح تان برای نزدیک بین  
رسید . و امدادوار است در  
امنه طرح این بفرستید .  
از شما سهیماں میگذارم .

\* دوستدار مجده میگهیدی  
نژدیک بین در مرود کسی  
که شما بررسیده اید که جرا بر  
نمکردد از قول عوام میگردید :  
ادم ، ده سارکس محکم گرفته  
نمایند . و حوصله من باشند .  
\* همانار خوب توییک اسدی  
از لیمه هم :  
نه تنها شابلک تمام خواه .  
نندگان عزیز مجهله هرگاه  
میخواستند بگویند اسما وون  
چطور باشد ؟ باید همراه با  
نظریات خوبیها قطعه فویز  
نیو خود را نهار ارسال بدارند  
از شما تشکر .

- ساكت باش :  
مگوکه دوستداری بگذرد  
این جمله بر لبهاست بلزند  
ولی به صد نهاد .  
خواه آن را از دور احسان  
نمایم . از رویا بیدار مکن  
و مگوکه دوست داری . آه  
ساكت باش :

\* همانار خوب فهیمه جان  
نهایتی :  
نامه شما را خواندم و از  
خواندن آن احسان نهاد .  
کردم . مخصوصاً این که  
نوشته بودید نامه تان را در  
صفحه " کشیار سخن " نوشتم  
خواه هر یزد : اهد را از -  
دست ندهید شما چون

کشیار سیزو شاداب هستید  
زندگی کی به غمایش نمایزد .  
دست ندهید شما چون  
اصدعاً میگشتم تا  
صحبت تان را دو باره بعدست  
آن ده . مطالعه بعثتین مار  
در لحظات غم و تنهای است  
میشود کتابهای به ذوق تان  
را متعاله نموده تا روحانی از  
درد رهایی مایید . صحت  
مند باشید .

\* همانار خوب هم کمال از  
لیمه اینان .  
ما بوسنشود . نژدیک -  
بن شارا در طرح جدول -  
و داشتر کامل آرزو کند . ماه  
برای شما مطالب جالب ایزو  
مندیم .

\* همانار خوب سید خالد حکمی  
از لیمه دوستی .  
چرانی لشکر نمایند به  
شمعه . (الملاءات و نامه ها)  
اداره سیاون تشریف باره دید  
و در مورد ذکر شده از نژدیک  
بن کلک بخواهید ۰۰۰ قابل  
نشکر نمایند .

\* علاوه من جواب به نامه ها  
روشانه جان یعنی .  
نژدیک بین از احسان نمیگش  
را درست بخواند موافق نشد  
بالآخره از دور بین کلک خواه .  
ست او بعد از آن که حروف  
را نهاد و زیر داد و چند  
انداخت ، توانست بخواند  
ولی نتوانست از آن مفعوم

\* همانار خوب هم کمال از  
لیمه اینان .  
ما بوسنشود . نژدیک -  
برای این دو نفر سواد ماجل  
و داشتر کامل آرزو کند . ماه  
برای شما مطالب جالب ایزو  
مندیم .

\* همانار خوب سید خالد حکمی  
از لیمه دوستی .  
چرانی لشکر نمایند به  
شمعه . (الملاءات و نامه ها)  
اداره سیاون تشریف باره دید  
و در مورد ذکر شده از نژدیک  
بن کلک بخواهید ۰۰۰ قابل  
نشکر نمایند .

\* علاوه من جواب به نامه ها  
روشانه جان یعنی .  
نژدیک بین از احسان نمیگش  
را درست بخواند موافق نشد  
بالآخره از دور بین کلک خواه .  
ست او بعد از آن که حروف  
را نهاد و زیر داد و چند  
انداخت ، توانست بخواند  
ولی نتوانست از آن مفعوم

\* همانار خوب هم کمال از  
لیمه اینان .  
ما بوسنشود . نژدیک -  
شما حتی سده را هنگام  
بر جایی برق . و المم میباشد  
که متوجه حساب بانکی مبلغ  
که در خود مبلغ در درج است  
نشده اید . نژدیک بین برای  
خود دیدروشن و برای شما  
بر روش و نوی شناسنایید .  
\* همانار همینه حاضر مبلغ  
نژدیک بین نامه تان را خواه .  
شادی خواهد شد تا بدون توییت  
چاپ شود . در لاتری برندیه  
شادی خواهد شد . از دست از  
آن را نهار از غبیت که  
ای کاش در درون هم چون شما  
ولی آن را نهار از غبیت که  
میبود . به هر حال از غبیت

پیش از صفحه (۱۷)

کودتاچیان مستقیمه دفاع کنند  
- اقلی کاریجف، حزب کمونیست  
چه موضع دارد؟  
- پولت بیرونی حزب تاحدا  
موضع خود را تعین نکرده است.  
دیروز دفتر سپاس جلسه داشت،  
اما تا حال اعلام می داده نشده  
کمونیست ها منتظر اعلام می هستند.  
برد اشت شما زامن حواست به متابه  
زورنالست چیست؟

- ازها بی هائل مختلف است،  
بعض هائتمیرات اخیر اپشتمانی  
می کنند و بعض های پشتمانی  
نه نموده و ان را کودتا من خوانند.  
- مردم چه فکر می کنند؟  
- مردم در تشویش هستند.  
دیروز رئیسجمهور وجود داشت  
و صحیح نیافرید. مساعده برسر  
قانونیت و حفظ آن است. در -  
ما سکو اگون، ارتش، تانکها  
و ماشین های محابی و سربازان  
وجود دارند. مردم من برسند که  
اگر سربازان برای دفاع از ماسکو  
امدند، این دفاع دربرابر -  
کیست؟ ازسوی دیگار کوئی نیست  
جمهور بیمار است پس چرا واحد  
های ارتشار ایجاد مستقر ساخت.  
- اینده کودتا را جگونه پیش بینی  
می کنم؟

- حالا شانته اصلی در کشور  
تنقابل میان رهبری جدید و جمهوری  
روسی است. من امیدوار هستم  
که حواست به خوبی نیانجامد،  
گرچه دیشب با مرکز سه نفر خوبی ری  
لغاز شد ۳۰۰۰ من نی خواهیم  
باور کنم که کمته فوق الماده (ك).  
ج. ب) خواستار خوبی ری است!  
- به نظر شما اگون ایتکار بسے  
دست کیست؟

- طوبیکه پولمندی هامی گویند  
ایتکار درست کسی است که ناتکانه  
ها درست است اوست.

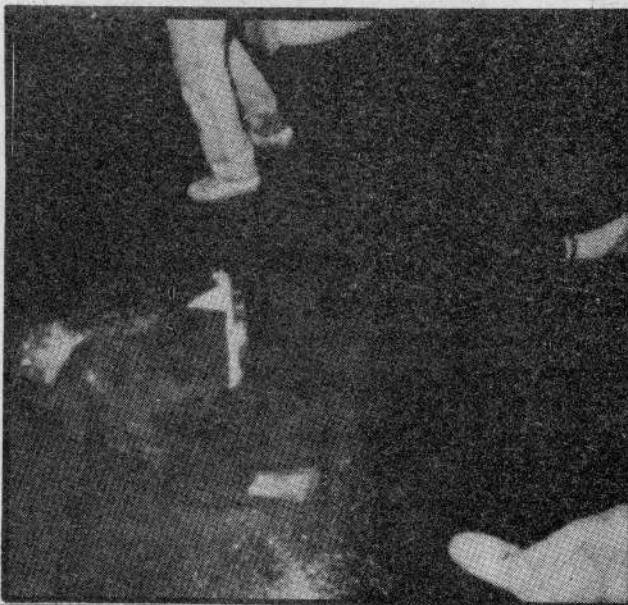
نظر شما در مردم مقاومت بوریس  
پیشن چیست؟

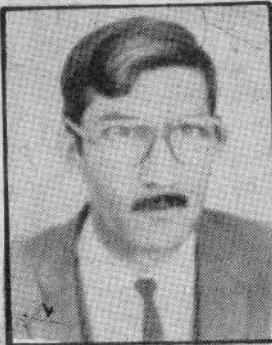
- در ماه فبروری پیشن گفته  
بود که هیچ وقت به گریاچف باوار  
نخواهد کرد و حالا اوازگر باچف  
دفاع می کند.

موضع مقاوم روزنامه پراودا -  
بدینگونه بود. سخنان اونشان  
من داد که کودتاچیان بیش از همه

# ۷۲ ساعتی که جهان را تکان داد

دیگر از رهبران بدها ان تعاره ها  
تلیغون داشت آنها بایلتسن  
هم نذر بودند: کودتا، یان  
فروار تند ر قانونش را اعاده نموده  
و گزور زا تر گزیند! همزمان  
ستگر بندهی داده داشت و -  
ت تا هرات اوج میگرفت ۴۸ (۱۰) ساعت  
گز شته ترا مت بینه از پیش گرفت  
اجلاس پارلمان روسیه در روحیه  
همستگی کامل با بوریس پیشن  
پیش ایام در روز و است عکانی برای  
برگشت رئیس جمهور قانونی میه ایل  
گریاچف و عقب رقت کودتاچیان توازن  
بود. کودتا: یان موق نشندند  
رادیو و تلویزیون روسیه را که به مرکز  
عده کارسیا میشیان، تلیمیش و سمعی  
اولار عالم مبدل شده بود، بینندند  
حایت غرب از موقع ترا مت پیشنهاد  
از پریمیات و این امر باور و روحیه  
چنگده گان را ۹۷ ازادری را تقویت  
من کرد. این امر زیر پای کودتا  
چ یان راست نمود و رویه انان را  
در هم نیست. کودتاچیان فعالیت  
پارلمان شوروی، فعالیت بوریس  
پیشن و برآمد: یان ده ها هزار  
انسان را متوقف ساخته تنوانتند.  
حوالی ظهر روز سوم کودتا  
نهر از شایعات در باره شکست  
کودتا پوشید. تلویزیون سی ۱۰ مان  
که عده کمیت از هر یان ماسکو ای  
را دیده من توانند این شایعات  
را بایه موقع به اطلاع عالم رسانند.  
درین گزارش گفته شد که یانایی  
دویگا در حال فرار در میدان هواپیمای  
دیده شدند. درست ساعت آبده  
از شهر رادیوی روسیه از توافق  
رهبری روسیه با نظامی هاد رمور د  
خروج قطعات از هر لای داد  
همزمان فعالیت های ری افرستادن  
ریایت چمپورن روسیه نزد رئیس  
جمهور گریاچف که در کمپیاد رحال  
ستراحت به سر من برد اغایش.  
در رأس های صدر ایام جمهوری  
روسیه سیلا یاف قرار داشت. و از تم  
گریاچف: هر هر صرف دوست از اعنهای  
شورای امنیت شوروی که یک آن -  
چهره معروف بزمیا کوف بود در  
تلویزیون ظاهر گردید، آنها نیز  
نامزد کمپیادند.  
کودتاچیان دربرابر اراده مردم  
به زانو در اندند و مکراس یکبار  
دیگر به پیروزی رسید.  
قسمت دوم در شماره آینده





### شماری از آفریده های جهاد:

- ۱- کوچیان امنیتی زوند وجا پند
  - ۲- آنکه خوبی (جلد اول) را جا پند
  - ۳- دلکو خوبی (جلد دوم) را مهد مار جا پند
  - ۴- دلندیو و شنیده امید وارجا پند
  - ۵- دلندی داستان نو مجموعه (امید) را جا پند
  - ۶- دشمنی و انتشار نو مجموعه (امید) را جا پند
  - ۷- دنیوی دناتو له کوالو دغوره اویلیل شوید داستان نو مجموعه (امید) را جا پند
  - ۸- دستخنفیس - رمان هنری حساس (جا پند)
- \*\*\*

وده ها رمان ده استان ایندند  
است که شماری از آنها باشد ز-

آنبل جای نهانه اند، چندین آندره او جایزه های را که ایم برده اند، که از جمله رمان عنی حساس (داخت عین) او جایزه اول آنچه نویسنده کان افزا -  
بستان را نصب گردید.

جهاد با آن که به درد جانکاه قلبی دچار بود، اما شکیبا و بیش بالند شده و تحلیل بلند به همای عالی میزد از همین حالت است که خواننده حس سرا در محدوده گرس گیر میگد و تا -  
پایان اثر بیدار نمیگذارد تن و درین و درد که این فرزانه قلمدار با هزاران درج و همهات، دامن عمر برجید و دلی را که سالها از سوخت و برد آن به تنگ بود، آرام و بن پیش با خود به خان برد.

روانش شاد باد!

دانشگاه کابل را پافت، به سال ۱۳۵۸ در روزنامه هیواد سمت میسر اقتصادی را به دوش گرفت و سپس به مجله "جرگه" از آن جا به محله سیاوهن و آخون و ظیفه رسم اثر سمت معافیت جزیده "در بود".

جهاد با آن که به درد جانکاه قلبی دچار بود، اما شکیبا و بیش بالند، چنان در این شده است که هرگز نزد همیچیکسی لب به شکوه نمیگشود و در درد ناگزین حالات خود نمیزد سمت از قلم و آن پشت بر نمیگرفت.

این شخصیت بلند همت و خیبر دراز منسای هیات آنچه نیشی فرهنگی خدمدها قاله سهاس، انتظامی و اجتماعی به نشر سیره است، به همین گونه صد هاشمی، یارچه های ادبی، در راه عابی را دیو بس

۰۰۰ و جوانی دیگر از جرائد: این عمر نیزه میگذرد، باز هم دیدار خانه امید انداده بی فرو -  
سیزده بدهایی در تبریز چرت حاوده ای "عزیزی"، التهاب سوی و مانع میگردند و خشت چندی دیگر، از حد از نیزه، مان بعلم میگردند، نیزه من اندند -  
نهانی جهاد، نویسنده، اندیشه نده، شاعر نکیبا -  
برمالیست بردبار کشور در ماه اسد همین سال، دیده از غریب هست بربست -  
حقطی جهاد به سال ۱۳۳۳ هجری حورشیدی در قرقه تر خلی و لسانی ده سیزده مامت کابل دیده به دیدار هدیش آورد، دانشی از نهضت را در مکتب باع علم دران آغازه سیس در -  
لیسه حبیبه به انجام رسانید و ازان جایه داشت که حقوق

### پنجم از صفحه ۲۵

## او خدا جان

تبیور روح را اراضی میبخشد این سازیکانه همراه زنده گم است.

تبیش از عزیمت به افغانستان چه فکر میگردید که دستان افغان تی تان از شما چگونه استقبال به عمل خواهند آورد؟

با حالات از خود راضی این طور داده میگردید:

- پیش از آن که به افغانستان بایم با خود من اندیشه بیم و هراس داشتم که می داشتی ای علاقه خدا افغان نمی چه بره خسته کنند و شده باشی، اما آن طور نشد همان گونه

که شته فرو میخلتند.  
بعد بپرسید مگر چویی که نهاند؟ میگم سه استخارا تو شما.

هرمندان تاجیکستان که در آستانه هفتاد و دو همس سالگرد استقلال افغانستان به منظور اجرای کترت ها در جشن افغان ها به دعوت اتحادیه جوانان افغانستان تشریف آورد و بودند پس از اجرای این سلسله کمترتها دوباره به کشور شان عودت نمودند.

اداره مجله سیاوهن از پسهری باشیم دارای این گروپ که در قیمت فراهم آوری ز منه مصاحده با ما هنکاری - نمودند، قلیاه تشكیر مینمایند.

بی انان تعلق دارد.  
پس از یک لحظه هیچیز

به لب من آرد و میورد:  
ایما همین همین طور ادامه مهد هید یا سوال های تا ن ختم خواهد شد.

میگویم فقط یک سوال دیگر را پاسخ دهدید و پس بفرمایید:

"امال کدام آهنگ افغانی را باز خوانی نموده اید و چرا؟

- آهنگهای "اوخادجان" دلم تنک است" و "بچجان لوگری" رایراز مردم دستدا - شتنی افغانستان اجرا میکنم.

آن همه به خاطری که از این گونه آهنگ ها مودم افغان خواهیم بود. و تکمیم که آینده موسیقی کشور افغانستان

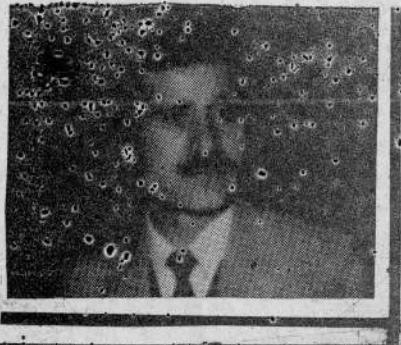
# رس تورانت محبت



میر عزیز شیری خوزه غیره میر عزیز خوزه دستورات محبت برگزار  
نموده استورات محبت با محبت خاص ترکیب شهر میر غذار خوب  
محبت لعنه درینها خواسته خواسته خواسته  
با محبت برگزار نموده داشت ۱۱۰۲ طهر  
با محبت با محبت در دست بشیره بست  
دکتر حسن حدادی میر غذار نیست تسلی پیغمبر شیعی = ۳۵۷۶

## رهنای مسالات رشایی در خبر و فروش خام زمین آپارتمان و مسکن

روح اللہ فقیری



شہر نو چار راہی حاجی یعقوب متصدی مسجد  
جامع شیرین  
تیلفون ۳۲۰۲۹

آدرس:

# آریانا مارکیٹ

## تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجاری آغاز نموده، اجنبی از قبیل بوازم متری و

بوازم آرایش، بسیار مردانه، زنانه، طفلا، نفر دست بالغی

تمویزیون و غیره اجنبی را طور عمدی و پرچون برای شهریان

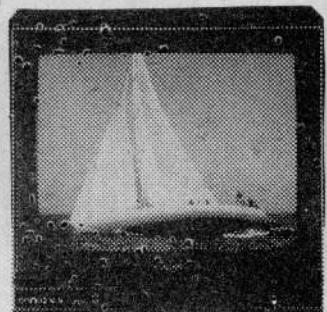
محترم عرض می‌دارد.

آدرس: ایستگاه ۹۴ فغانستان تعمیر سابق افغان اعلان



## فروشگاه فلپس دیلایت

فروشگاه دیلایت شیک ترین اجنبی  
راز شهروزین کنیخانی جهانی تازه و لذت  
نموده ببرادرشته باز عرض می‌دارد.

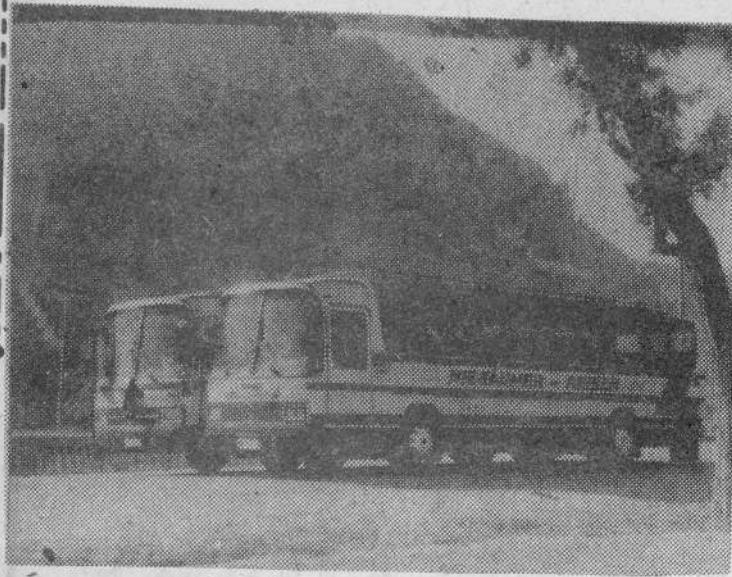


تووزیون هارند فپس اقاماتیک ریور کنترول دار، سایز های مختلف بیکسل  
گرنتر، دیویکس شارپ چیزی مدل **VC-M730E** اقاماتیک دارد ازبک گام، سیستم  
ریموت کنترول دار، اقام رادیوکس، تو، فیلتر اقام مدل پسر، بادک سرمهز، تویوزون خارجی پر و کم  
۲۰ لپچ سیاوه سفید رخت اتحاد شده اند. آدرس: مقابل شاد الی کمال محمد جان خان

اگر قصہ سفر دارید  
دیپسہبائی خیلے آرام  
ڈسٹریکٹ ۳۰۳ سفر  
کنیہ۔

بازار کنچن بیس شمارا  
از کابل: پنجشیری استمنگان  
و مزار شریف مع المیز مردانه  
آدرس: کابل - ساده افغانستان پلشی

تیغون ۲۱۷۸۴



## فروش کاپچس

زیباترین هبرئی مردانه، بہترین لوازم اداریش،  
عطریات، مرغوب ترین پیراہن ہمی زنانہ و مردانہ  
شیک ترین ستپریز و پبلو نھی می مردانہ و بیک کا نہ  
پہلو ترین دریشی ہمی ستپریزی و  
کابایی، جاکت و دریشی ہمی  
پشمی را از مشہور ترین کمپنی ای  
جهان تازہ وارد نموده و پر تیمت مناسب بردا  
نمیہ ارد.  
آدرس: شہر نو چاراھی طره باز خان مقابل  
افغانستان کارت

دھرم سسم سال گلہار  
تازہ، پھنون عربیت کاروہ  
مرتعانی.  
کاروہ عوام، خنچ پک پک موڑ  
ہم مطابق ہ ذوق خوشما

کلفروشی سبل  
کلفروشی سال

آدرس: چاراہ طره باز خان

# آریا پاپیر لمتد

## یک نام بزرگ تولیدی اجنبی فلز

با خردواری اجنبی فلزی مستحکم و با دوام قویه موسسه تحقیقی آریا پاپیر لمتد پژوهیانی

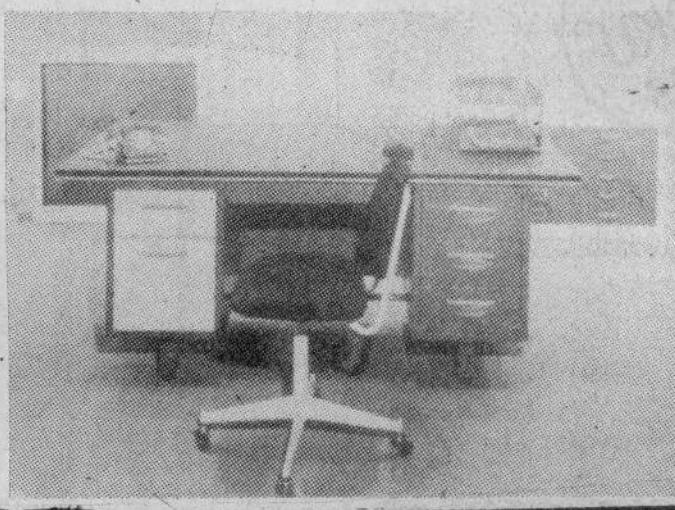
دفاتر و مغازل شما بیشتر می‌افزاید.

اگر میخواهیم آتاق‌های تمازی زیبایی خاص سخن‌شیه آدرس زیرا

یادداشت کنیم. فابردیله: عقب باغ بابر تلفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه: حصه دوم جاده میونه تلفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه: سالنگ دات نرال اول آریا نامکیت تلفون ۲۳۷۷۷



آدرس: قرطاسه فروشی صد ف  
ایستگاه موتورهای گولاوی همارک  
حصه سوم خیوه خانه واقع دهستان

لجدیه، جوانان ارزوز و سایر شهری هر را  
بقيمت نازل عرضه میدارد.

قرطاسه فروش صد اقم کن و کن بچو  
از راع قلمه رخود کار در نجح و صده هفتاد هزار  
مود نیاز طلب معاونت، مجرس دون

هزان و دلو روزخوب خواهد  
بود . خانه‌ای متولده  
ماه های هفرب و هوت در فراز  
سیات خانوادگی تان در این  
روز از حوصله مندی نیز  
استفاده نماید . روز خوبی  
برای ازدواج برای متولده  
ماه حمل خواهد بود ، اما  
از اندام معاملات تداری  
در این روز صرف نظر کنید و  
غیر آن بدشانس انتظار  
شمارا من کشد .

۲۸ میزان - روزخوبی برای -  
حدادان ، دکتران و ناظران  
متولده ماه هیزان خواهد  
بود . بوهمکس برای متولده  
ماه سوت روزخوبی نماید  
جنجاله‌ای فامیل و پسرانه  
نجاری و تحصیلی انتظار  
تار را من کشد . جنجاله‌ای  
متولده ملعقوب از این رو ز  
به طرف حل شدن پیش بورد  
۲۹ میزان - متولده ماه های  
حمل ، سلطان ، تو سیخوت  
منتظر شنیدن بست خیز  
خشش در این روزیا شنید  
کوشش کنید شناسید سه آمد  
در این روز از دست نهاد  
متولده ماه های حوزه ، اسد  
دلو بوهمکس منتظر شنیدن مک  
خبر ناکوار باشد ، اما  
در مقابل اندام کسانیکه  
به برایم های اقتصادی دست  
و گوشیان هستند از این روز به  
بعد وضع اقتصادی شان  
بهبود من باید .

۳۰ میزان - متولده  
ماه های حوزه ، اسد شنبه  
سیان ، جدی در آخره هیزان  
مه کارها به مراد دل شما  
پیش خواهد رفت ، به صور  
در مسائل عشق و نسباً  
شما بجانب مقابله . در این  
روز شناس خوب برای متولده  
ماه جدی دلو در امور سی  
بعد از خواهد شد از آن استفاده  
ده اعظیم نماید . متولده  
ماه حمل اگر میخواهد کدام  
معامله تجارتی را در این  
روز انجام دهد آنرا بمه  
فردا بگذراند .

# برای شمال فال دیده ایم

ست روش شما

PROPERTY  
ACKU  
S 803

بن روز ایام زید . متولده  
ماه حمل کنید این جنجالی  
مواجه شده باشد از این روز  
به بعد کارهای همراه دل شما  
پیش خواهد رفت ولد رهر  
حال از احسانات شدن  
پیچا خود را در ای کنید . در همین  
آن شناس خوب را زد مک  
خواهد دارد .

۲۵ میزان - برایم های شخص  
متولدهین ما عقربه قوس و هوت  
در این روز ایام کمرد و ایمن  
کارالی آخره هیزان آدمه  
خواهد یافته . متولده  
نه سهل و سلطان محاط با -  
شید که جراحت شدیدی  
در این روز انتظار شماری کشد .

۲۶ میزان - برایم سافرات  
متولدهین ما های حوزه ، اسد  
نور ، سلطان ، هیزان و قرب  
منتظر حاده غیر مرتقبه در زندگی  
کی تان باشد آنا زهره در را -

های ایجاد شده فامیل تان  
خواهد بود این کار را بگذران  
ید ۱۸ میزان .

۲۰ میزان - روز خوش شناسی  
برای متولدهین ما های سر -  
طان ، اسد ، هیزان و حسو  
خواهد بود . از هر زنگ که متوات  
نید دسته اندامه پر زندگ  
روز خوب برای معاملات تجارتی  
و کاری شما خواهد بود . متول  
دهین ماه حمل کوشش کنید  
تاد را این روز ازه واج نکند همچو  
لدهین ماه دلو متوجه باشد  
که با همچو کس در این روز طرح  
اشتایی نه بینید .

۲۱ میزان - متولدهین ما های  
نور ، سلطان ، هیزان و قرب  
منتظر حاده غیر مرتقبه در زندگی  
کی تان باشد آنا زهره در را -

۱ میزان - روز بیمه  
برای دختران و خانمه‌امکه  
در ماه حمل تولد کردیده اند  
برایم های گذشته نهاد  
از این روزه بعد دوباره حاده  
سکر دستلا : کشیده از هر چونه  
ساقش دری جوید .

۰ میزان - روز ازام خوبی  
برای آنده ای خواهش  
بود که در ماه حوت تولد شده اند  
سرطان و حوت تولد شده اند  
روز خوب برای معاملات تجارتی  
تی خواهد بود . ملاه برآ ن  
برای کسانیکه در ماه هیزان تولد  
له گردیده اند روز خوبی برای  
ازدواج خواهد بود .

۱ میزان - نار احیت های  
کسانیکه در ماه نور تولد  
شده اند در این روز شدت  
بسابقه ای کسب خواهد  
کرد خانه‌او دخترانیکه  
در ماه سنه تولد شده اند  
امنیوز ، روز خوبی برایها ن  
خواهد بود . در این  
دشنهاد کوشش گرد تا جلو  
احساسات شدن خود را بگیر  
مده بخصوص متولدهین ماه  
سنه خلیل محتاط باشند  
تا کانون سعادت تان در این  
روز ازهم نباشد .

۱۵ میزان - متولده  
ماه های حمل ، جوزا دل و  
حوت در این روز ایام ۱۹ میزان  
به مسافت اقدام نه و زن مسدد  
برای متولدهین ماه نور ایمن  
روز بیمه روز خوبی و پرس  
خواهد بود ، اگر لایش کنمده  
دوست ازه زده شده تان در این  
روز باشان اشت خواهد  
کرد . روز خوبی برای  
انتخاب همسفر زنده کسی  
برای متولدهین ماه شور خواهد  
ببور .

۱۶ میزان - برای متولده  
ماه های جدی و حوت روز بیمه  
جنجال بوده دل را در امور زمان  
زیاد میزد تا شمارا در کارهای  
فیض دهنده و به این کار مونس  
من شوند . متولدهین ماه  
عقربه داشته باشد که  
این روز برای حل و فصل نزدک .

# موزه و موزی الصاریحی و دات

آرکه سرمه کو خط نهیم . تحویل یکم در موئرھتیه .

رسانه افصاد رکه سرمه کو فما رجید بعل ۱۹۹۰ رحسر که لدید ؟  
و همروع بزرگوار مدل جدید کو موزه و موزی الصاریح داشت تازه  
والله عمود است .



نمای از بیانیه این موتورهاد رجهاراهی انصاری شهربورده دین کرد  
وموتورهاد لخواه تابرا باریک مورد بسند انتخاب کرد . همچنان موتورهاد  
انصاری موتورهای مدل جدید ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ بنز توبوتاونیک همای  
مختلف این را بدستور دارد اشخاص دویست د ولتی میتوانند باشرا یط  
محل موتورهاد صرورت خویس را دستیاب شوند .

که رکه سرمه بارگیر بجا طرد اشته باشه .

تلفن ۳۰۵۲-۳۰۵۲ پچهار اهر الصاریح نو

ACKU  
سلسل  
DS  
350  
220  
V4 In5

# یک شرک در مروگانه بزرگ

مألف حوشی تا نراد رسما

فروشگاه بزرگ افغان بغلان

نایید ناخاطره آن همیشه شاه

بهاند

وقت را بزرف کنند

# فروشگاه بزرگ

## افغان

شام خوش در زلزله خوش فروشگاه بزرگ افغان لار و لیکو در کهرمانه نایید ناخاطره آن همیشه شاه  
تیک کشیده خود را شیرین فرمات خلاصه نسب خوب باشد

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**